

# مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

(۸۱)

۲

شماره

خرداد - تیر سال ۱۳۵۵

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تفریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبی جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که تئوریک تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۵ و ۶ (مه - ژوئن) سال ۱۹۷۶ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بجا رسیده است.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49834  
10028 Stockholm 49  
Sweden

شماره حساب بانکی جدید

"مسائل بین المللی"

Handelsbank A. G.  
Konto-Nr. 9608-3131-0010

## فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
پوریس پونومارسف	بیمت و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و اهمیت بین المللی آن	۱۶ - ۲
رود نس آرمسندی	دیفکارگرد رجببیمتهد ضد امپریالیستی	۲۷ - ۱۷
رولا کوزکولو	اتحاد کمونیست های همفکر	۳۴ - ۲۸
گیرگین گیرگینف	ویژگیهای تحول ایدئولوژیک مائوسیم	۴۳ - ۳۵
زویسلا برتادراس	جانی که نثار سردم شد	۵۰ - ۴۴
شفیق خورخه خاندال	این خودکشی نیست!	۵۸ - ۵۱
گورگی شاه نثاراف	پن از پیروزی خلقهای موزامبیک و آنگولا	۶۲ - ۵۹
آلوس برنارد و پاتیسنا	پایه های حکومت سردم	

## بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

### اهمیت بین المللی آن

پوریس پونومارسف

عضو مشاور پیروزی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در شرایطی تشکیل شد که جامع بشری در جریان پیشرفت تاریخی خویش به مرحله مهمی گام نهاد . این امر اتحاد و دنیای وابسته بسبب موفقیت های اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و مرتبط با موفقیت های جدی در تاسیس صلح و جلوگیری از جنگ جهانی هشتمه ای است . مواضع سوسیالیسم میزان پوششگیری مستحکم گردید . مبارزات ضد انحصاری ضد امپریالیستی بود های از حجتگر تشدید یافت . ارجح و اضطرار و قدرت رزندی طبقه کارگر بد رجح بالا تری از انقلاب یافت . بسیاری از احزاب کمونیست و دیگر گروهها د موزکاتیک بموفقیت های حقیقی دست یافتند . تغییر و تحول انقلابی د موزکاتیک بر پایه د ستاورد های جنبش آزاد بیختر طی درود هبا کشور گسترش می یابد .

پیوند پیشرفت و ترقی در برابر پورجریان با میزان پیشروی اتحاد شوروی در راه کمونیسم امروز از هر وقت دیگر آشکارتر است .

این موضوع در روحیه رزنده و انتزاعا سوسیالیسم پرولتری که در کنگره حکمفرما بود و در شور و شوقی کمنابندگان حزب لندن با آن همزمان خویش در راه هدفهای عالی واصل و استقبال میکرد نسد انبرکاس ویژه ای یافت . این پندیده برای کمونیست های اتحاد شوروی نوی در پیدار امپونیها و طبلهونیها و ستان خویش در جهان از امریکای شمالی تا زلاند جدید و از کشورهای اسکاندیناوی تا امریکای جنوبی بود . نمایندگان احزاب سیراد با اشتراك در کار کنگره توانستند احساس کنند که نفس جامعه شوروی چشمروند و چمنظم و برقد ر میزند . آنها تصور زنده ای در باره اینکه حزب لنینی ما در بر م شوروی طی پنجساله گذشته بموفقیت های دست یافته اند و همچنین در باره کارهای بزرگ آینده از کنگره باخورد بردند . آنها در باره فعالیت های خود و مسائل که با آنها روبرو هستند و در باره مبارزه ای که احزاب آنها اغلب در شرایط بسیار دشواری انجام میدهند صحبت کردند . منظر ماکایی جنبش انقلابی جهانی با تمام غنا و کونا گونی خود و با تمام دینامیسم و فقه ناپذیرش در کنگره مجسم گردید .

تمام جهان در روح اعتماد توأم با آسودگی خاطر و خوش بینی مدلل گزارشی را که در برزف و در بیرگل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره بیست و پنجم داد با یاد آور شد . این سند برجسته ترین نتیجه تمام مسائل گوناگون و بشرتی بود . بلکه در برابر حزب قرار داشت باطل میگردد . زرفای طرح مسائلی که پیشنهاد سردم شوروی بلکه تمام پهر پیروی زمین در حال آنها بیخند اند . تلفیق راه حل

ها عملی باید ولی برهن نشانختن تقویله آنها، بررسی وظائف مردم ساختن کمونیم از دیدگاه  
وسیع بین المللی، با ارتباط جدی با استواری مواضع سوسیالیسم جهانی در زمینه کلی مبارزه در راه  
صلح و اخیت خلقها و ترقی اجتماعی، تمام اینها در مجموع بهنگره اهمیت وطنی و واقعا جهانی  
بخشد.

بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی نماینده دستاوردهای تازه مردم شوروی  
در تمام رشتههای ساختن کمونیستی بود. آنها نظریه لنینیست برترتف با آرزوید پنجماله نسیم  
از لحاظ مقام سر شاطق محصولات صنعتی، سرمایه گذاری و دامنه انجام برنامهها و اجتماعی  
بی نظیر است. اتحاد جماهیر شوروی اینکله فقط از لحاظ استخراج ذغال سنگ، سنگ آهن  
و تولید سیمان، بلکه از لحاظ تولید بولا، د کوره های شیمیائی و استخراج نفت و تولید انواع دیگر  
محصولات درجهان در مقام اول است.

وظائف اصلی اقتصادی - اجتماعی با موفقیت انجام ییده است. این نکته در دوره اول به  
و پایه اصلی مربوط میگردد که بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین کرد. این  
بلا بردن سطح زندگی مردم است. درآمد واقعی سرانه اهالی تقریبا تا یک چهارم افزایش یافته  
است. بهخیزان نبرد اعداها و اختیارهای گوناگون خدمت دیناها های (فوند) اجتماعی، در رصد  
افزوده گردید. شرایط مسکن ۶ میلیون نفر بهبود یافته است.

در گزارش کیهان مرکزی تأکید شده است که "حمت و رهبری حزب کمونیست در پنجماله نسیم  
کا عظمت تازه ای در ایجاد زمینهای عالی - تکنیکی کمونیم، با الهام از سطح زندگی مردم و تعیین  
امتیاز کشور برداشته شده است".  
همه اینها بنیادین رسا گواه نیروی سلامت اجتماعی ما زمان شوروی و امکانات نامحدود آن و توانا  
آن در حل بخرنج ترین مسائل اقتصادی وطنی و فنی در زمان معاصر می شود تمام افرادی است که کار  
میکند.

طرح اعتلای بدون وقفه اقتصاد شوروی که حال بنام آن همساله یقه هماله ادامه دارد  
چیسست؟ بهجمله اقتصاد شوروی از گرد و تنزل و بحران ها، تورم، شب و تاریایی و هورفگتگی  
میگردد و به جدای نظایر اینها که از ویژگیهای نظام سرمایه داری اعتدال دوری است؟

ریشه بزرگترین اقتصاد شوروی در عین تحولت جامعه سوسیالیستی است. در اینجسلا  
پیشرفت اقتصادی، سمت و آهنگ رشد و موازنه آن رانه انحصارهای کسبگوشند در جریان یقه مبارزه  
شدید و یقینت حد اکثر سود خود را تا بین کنند، بلکه دولت سوسیالیستی که به نگرانی مردم است  
تعیین میکند. حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی با در نظر گرفتن این ضابطه و فکر آنستد  
که اولیای اجتماعی تولید به بهترین و خنترترین و جسی استفاده شود، گرایش و علاقه بهنگام  
استخراج و بهنگام همکارها و روز بروز بهتر جریان باید تمام نگاهتیم اجتماعی - ستیاسی و اقتصاد کسور  
با بهره دمی کامل بسود تمام زحمتکشان عمل کند، عملتی است که بهرزه شرف حزب کمونیست و نظام  
سوسیالیستی میباشد. زیرا آنها هدف دیگری جز رفاه و آسایش مردم ندارند.

همه در گزارشهای که بهنگره داده شده و هم در سخنرانیهای نمایندگان کنگره اطمینان کامل  
به اینکه وظائف برنامه جدید یعنی پنجماله در هم مرحله اجراء رساید احساس میشود. نمایندگان  
بازر میسیون و تمام کمونیست شوروی با وسوسا زنده و به علاقه با اطلاع در باره آنچه انجام شده و آنچه  
باید انجام شود سخن گفتند.

وظائف تازه ای که در برنامه پنجماله در هم گنجانده شده و در گزارشهای کمیته مرکزی حزب  
کمونیست اتحاد شوروی و همچنین گزارشی که کاسیگین صد رهبری و وزیران اتحاد جماهیر شوروی تحت

عنوان "جهت اصلی پیشرفت اعتبار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طی سالهای ۱۹۷۱ -  
۱۹۸۰" قبولی کرد. به با در نظر گرفتن آینده ای در برترتیمین شد مورد آیه شی اصلی  
کنگره بهجمله و چهارم است.

در اینجا در دوره اول، پنجمین بربر اینهاش هر چه بهخیرتر رفاه و آسایش مردم شوروی، بهجسود  
شرایط کار زندگی آنها، بهجسودت چشمگیر بر زمین بهد است. آموزش و پرورش و فرهنگ و در راه تمام  
چیزهایی است که بهتنگل اینان جدید، تکامل شوه زندگی سوسیالیستی و تقویت قدرت اقتصاد  
کشور میسکند. بهنجسواله در هم برنامه کیفیت و عمر شعی است. وظائف تسریع ترقی همه جانبی و  
فنی و افزایش بازدهی کار را حزب اولیای درجه اول بهخیرتر میورد.

ما هم استراتژی اقتصادی حزب در شرایط سوسیالیسم پیشرفته چنانکه بهستون پنجمین کنگره  
حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین کرده بطور خلاصه همین است:  
برای بهنجسواله گذشته با موفقیت های برجسته بهروزهای سوسیالیسم جهانی که در نتیجه  
کوشش مشترک کشورها ی سوسیالیستی برادرید ستآید بهشخص و متا بر میگردد. رهبران این کشورها  
طی سخنرانیهای خود در کنگره با تأکید کرد ند که شرایط لازم و ضابطه موفقیت ها و دستاوردهای سوسیالیسم  
جهانی اتحاد جلدی تا بهروز مجوسا نه از با کمونیست کشورها ی سوسیالیستی بود موست.  
این اتحاد با پیشرفت جهان سوسیالیسم و آرییده است و جهانی سوسیالیسمی که متزله  
واقعیات با زکشت تا به روز بر و ان محکوم اجبار گردید و است.

بزرگترین سوسیالیسم در زمینه تمیق هر چه بهخیرتر حران سرمایه داری و در زمینه جدی ترین  
تزلزلها بنی شای اقتصاد بیستم سرمایه داری طی دوران اخیر بخصوص بهجسود تجزیه و تکرار کرد.  
بدون انحراف میتوان گفت که بزرگی سوسیالیسم نسبت به نظام سرمایه داری که بر پایه سود جوسن  
بهرویکتی و مستحکم بنیاد نهاده و شده هیچوقت همانند این روزها تا این حد بهوش و شکست خورد ناست.  
بزرگی اقتصاد جستی بر پایه نسبت به اقتصاد سرمایه داری و اشکال سوسیالیستی سازماندهی  
جامعه نسبت به پرورازی آشکار پرورش تر گردید. علت توجیه و علاقه تود معالی این بودم به سوسیالیسم  
که طی سالیهای اخیر پرورشهای افزایش پیدا کرده و نیز تا حد زیادی در زمین است.

نیروی جاذبه اندیشههای سوسیالیسم اکنون با نقش واقعی آن در پیشرفت جهان معین  
میشود. جامعه کنفره های سوسیالیستی از تمام امکانات خود برای محفوظ نگا هد افشن جامعه گیری  
از خطر جنگ جهانی استفاده میکنند و راه را برای تثبیت مناسبات نوین میان کشورهای بر پایه احتسرام  
بهجق حاکمیت ملی و همکاری با حقوق برابر هموار سازد. این جامعه تکیه کا بهجقایی است که در  
راه استقلال و آزادی خود مبارز میکنند. رفیق فیدل کاسترو ضمن سخنرانی خود در کنگره گفت:  
"فاکت ما ای عینی روز بروز روشن تر نشان میدهد هند که صلح همگانی، ترقی جامعه بشری و سوسیالیسم  
بهم پیوندی ناگسستی دارند".

بهستون پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گواهیهای دیگری بر نیروی علیه ناپذیر  
مارکسیسم - لنینیسم است. تمام موفقیت های اتحاد شوروی و کشورهای برادرید و ن توری انقلابی  
مارکسیسم - لنینیستی فراتر قابل تصور میبود. این نکات در دست و یکتا یقوانین و چشم انداز  
پیشرفت جامعه را مکن میسازد. امکان است با این طمش در رفرتج ترین شرایط و انتخاب راه  
صحیح و در فترت ترین شوههای اقدامات سیاسی را فرها همپا یورد.

در جهان شوروی دیگر سازای جهان بسود زحمتکشان نظا بر توری که اینک چندین دهسال  
است در عمل با ثبات رسیده و توری ساختن سوسیالیسم یعنی جامعه نوآزاد از بهره گیری و مستم  
وجود ندارند. در همه "مدل های" رفورمیستی سوسیالیسم و نظایر اینها گوناگون "سوسیولوژیک" وجود

داشته و دارد ، و آن یک کشور هم وجود ندارد که بنگ آنجا توانسته باشد از نواقص و معایب مزایای  
داری راهائی یافته و جامعه سوسیالیستی ساخته باشد . "تشریحی" مختلف چپ روانه -

ماجرای حیوانه هم با شکست های ناگهانی و پورشدند . تحول مائوسم که مردم چین را از راه راست  
ساختن سوسیالیسم منحرف ساخت ، کشور خود را بهر "وضع" جهت های "ولوتارکستسی" و  
"انقلابی فرنگی" و سایر ذات شد بد داخل کشاند و در هر مرحله تئین انقلاب چین را در پیشرفت  
بی بند و بارترین ارتجاعها قرار داد . وراجی در روز باره اینکه گویا مارکسیسم - لنینیسم "کهنه"  
شده است بستانیشوری پیروز شده است جهان بود بگنجرهای انقلابی مرد و دیگر کرد . این نیروها  
با پیروی از تئوری سوسیالیسم علمی این موفقیتها را بدست می آورند .

بخورگی گمانی کمیگوشند مارکسیسم - لنینیسم را همانند مجموعه ای از دگم ها قلمداد کنند  
بهبود منوری خود را بپدید رسیدند . زیرا بدینسان جامعه شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی  
مکتر قضایه را با تاسیر میسازند . در سبب توجیهات گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تا کید کرد پسد  
کنیروی مارکسیسم - لنینیسم در جهت تفریق و عدم ادامه است . به همین علت هم مارکسیسم -  
لنینیسم با حفظ پیشرفت تضاد ی سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی است . گنگره بیست و نهم  
نوعی از زبرد خوردن خلقی "بغفلت مسائل اجتماعی روزافزایند از پرهان مقنع تازه ای برای اهمیت  
جهانی اصول مارکسیسم - لنینیسم ارائه نمود . گزارش لنینیست برزف و اسناد و مدارک گنگره و در همه  
عظمتا به از ای در سبب و تکامل تئوری ویرایش سوسیالیسم علمی است .

خود حزب لنین هم که بیانگر اراد و رهبری سوسیالیسم طبقه کارگر تمام مردم شوروی است ، با تمام  
نیروها منوری خود در گنگره بیست و نهم حرف اندام کرد . حزب ما با پیروی بیکبار از زمین لنینیسم  
زندگی حزبی و تحقق قرارهای بیست و چهارمین گنگره "لنینیسم کمونیست اتحاد شوروی استوارتر گردید  
رشد و تکامل بیشتری یافت . سازمانهای حزبی برای نیازی از آمادگی بیشتری پیدا کردند و کمونیست  
ها فعال تر شدند . یکی از اجزای توجه ترین خصوصیات گنگره عبارت از این است که در آن ارتعاش  
حلقه های حزب یعنی کامل این گفته : "انوری سیاسی و د بزرگانه کمیته مرکزی سازمانها"  
اولیه حزبی ، عرضه گردید . این هم بدیده ای قانونمندانه است . نقش رهبری کننده حزب در  
فعالیت سازمانهای حزبی در تمام سطوح با شرکت فعال کاررها و توجیه های حزبی و تمام کمونیست  
ها منجم میگردد . این امر به حزب امکان میدهد تا فاعل گوناگون تمام تشریح های جامعه و تمام گسروه  
ها را منجم کند و تمام طبیعت های اتحاد شوروی را منجم کند و یکجا بیانگر آنها باشد . سوجشمینور  
و ارتجاع حزب هم در وحدت جدائی ناپذیر آن با مردم ، اعتقاد کامل زخمگشان بدان و راستمد  
آن در زمان رهبری مستقیم و شخص در جمیع بخشهای زندگی اجتماعی است .

حزب توجیهی و به بهترین شرط موفقیت رهبری حزبی یعنی شیوه کار لنینی میزول داشت .  
ر . برزف گفت ای شیوه " شیوه ای خلاق ، بد و رازموزگترین و مشحون از ترفند علمی به تمام  
جریانهای اجتماعی است . این شیوه مستقیم به مستگیری نسبت به خود و دیگران است از خود  
راضی بودن را در آن را نیست و دشمن هرگزند اداره روانی ( بوروکراسی ) و غیره را میسازد ."  
این واقعیت که به مسائل مربوط به انتقاد و انتقاد از خود جای چنین مهبی در کار گنگره داده  
شد تا تشریحی از درمهمانان گنگره ، کمونیست ها بد بگنجرهای و افکار مومین بیان داشتند . در باره  
نواقص کارها ، مسائل حل نشده و در باره تمام آنچه که مانع پیشروی سریعتر مردم شوروی بخوشی کمونیسم  
استانگوار و صریح صحبت میشد . این سخنان با وجود ، موفقیتهای عظیم و چشمگیر ساختمان  
کمونیستی گفته میشد . برخورد هشیارانه و انتقادی به تمام فعالیتها و روشها بکلیت با پیشوی است ،  
این قانون تمام کارهای حزب است و از خصائص جدائی ناپذیر شیوه لنینی رهبری حزبی است .

لنین میگفت : " تمام احزاب انقلابی که تاکنون از زمین رفتند ، بد آن سبب بود که خود مغرور شدند  
و قادر نبودند ببینند کمبری آنها در چیست ، و از بیان نقاط ضعف خود می ترسیدند . اما ما از بیان  
نخواهیم رفت بدین سبب که از بیان نقاط ضعف خود نمی ترسیم و رافضیه بر نقاط ضعف را میا موزیم "

(۱)

حزب کمونیست اتحاد شوروی که بدین گفته لنین وفادار است ، همواره در فکر آنست که انتقاد  
بطور جدی انجام گیرد و به پیشروی سوسیالیسم کمک کند . حزب کمونیست اتحاد شوروی ، چنانکه در گنگره  
بیست و نهم تاکید گردید ، کارمند شیوه انتقاد و انتقاد از خود را در این می بیند که ، تمام جهات فعالیت  
این بیان سازمان ، این بیان کارمند بطور صریح ارزیابی گردد ، تا نواقص مورد بررسی همه جانبه  
قرار گیرد و بر طرف شود و اعتماد و احترام به اشخاصی با جدیت و مستحکمی تلفیق گردد .

در گنگره در باره موضوع اسناد و سستی سوسیالیستی بطور گسترده و مفیاس وسیع صحبت شد .  
سازمان سوسیالیستی سازمانی جمعی است و اسناد و سستی آن اسناد و سستی برای میلیونها افسار  
زخمگتر است . ناهیت سوسیالیسم که انسان را از بهره کشی ، از هرگونه بردگی و اسارت ، از عدم  
اطمینان بفرای خود ، از بیگانی ویراکندگی انسانها و زجرگوشی دم توپ شدن در ماجرا جوشیها  
سازگارانه امپریالیسم و ارتجاع راهائی می بخشد ، در این اسناد و سستی ضعیف میگردد ، در جامعه  
سوسیالیستی برای اینکه انسان خود را تنها بدست سرنوشت سپرد و همه احساس نکند برپایه  
در محیطی خیراند پشانه و محصور با توجه و مواظبت از طرف دولت ، جامعه ، همکاران و رفقا زندگس  
کند ارتعاش امکانها استفاده نمیکرد .

در اسناد بیست و نهمین گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی وفاداری بیکر حزب ماهه ایمن  
اصل لنینی که همانطور که سوسیالیسم بدین سبب و تکامل مستمر دموکراسی غیر ممکن است ، دموکراسی  
واقعی و اصل هم بدین سوسیالیسم امکان ناپذیر است جسم یافته است . ضد کمونیست ها اینک  
آتش خود را روی میسمت سیاسی متمرکز کرده اند . میگویند با ثبات رسانند که گویا پیشرفت های  
اقتصادی و اجتماعی در سوسیالیسم بدین سبب و تکامل دموکراسی و یاحتی به بهای محدود ساختن  
آزاد بهای سیاسی بدست می آید .

بطان چنین اظهاراتی را توجه به تجربه واقعی سوسیالیسم کاملاً آشکار میکند ، بدین خلا  
روزانه و آگاهانه تودهای انبوه مردم ، بدین شرکت فعال آنها در امور کشور ، در زمین ماهیجوت  
بموقعیت های که دست یافته ، نه در اقتصاد ، نه در پیشرفت های معنوی و نه در هیچ رشته دیگری  
ناظر نمیکردید . این در واقع انقلاب سوسیالیستی بود که در آن حکومت واقعی مردم را برپا نهاد  
تودهای زخمگتر مردم را بر بهره گیری طبقه کارگر به صاحبان واقعی کشور که مسئول زمان حال و آینده  
آند بدل ساخت . این انقلاب بهر فرد زخمگتر شرافتمندی امکان داد به شایستگی انسان خوبین  
دست یابد ، یک فرد واحد تمام حقوق اجتماعی در کشور گیرد که " کار سوری است "

دموکراسی سوسیالیستی در درجه اول وسیله ای برای پیشرفت اجتماعی ، پیشرفت جسمی  
سوسیالیسم و تودهای انبوه مردم است . بطوریکه ر . برزف در روشنی در گنگره اعلام نمود " چیزی بر  
مان دموکراسی است که به نفع مردم و مصالح ساختمان کمونیستی خدمت میکند ."

استاد گنگره " تمام پرسشها در آن وسیع جوفه کاری که انجام داد با رد بگنجانند از که بسبب و  
تکامل دموکراسی سوسیالیستی همواره در مرکز توجه حزب قرار دارد . قانون اساسی جدید شوروی  
گام مهم تازه ای در این راه است .

هرگاه و از بدگاه اهمیت بین المللی مسائل به اهمیت تجربه‌هایی که حزب کمونیست اتحاد شوروی در جریان ساختن سوسیالیسم و کمونیسم اند وخته است نظری کلی بپسندیم نمیتوانیم بگوئیم :

- تجارب حزب کمونیست اتحاد شوروی که در دسترهمگان قرار دارد ، ماهیت وسیعی ازنده سوسیالیسم بعد کمال رسیده و راپسنگ جیتروکتعمیم یافته در بر دارد .  
- این تجربه‌ها اصول بنیادی ساختن جامعه آزاد انبهره‌گشایی وطلوبتسم را کمینکی پسسه مارکسیسم - لنینیسم بوده و صحت آن در عمل با ثبات رسیده و در بر میگردد .  
- این تجربه‌های روزافزون حزب کمونیست ، یعنی عالیترین سازمان طبقه کارگر و محتمل‌کنان رادرجیان ساختن سوسیالیستی تأیید میکند .  
- با شیایه می‌رساند که فعالیت توده های مرد پرخلایقت فعال ، آگاهانه و تشارخی در گمزانند آنان از شرایط ضروری ساختن سوسیالیسم و کمونیسم است .

- تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی به طرز بسیار قانع کننده ای بیانگر این واقعیت است که تنها طریق پیگری و طائف ملی و نترنا سوسیالیستی ، فقط استفاده در دست و ما هزارانه از تائونیسی عا بسیار از در راه سوسیالیسم و در گمزاندهای سوسیالیستی در شرایط کثرت کشور خوبتر است که مارا بموقیت تعیین نماید .

کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی ود پهم جد به خطایی در گمنه تجربه سیاسی و تئوریک حزب لنین است . این کنگره بار دیگر نیز قابلیت فراوان زینت دایش مارکسیستی لنینیستی در راه ساختن سوسیالیسم و کمونیسم را به تمام جهان نشان داد .

کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی از نواقص نبروان راتا یهد کرده که سیاست صلح لنینی اتحاد شوروی ، سیاستی استوار و پیگیر و قیق است . این سیاست از سرشت ذاتی سوسیالیسم ناشی میگردد و منافع بنیادی توده ها و افراد زحمتکش را کمیناری به جنگ ندادند ضعیس میکند . بچین سبب سیاست خارجی شوروی وابسته به هیچ شرط اثنافی و تصادفی نیست ، با تزد بد و دوشی ناشی از اوضاع روز ، خواص مربوط بدوران انتخابات وخواه رویداد های دیگر و وجه مشترکی ندارد . این سیاست بمنزله پلعه امل نیرومند و با ثبات حفظ صلح و جلوگیری از جنگ هسته ای و تاسین امنیت بین المللی عملی میکند .

واکنش های بسیاری نشان میدهند که افکار عمومی شرقی جهان این نکته راتا یهد میکند کسه کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی شی سیاست خارجی شخصی را معین کسرد کبه پاسخوگی نیا زند بیجا به تمام جامعه بشری است .

امروز کسی قان ربه در این موضوع نیست که بر پایه صلح اتحاد شوروی طی پنج سال پس از کنگره بیست و چهارم تغییرات اصولی مهمی در عرصه بین المللی پدید آمده است . " جنگ سرد " ناچار چای خود را به خنثی کردن داد و روپاروشی و خطر درگیری که با خدانافضار همراه بود ، ظهر ضم مقاومت شوروی ای امپریالیسم جای خود را به همکاری میان کشورهای با سازمان مختلف اجتماعی بر پایه همزیستی مسالمت آمیز میدهد . کشورهای سوسیالیستی شرایط مساعد ترین بین المللی برای ساختن صلح آمیز بدست آوردند و تمام خلقها از وضع مطلوب و مساعد تری برای تحکیم امنیت و حفظ استقلال خویش برخوردار گردیدند .

در جریان ندادن ارکان و اجناس کمفروانرا استهوانگاری اروپا و اثر کوششهای سجدانه و همد فئند اتحاد شوروی ود دیگر کشورهای برادر و رفیقهای اجتماعی - دموکراتیک در غرب ظبه بر ملا و است آن محافل و گروههای

بیروناوری که میکوشند ن کنفرانس را از مسیر وظائف اصلی آن منحرف سازند امکان پذیر گردید . در نتیجه کنفرانس نه فقط بهروداد مهمی در زندگی مردم اروپا بدل گردید ، بلکه به گامی خزر خزر جنگ جهانی و استواری اصل همزیستی مسالمت آمیز هم کمک کرد .

شی سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی و موقیت های آشکارتر بد نایذ بر آن ضمیمه بقایتی کمونیسم وارد آورد و افشانه " تجاوزکاری " اتحاد شوروی را بطور جد با شکست مواجهه ساخت . گسترده ترین محافل افکار عمومی جهان عمیقاً درک کردند که " سوسیالیسم و صلح جدائی ناپذیرند " .

درین حال هم در گزارش لئونید برژنف ، هم در سخنان نعا یندگان ود در سخنرانیهای میهمانان با این موضوع توجه شده است که اگرچه مواضع ارتجاعی ترین و جنگ طلب ترین محافل تضمین میگردد بد و ایگانان آنها برای اعمال " سیاست زور " محدود شد ، صلح همگانی هنوز بهیچوجه تضمین نشده و خطر جنگ جهانی بر طرف نگردیده است .

در واقع هم همینطور است . مسابقه تسلیحاتی کشورهای امپریالیستی آغاز کرده اند ادامه دارد ، در نتیجه قدرت تخریبی ذخایر سلاح هسته ای که در این کشورها انبار شده است در میلیون بار بیشتر از قب امتی است که روی هیروشیما افکندند . امپریالیسم به معنای کس که در گذشته سابقه داشت ما شین جنگی خود را تکمیل میکند . سلاحهای جدید هسته ای ، هواپیماهای جدید ، تانک های جدید و مویشک های جدید ، همه اینها بمعنی ایجاد وسائل کشتار جمعی مدرن تر و نیرومند تری است که دارای قدرت تخریبی عظیم و سرسام آوری میباشد . اینگونه افزایش وسائل نا بود کننده مانند گدشته محیط بین المللی را زهر آلود ساخته و خطراتی برای موقیت عاالی است که در جریان تشنج و اشی بدست آمده است .

بود چهای نظامی کشورهای عضو لک تجاوزکارنا تومرتبا افزایش میابد . در هباود هبها میبارود دلار ، مازک ، لیره استرلینگ و فرانک به توپ صب بدل میگردد ، نه فقط مقدار کوه ناچیز بلکه یک لقمه نان مردم را هم از دستشان میگیرند ، از مبالغ بسیار کمی هم که به آموزش نیروی سبقت اختصاص میدهند مرتبا میکاهند . ملت‌ها بریزه کرد مداوم اقتصاد غرب یکی ازطل توروم ، ناسا مانسی های انرژی و بالا رفتن قیمت کالا های مورد نیاز مردم است .

در این اواخر از تیر نفشار انواع و اقسام گروههای افراطی راست و ضد کمونیست بر سیاست کشور های غربی افزوده شده است . بهم هراس در مقابل موقیت های سوسیالیسم موجود و در بگریزهای دیوکارنا و آزادی بیشتر در ستاد های سیاسی امپریالیسم نگرانی واضطراب ایجاد میکند . از اینس منابع تقریباً در آن واحد ضد و نقیض ترین حرفها بگوش میرسد : زمانه این واحد که از میند و نیز از شیسی تشنج زدایی بیروی خواهد شد ، گاهی بمکسر تهدیدهای بشیوه و باضمون دوران " جنگ سرد " گاهی اظهار آمادگی برای پذیرفتن زمانه بکسرد موت به افزایش همه جانبه قدرت نظامی بمنزله وسیله ای برای تحصیل نظریات خویش و ترساندن طرف مقابل .

تمام اینها این واقعیت راتا یهد میکند که سریش امپریالیسم همانطور که در کنگره بیست و پنجم تاکید گردید تغییر نکرده است . اگر روند تدارک برای جنگ جهانی جدید هنوز متوقف نگردد بد مقصر امپریالیسم است . پایان بخشیدن به جریان بهبود در ادن نیرو و وسایل کفما بری مقل سلیم است است و تصویب رژیم برای یک انسان عادی در شکل بنفاز مرسد و از سوی د دیگر رگیری فاجعه آمیز جنگ هسته ای را میبواند درین داشته باشد یعنی حل بهترین و بیستترین مشکلات است . در ستمهین مطلب هیچفمن اصلی بر نامه سیاست خارجی را تشکیل میدهد که لئونید برژنف در گزارش کسرتبرکزی به بیست و پنجمین کنگره ارائه داد . در اوضاع کنونی بین المللی که نمیتواند

نگرانی آورده باشد، "برنامه مبارزه بپیکر برآه صلح و همکاری بین المللی، به خاطر آزادی و استقلال خلقها" همانند نورخشند به خورشید راهی را روشن میکند که امروز گمانه زاه درستی است که مایه از خطرهای جنگ هسته در برمیگردد به صلح چابده او و اعتماد مکرانیک رهنمون میگردد. در مصفا تاریخ قرن ما جنگ شمارها که از لقب توأم مردم جهان بر میخیزد نیاز تا حد ابعبردی و فعالیتها فرا میخواند نقش بسته است

- به سابقه تسلیحاتی پایان دهد
- بهرگونه آزمایش سلاح هسته ای پایان دهد
- جنگ افرازشمائی قدغن و نابود گردد
- از ایجاد انواع مختلف سیستم های جدید جنگ افزاز نابود و در نتیجه جمعی جلوگیری بعمل آید
- هزینه های نظامی کاهش داده شود
- فرار از جهانی عدم توسل بزور و تماسات بین المللی منع گردد

نماید در آن پیش از صد حزب کمونیستی و دو مرکز انکلیلی از پیشنهاد های کنگره بیست و پنجم کاملاً پشتیبانی کردند. این صدای پراخ و اعتبار جنس کمونیستی جهانی و آزاد به خیر است. کمونیست ها پرچم صلح را فرشته نگهبانند و تا پاسی را که با جنگهای خانمان برانداز مخالفند و می بینند که از بونگونی به شرف تر بود ادا که درگیری های بی حد و حصر نظامی را در پهن دارد باید سامنت بعمل آورد، به وحدت و همبستگی در زیر این پرچم فرا می خوانند.

پیشنهاد های و صیقا واقع بنامه کنگره بیست و پنجم و در باره پایان بخشیدن به سابقه تسلیحاتی قدغن ساختن آزمایشهای هسته ای و اینکه تمام کشورهای او زحله اتحاد شوروی بود چه نظامی خود را کاهش دهند از جهت پذیرفته اعتماد مردم را جلب میکند و آن اینکه آنها را کشور را ارض خود است که در قدرت واقعی آن شکرتوریدی نیست و هیچگاه منگوشده است امتیازهای یک طرفه و پارتیزری برای خود کسب کند، به طوریکه میدانیم اتحاد شوروی با اضرات تمام میخواهد رعایتجدی در اصل امنیت یکسان پایه گامهای کنگرت در امر صلح سلاح واقع گردد.

اقدامات مخالفات تشنج زدائی و سر بلند کردن نیروهای که باین فکران تا اوضاع موجود در کشورهای سرمایه داری بمنظورهای ارتجاعی استفاده کنند، اجباراً نیازند و انگش سازمان یافته تر و تاطع تر خود خلقها و توده های انبوه حتی در سیاست خارجی میباشد. اوضاع بین المللی بطور جدی ضرورت تشنج پذیر فعالیت کارگران، دهقانان، کارمندان، رجال علم و فرهنگ و اشخاص دارند و افکار و عقاید و معتقدات دینی گوناگون و عبارات دیگر تشنج پذیر فعالیت تمام کسانی را که میخواهند آزاد آید اند "نه" قاطع خود را بر طبعه جنگ تازه و "آری" واضح خود را بر سود صلح و امنیت خلقها ابراز دارند، طلب میکند، بخش و انتشار دارند و به ها و پیشنهاد های کنگره بیست و پنجم بدین ترتیب به اعتلای مبارزات آنها کمک خواهد کرد.

ما در مبروط به تحکیم همه جانبه وحدت و همکاری کشورهای سوسیالیستی برادران بهترین مواد برنامه سیاست خارجی مصوب کنگره بیست و پنجم است. حزب ما همواره از این منش بهره گیری کرده و مصمم است تا از ایند نیز بطوریکه بر این روش را ادامه دهد. جامعه کشورهای سوسیالیستی نیرومند و یکپارچه از بهترین عوامل افزایش روز افزون سهم سوسیالیسم موجود در تحکیم و استواری صلح است. حزب ما در کنگره بیست و پنجم اعلام داشته که تمام مجموعه مسائل که وابسته به تحقق واقعیتی تشنج زدائی و مبارزه در راه متضامین و در آینده از این برترین خطر جنگ جهانی است، اینکه در درجه

اول اهمیت قرار دارند. حل و فصل مسائل نظیر بر طرف ساختن کانونهای تشنج و وخامتی که هنوز وجود دارد و در درجه اول حل و فصل بحران خاور نزدیک، الغای کامل تهاپنده های سیستم حتم استعماری، نابود ساختن کانونهای استعمار نو از پرستی، الغای تبعیض و هرگونه موانع مصنوعی در بازیگری بین المللی و الغای هر نوع برزوا برای برتری حقوق، تحمیل و فشار بر سره کسب دروناسیات اقتصاد بین المللی، همه بهیچینی ایجاد شرایط مساعد بین المللی است که میسران زیاد و امکان بروز جنگ جهانی را بر طرف میسازد.

در فرجه استند کسانی که میکوشند همکاری در ویا چند جانبه میان شرق و غرب را وسیله ای برای هدفهای آرزومندانه سیاسی خویش قرار داده و از آن برای مداخله در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی استفاده کنند. کنگره بیست و پنجم مخالف نمودن راه این قبیل کوششها چنانکه باید ابراز داشت. حزب کمونیست اتحاد شوروی بر این عقیده بود که هر وقت که همکاری بین المللی می باید وسیله ای برای صلح و ترقی باشد. بهیچین علتی است که اتحاد شوروی خواستار این است که مجموعه فرارادها و موافقتنامه های که طی سالهای گذشته میان کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری منعقد گردیده هر چه کاملتر مورد اجرا گذاشته شود. این امر در درجه اول به سند نهایی سوسی کفرانس هلسینکی هم مربوط میشود.

انکافکاران بد آنجه در اروپا بدست آمده و نعتیابندین معنی است که ما از امکان موجود برای تبدیل آن به قاره صلح و همزیستی سالمتر از استناد نکرده ایم، بلکه معنی همراهی با کسان است که کاملند آنچه راهم که بدست آمده حل نشده و نیز رعایت سوال بشمار آورند.

پیشنهاد های تازه بیست و پنجم کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی راه واقعی خروج از این بستی را نشان میدهند که سیاست امپریالیستی تدارک جنگ، سابقه تسلیحاتی و پراوش و درگیری جامعه بشری را بسوی آن میکشاند. امپریالیست ها، مدافعان آنها و همدستان آنها چیزی ندارند تا در مقابل پیشنهاد هایی قرار دهند که از پشت ترمیم کنگره بیست و پنجم حسرت کمونیست اتحاد شوروی مطرح شده است. آنها فقط به دعاوی خویش در باره "خطر شوروی" به میان رتسوه های مختلف ادا میدهند. اما در برگل کشته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به تمام جهانیان اعلام داشت که چنین خطری نیست، وجود خارجی ندارد. این واقعیت راهم تمام مضمون و محتوی سیاست خارجی و داخلی شوروی تأیید میکند. در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی موضعگیری در صلح و روابط متقابل اتحاد شوروی با کشورهای تمام مناطق و نقاط گرمین قبول بند شده است. در اتحاد جماهیر شوروی متکی به یک اندیشه اصلی است که پایه سیاست خارجی اتحاد شوروی را تشکیل میدهد و آنهم حفظ و تحکیم صلح و بسط و تکامل همکاری با حقوق برابر و سود مند برای هر دو طرف نفع خلقهای تمام کشورهای جهان است. صلح دوستی کشورش را با وضوح تمام در این واقعیت جلوس میکند که اتحاد شوروی در راه های عظیم کار سازنده، منظور سیاستان جامعه کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی، طرح کرده است که چندین سال آینده را شامل میشود.

تازگی و ضرورت، مسلح بودن و سازندگی برنامه سیاست خارجی کنگره شوروی هدف های صلحخواهانه آن انگار ناپذیر است. پیشنهاد هایی که در این برنامه گنجانده شده است - مواضع کسانی را که لا ینقطع خواستار تشنج و تشنج در صلح شدن هستند متزلزل میکند. در کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی از آنها صدای رسا تکیه شد که: اتحاد شوروی خواستار چنان صلحی است که متضمن مراعات جدی و شرافتمندانه و همکاری اصولی همزیستی سالم است و در نهایتاً تمام کشورهای است. چنین صلحی شرط معنی ترقی جامعه است

بشوی استحقاق تمام خلقبارادرتصمیم شرفیوش خوبندان و تعالیات اجتماعی بطور آزاد و خود مختار تصنیف می نماید .

هر قدر تشنج زدایی عمیقتر می گردد ، در ضمن طبقاتی بیشتر می کشد همینستی مسالمت آمیز راهمانند نوعی تشنج زدایی های اجتماعی - اقتصادی در تغییر و تغییر می کند ، به عبارت دیگر می گویند آذربائزله وسیله حفظ وضع اجتماعی موجود قلند اد نمایند . در راه های اخیر پیروزه در آستانه است که به دستوتیجیم ، در غرب تبلیغات گسترده ضد شوروی بالا گرفت . فرض از آن عبارت از اینست است که " تا ثبات رسانند " که گویا اتحاد شوروی از کاهش تشنج بخاطر " توسعه و ترویج کمونیستی استفاده می کند . هدف از این شانناز هم قیاس وسیع سازمان داده شده ، این است که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را محصور کند بخاطر تشنج زدایی از اصول طبقاتی ایدئولوژی و سیاست خود دست بردارند و برای امپریالیسم " حق " ضد ضد انقلاب " و " حق " دخالت در امور دیگر خلقبارا قائل گردند . حزب کمونیست اتحاد شوروی با تاطلمت چنین تمسیر و تشنج همزمنیستقی مسالمت آمیز را رد میکند . حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره متکی بدین اصل بوده و همیشه کمنه متوازن مانع پیدایش تغییرات انقلابی شده و به باید آنها را تحمل کرد . قوانین مبنی وقوانین پیشرفت جامعه بشری را هیچکس هیچ چیز نتواند تغییر دهد .

واقع مبنی ضروری شی شناخت خارجی کنگره بهستوتیجیم حزب کمونیست اتحاد شوروی برین بنای استواری متکی است که در جریان تحقق برنامه صلح بدست آمده است . لئونید برزفیف ضمن گزارش به کنگره تاکید کرد که : " اگرچه صلح همگانی هنوز به هیچ وجه تعیین نشده است اما دلایل کافی در دست داریم که بااطمینان بگوئیم : نتایج شدن محیط بین المللی بطور فایز کننده ای گواه براین است که رسیدن به صلحی استوار و تنهایی آرزوی خیراند بشانسه نیست بلکه وظیفه ای کاملاً انجام شدنی است . بخاطر انجام این وظیفه میتوانیم باید بستن وین مذاکراته از صرف نیروی فعالیت ادامه داد . " این سخنان که از طرف نمایندگان و میهمانان با استقبال گرم شوروی روینورگردید بیانگر مزم و اراده قاطع و آمادگی حزب مادارامه جدی مضمینی صلح است .

مسئله سمت اصلی پیشرفت جهان باتوجه به نتایج تاریخی که طی آخرین ربع قرن ما در جهان ، دوسیمست اجتماعی متضاد یعنی سوسیالیسم و سرمایه داری بدست آورده اند در کنگره بهستوتیجیم حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور مسالمتی ای گسترده و ژرف بر طبق رویشن گردید . در گزارش کیم ایچ سن و سخنان نمایندگان و میهمانان کنگره بخاطر تشنج نشان داده شد که تجزیه و تحلیل چشم انداز اسیط و تکامل جامعه ما در کنگره بهستوتیجیم و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ بعمل آورده درست بود .

پنج سال گذشته دوران انقلابی مشترک کشورهای سوسیالیستی و پیشروی توام بااطمینان آنها بسوی کمونیسم و در راه جامعه سوسیالیستی پیشرفته بود . این سالها در عین حال ممالک سوسیالیستی گسترش و تحکیم روند انقلابی جهانی بشمار می آید . بهتر از پیش رویشن گردید که فقط سوسیالیسم میتواند به مسائل اجتماعی و مربوط به تمام انسانهای قرن بیستم پاسخ بدهد و پاسخ میدهد . در عین حال روند ان های پنجاه سال گذشته با شدت بیشتری محکوم بزوال بودن تاریخی رژیم سرمایه داری را نشان داد . حالا چگشتی قادر است نسبت به امکان رهائی بخشیدن سرمایه داری از تکنیکهای بحرانها و معایب و تضادهای فاحش آن امید ی جدی بدل راه دهد ؟ خود رجال بورژوازی این " قدرتمندان جهان " به زرقای بیسابقه و به همه جانبه بودن بحران کنونی معترف اند . معترف اند ؛ ولی را مغرور واقعی از این بن بست اجتماعی را که جامعه بورژوازی

طبقه ساکنه و احزاب سیاسی را که بیانگر منافع آنها بداند احکامی است . بیست نمیدانند و نه قادر نیستند چنین راهی را نشان دهند .

تجزیه و تحلیل علمی طبل بحران و پاسخ دقیق به پرسش درباره راههای خروج ایران را کمونیست ها میدهند . آنها باید بدین وسیله قادر به انجام این تجزیه و تحلیل و دادن این پاسخ اند که به قانونندی های عام پیشرفت و تغییر و تحول جامعه منتهی اند ، قانونندی های عام و وحدت اصولی مبارزه آنان در راه منافع زحمتکشان ، در عین گوناگونی های بیشمار اشکال مشخص این مبارزه را ضروری می سازد .

در گزارش کمیته مرکزی به کنگره بهستوتیجیم حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است : " این قانونندی ها که در تئوری مارکسیسم - لنینیسم انعکاس یافته و در عمل به اثبات رسیده اند در کنفرانس های جهانی احزاب برادر را بطور مشروح و با شرکت تمام احزاب قبول بندی شده بودند . درک صریح این قانونندی های عام و انگار بد اینها توام با برخورد خلاق و در نظر گرفتن شرایط کثرت مارکس و لنینیسم از خصوصیات تفکیک ناپذیر مارکسیست هاند لنینیست هابوده و همیشه است .

مبارزه بر ضد رویزیونیسم راست و چپ را نباید ، وظیفه کوششهای کمنه و تحریف اساسی مارکسیستی - لنینیستی جنس کمونیستی و با در شنه در اگردن آن بعمل می آید و باقی مشترک احزاب برادر راست - بسیاری از نمایندگان و میهمانان خارجی در کنگره به این موضوع اشاره کردند . این سخنان لئونید برزفیف که سیاست و ایدئولوژی ما را توضیح نه فقط و به مشترک با ممالک سوسیالیسم مارکسیستی - لنینیستی ندارد بلکه کلاً در ضمن آئینت با نظریات میهمانان خارجی روپوشد .

موضوعی های جنبش جهانی کارگری ، کمونیستی و آزاد بخش طلی در گزارش کمیته مرکزی و سخنرانیهای نمایندگان هیئت های نمایندگی همه جانبه ارزیابی گردید . خاطرنشان شد که برنامه انجام اقدامات مشترک ضد امپریالیستی که از طرف کنفرانس سال ۱۹۶۹ پیشنهاد شده بود در موارد بسیاری عملی گردیده است . بسیاری از احزاب برادر طی پنج سال گذشته صوف خود را بطور چشمگیری استوار ساخته و زمینه توده ای حزب را گسترش داد و مستحکم کردند . در برخی از کشورهای مانند ایتالیا ، فرانسه ، هند وستان و فیلیپین مواضع کمونیست هانانند از راه مستحکم است که بدین توجه به نظریات آنها و اختلاف مصالح توده هائی که از آنها بهره می کنند حتی پلم مسئله مهم سیاسی و اجتماعی نمیتواند حل شود .

بسیاری از وقتها احزاب برادر را در پشت تریبون کنگره بهستوتیجیم تاکید کردند که بهسرنجی شرایطی که اینک بهتر آمد با لزام می کشد که اهمیت اصولی نظیر مستدل بودن مارکسیستی - لنینیستی سیاست ، دیگری کار باید تولید و سازمانی همان توده ها ، اهمیت انتزاعی سوسیالیستی مبنی اید های اقداماتی که باید انجام یابد ، درک صریح ماهیت مسائل علمی و ارتباط آنها با پیشرفت های وضع بین المللی با در قوت خاصی در نظر گرفته شود . بهر خورده صریح به این مسائل امکان میدهد تا با از خود گذشتگی و شور و شوق احزاب کمونیست و نیروی مادامی مبارزه توده هائی که از آنها بهره می کنند حد اکثر نتیجه ممکن را به بار آورند و از آن در راه مصالح باقی کارگرو ترقی اجتماعی استفاده شود .

یکی از مده ترین موضوعهای کنگره بهستوتیجیم حزب کمونیست اتحاد شوروی که به فقط در مذ اگره صلح بین المللی ، بلکه تا مسائل مقام همی داشت موضوع انتزاعی سوسیالیسم بین المللی و همبستگی موثر کمونیست هابود . در سخنرانیهای نمایندگان احزاب برادر در کنگره این اندیشه طنین افکن بود که وحدت احزاب مارکسیستی - لنینیستی ضعیف بزوال قدرت سیاسی و معنوی آنها خواهد بود و باعث اشرار است .

مجموعه نیست که تبلیغات بورژوازی می کشد دشمنان بزرگ انتزاعی سوسیالیسم را که زیر پرچم آن

جنبش کمونیستی بوجود آمده و بسط و تکامل یافته است مانند هیولای وحشتناکی قلند داد کند. زمانی که حزب مبنی این شمار را مه دد و از آن دفاع میکند ، تبلیغات بورژوازی سرود اراه میاند ازند که قصد سطر جوی " هژمونسم " دارد و میخواند مصالح احزاب دیگر را تا به مصالح و منافع خود سازد . وقتی هم که دیگر احزاب از این شمار دفاع میکنند تبلیغات بورژوازی آنها را به وابستگی و عدم استقلال گردیدت فراموشی سپردن مصالح ملی ششم میکند .

انترناسیونالیسم باج و خراج بعضی از دسته های انقلابی بد میگرددسته هانست ، بلکه بحث جدی ناپذیر بر جهان بینی و فعالیتها کسبیت - لننیت هاست . این عامل غنمای متقابل اید نولونیک و سیاسی آنها ، کلهک متقابل در مبارزه مشترک و آمادگی برای اقدامات مشترک علیه امپریالیسم در راه هدفهای مشترک است .

انترناسیونالیسم علاقه و توانایی در رسیدن گرفتن از تجربه یکدیگر است . انترناسیونالیسم علاقه و توجه بد حکمچیند ت جنبش کمونیستی است و سلطزم آن انتخاب چنان اشکال بحث و مذاکره و لحن و بیانی در جمع احزاب برادر است که مانع تشدید اختلاف نظر هاشد موبه بر طرفی ساختن آنها کمک میکند .

تا ماکارنگره ، قرارها و نتیجه گیریهای آن تا به حد فاع و داری کامل حزب کمونیست اتحاد شوروی ، هانند یکی از دسته های جنبش جهانی کمونیستی . به انترناسیونالیسم است . وقوف و درک صحیح کمونیست های اتحاد شوروی به استقلال و تنهایی خود در مقابل خلق خود و طبقه کارگر جهانی و تمام زحمتکشان جهان در کنگره بطور مستقیم و بلا واسطه آشکار گردید . حزب ماد و فلسی ترین مجمع خود تمام کارهای خود را در حضور و با اشتراک فعال نمایندگان نیروهای انقلابی سراسر جهان مورد بحث و مذاکره قرار داد . کنگره باعلاقه و بی طرف فعال نسبت به مسائل جنبش انقلابی جهانی که ضمن سخنرانیها از طرف نمایندگان و نمایماتان خارجی مطرح میگردد واکتف نشان میداد و با تفاق آرا ، خط حسی حزب کمونیست اتحاد شوروی را نسبت به این مسائل که در گزارش کمیته مرکزی فرمول بندی شده مورد تأیید قرار داد .

یکی از نتایج مهمی که بر اساس تبادل نظر بین المللی که در کنگره بیستونهم حزب کمونیست اتحاد شوروی انجام یافت ، میتوان گرفت عبارت از این است که بد اهرای منظم و مشورت میان احزاب برادر در بر مسائل کلمورد کلی که مورد علاقه مشترک اینهاست ( که مسائل بخرنج و پیا پیا آنها که اختلاف نظر بوجود میآورند از جمله آنها میباشد ) شکل مشخص تائین یکپارچگی جنبش کمونیستی است .

کنفرانس ها و انانی کمونیست های کشورهای امریکا ای تین و حوضه دریای کارائیب با اشتراک احزاب کمونیست ایالات متحده امریکا و اتحاد انقش مهمی در پیشرفت جنبش کمونیستی ایفا کرد . تدارک کنفرانس احزاب کمونیست اروپا ادامه دارد . حزب کمونیست اتحاد شوروی از انند به تشکیل کنفرانس تازه جهانی احزاب کمونیست و کارگری بطور کلی و اصولی پشتیبانی میکند .

کمونیست ها در تمام جهان با صداقت و راستی دستفود را بسوی کسانی دراز میکنند کسه آماده اند در راه صلح ، دموکراسی ، آزادی ملی و پیشرفت و ترقی اجتماعی مبارزه کنند . آنها به اند از دیگر نیروها در دموکرات و جبه درونی میکنند و نفخود را در مقابل آنها قرار میدهند ، بلکه بهمهمکاری صادقانه بر بنیای برابری حقوق و احترام متقابل را پیشنهاد میکنند .

شرکت نمایندگان ۱۹ حزب انقلابی - دموکرات در کارنگره بیستونهم حزب کمونیست اتحاد شوروی گواه بارز گذشتش در انه انترناسیونالیسم و علاقه روز افزونش تا نیروهای ضد امپریالیستی بهمهمکاری بود . بسیاری از احزاب انقلابی - دموکرات ، به دوریک در دستفغان نمایندگان آنها در کنگره بیستونهم حزب کمونیست اتحاد شوروی بر میآید ، در کارنگسم - لننیتسم و همگیری

سوسیالیستی را محل مسائل حیاتی کشور خود را می بینند . این امر ، بدون تردید نیروهای پیشرو و ترقی جهانی را بطور کلی تحکیم میکند .

در کنگره بیستونهم حزب کمونیست اتحاد شوروی آمادگی حزب نامبرای گسترش مناسبات خویش با احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات از نو تائید گردید . روشن است که کمونیست ها بخوبی می بینند که تفتی کمونیسم و آنتی سوتیسیم جقد رصیق در اید کولوزی و سیاست سوسیال دموکراتیای راست ریشه درانیده است . آنها درآیند منین بر ملینظر با ت و اقداماتی که به اربطه کارگریان میسراند و کار امپریالیسم را در بد اخله در امور خلقهایش که در راه آزادی و راه استقلال پیشرفت میآورند میکنند آسان نمینماید ، بجایزه اصولی خود ادامه خواهند داد . اما کمونیست ها این راهی بینند که در جنبش سوسیال دموکراسی نسبت به تعداد زیادی از مسائل بین المللی تشغیرات مثبتی روی میدهد . یکی از دلایل موبد این نظر را میتوان در این امر دید که مسئله برخورد

و مناسبات با کمونیست ها در مذاکرات کمونی میان سوسیال دموکراتها مسئله مرکزی است . در گزارش یکنگره با راج و اعتبار کامل موضع لننیتی تغییر ناپذیر همیستکی برادرانه حزب کمونیست اتحاد شوروی و مرد پیشروی نسبت به تمام مبارزان بخاطر آزادی کار و بر طبقه ارتجاع و ستم امپریالیستی میان شد . اعلامیکنگره آزادی بهمنند اینان امپریالیسم ارتجاع (۱) مورد استقبال گرم و پر شور نمایندگان کنگره و میماتان خارجی مافزارگرفت ، آنها این اعلامیه را بمنزله ابزار روشن - انترناسیونالیسم واقعی در عمل از پیشا کردند .

کسانیکه امروز رزندگانهای فاشیست ها رنج و هذاب میکنند ، آنها سیکه جان در رکف در راه منافع حیاتی خلق خود ، در راه مصالح تا هر دم شهید مت و دستندیده در روی زمین مبارزه میکنند همه برادران ما هستند ، آنها گلهای سرسید جامعه بشری و افراد روشن بینی هستند که در راه عالی ترین و پاکترین آرمانها مبارزه میکنند . همیستکی میان ما ، با طبقه طبقاتی کمونیست ها ، ندای وجدان و گواه و تاداری خلل ناپذیر آنها به یقینهای صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم است .

کنگره بیستونهم در تاریخ پرافتخار حزب لننیتی جای ویژه ای خواهد داشت . بنا به گفته لنونید برتف این " کنگره اقدامات عظیمی بود که بر شعرا واقع بینی و کاربری ، اعتماد توأم با آرامش بشنروهای خود ، اطمینان به پیروزیهای تازه امربزرگ ما ساختن کمونیسم و مبارزه در راه صلحی استوار و پاد لانه در روی زمین انجام یافت (۲) .

کنگره بیستونهم به تمام حزب ما به تمام مردم شوروی نیروی عظیم اید نولونیک و سیاسی بخشید . صدمات کنگره در حلهماهی فعالین حزب و تمام زحمتکشان کنگره در سراسر کشور تشکیل شد مورد پشتیبانی پر شور و همگانی قرار گرفت . این صدمات با حصر مسئولیت و شور و شوق فراوان و آمادگی واقعی بششویکی برای انجام کارهای پرانیک و افزایش تعهدات هر یک از افراد در تحمل کار خود در پاسخ به خواستهها و قرارهای حزب استقبال گردید .

مسائله های همگانی در راه انجام طرح های کنگره بیستونهم بزبان رسا گواه آنست که امربحزب ، و طبقه حیاتی هر یک از انسانهای شوروی ام از کمونیست و بخرچیس است . کنگره با تواق گسترده بین المللی داشت . اهمیت دوران ساز و تارخی سوسیالیسم موجود تا مودکمال آشکار گردید . جهان شاهد عظمت و بد بنامیم جامعه جدیدی بود که در آن به ظلم و ستم و تبعیض پایان داده شده است ، رفاه و آسایش و سطح فرهنگ زحمتکشان در آن بطور مستمر افزایش می یابد ، دموکراسی برای خلق بطور همگیکترشتر می یابد و برابری واقعی انسانها و آزادی شخصیت بر پایه الفای هر نوع استثنای جامعه عمل پوشیده است . رفیق کونیا ل خطاب به کنگره

گفت : " خود موجودات اتحاد شوروی ، تمام فعالیتها در امر ساختن نخستین جامعه کمونیستی



در جهان و مبارزه فدائیکاران در راه صلح و امنیت همانند نورخورشید برای سیاره ما است .  
جنبش جهانی کمونیستی نتایج بیکره بیستونینجم حزب کمونیست اتحاد شوروی را از آنج نر و  
نیاد . در قرارهای ارگانهای عالی بسیاری از احزاب برای رد سخنرانیهادرگفتارهای رهبران  
آنها در مطبوعات حزبی باحاطه ملی حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهارهستگی میشود .  
کمونیست های جهان یادآور میشوند که تجربه فنی مبارزه و کاری که در فعالیت کنگره حزب کمونیست  
اتحاد شوروی مجسم گردید برای تا یکسانیکه صلح و سوسیالیسم را گرامی میدارند مفید و مسوزنده  
خواهد بود .

# طبقه کارگردن رجبه متحد ضد امپریالیستی

رویدنی آرمسندی

دبیراول کمیته مرکزی حزب  
کمونیست اوروگوئه

رفیق ر . آرمسندی دبیراول کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوئه در پراپراهای شوروی هیئت  
تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" سخنرانی نمود . مسائلی که در این سخنرانی مطرح گردید  
نه تنها برای درک اوضاع سیاسی اوروگوئه و مجموعه کشورهای آمریکای لاتین ، بلکه همچنین در زمینه  
مباحثات میان مارکسیست ها پیرامون مسئله موط به متحدین طبقه کارگردن مرحله کنونی مبارزه انقلابی  
که در صفحات این مجله منتشر میشود و یکی از مسائل مرکزی تئوری مارکسیستی - لنینیستی تا کنون  
و استراتژی است ، شایان توجه بسیار است ( ۱ ) .  
مادراین شماره خلاصه ای از این سخنرانی را بنظر خوانندگان میرسانیم .

اکنون متجاوزان و سال ونیم است که طبقه کارگردن اوروگوئه به رهبری حزب ما در شرایط  
بسیار دشواری علیه رژیم فاشیست گرا مبارزه میکنند . دیکتاتوری "پوردیبری" ژنرالهای راست تمام  
موازین دموکراتیک و آزاد را باجماع کرده ، در امور داخلی دانشگاه مداخل نمود و پلیس های فاشیست را  
به ریاست دانشگاه ها گمارد و در هیئت اداری دانشگاه وارد کرد . . . مطبوعات اپوزیسیون متنوع  
گردیده ، قریب ۵ هزار نفر زندانی سیاسی در زندانها بسر میبرند و این در حالی است که کشور ۳ میلیون  
و هفتصد هزار نفر جمعیت دارد ! در ماه اکتبر موج تازه ای از تروپکان گسیخته ، بدون افراد ، حمله  
به خانه های مردم و شکنجه کشوری را فراگرفت که بزرگترین موج تروپکان پراگوئه تا ۲۷ ژوئن سال  
۱۹۷۳ بود . بازم متجاوزان هزاران نفر زندانها افکندند شدند که رهبران حزب غوره لوئیس ماسررا ،  
آلبرتو گلسور ، و لادیمیر توریانسکی ، نمایندگان پیشین پارلمان و عده ای از روشنفکران و شخصیتهای  
سیاسی واجتماعی آنرا حمله بودند . زندگی آنها و همچنین زندگی خانواده پرس ، ژنرال ویکتور  
لیگان در و ، آکتور روزویگی و دیگر زندانیان سیاسی وندمان دیکتاتوری در معرض خطر است ( ۲ ) .

۱ - طبقه کارگردن متحدین آن ، مجله مسائل بین المللی شماره ۶ ، آذر دی سال ۱۳۵۴ :  
موقفیت و امکانات انقلابی دهقانان ، اهندرادیب سین خا ، پیرامون مواضع اجتماعی - سیاسی  
روشنفکران ، آلبرتو اسکالا ، حمید صفری ، دفاع از وقت مفاهیم علمی شماره ۶ ( آذر دی ۱۳۵۴ )  
واکس ، مسئله جذب در استراتژی اتحادها ، مجله صلح و سوسیالیسم شماره ۱۹۷۵ ، سود پیمان ،  
ماختر حکومت و مسئله اتحاد شماره ۱۱ سال ۱۹۷۶ ضمیمه .  
۲ - بعد ها موج بدون افراد ، شکنجه ها و وحشیانه ، ویران کردن آثار گرانمایا فرهنگی و غیره  
( مانند در صفحه بعد )

اعمال مستمرشکجه از طرف دیکتاتوری جبار اوروگوه و همچنین شیلی، برزیل و برخی دیگر از کشورها تنبها را نفعین نمونه‌های ناقص صریح حقوق بشر است .

حزب کمونیست که طرفدار وحدت تمام دموکراتها و میهن پرستان است همواره در مصروف مقدم مبارزه علیه دیکتاتوری قرار داشته است . حزب کوشش نمود تا جلوتر برود که ولی پیراز اینکه علیرغم این اقدامات کرد تا انجام گرفت علیه شورشیان تظاهرات توده ای تشکیل داد و بسیاری اقدامات خود تانک های لازم را طرح و تدوین نمود . درست به همین جهت بود که در نخستین روز کودتا مانکن حاصل شده که با اعتصاب همگانی کارگران ، اشفال فابریکها ، تظاهرات و دیگر شوه‌های مبارزه با آن پاسخ داده شود . پیراز از روزیکه فراموش نشدنی ، عقب نشینی متشکل و بیادونگاری شکست اشکال تازه مبارزه ، آغاز گردید . ما سازمانهای ضد یگانگی و همه شبکه سازمانها با اتحاد بهای کارگری توده ای را در شرایط کارشیرینی حفظ کردیم . از انواع گوناگون شوه های مقاومت استفاده نمودیم و اتحاد طبقه کارگرها قشرهای میانه اهالی و دیگر نیروها را استحکام بخشیدیم . در سینا میرمال ۱۹۲۳ کمیت مرکزی حزب مانناج مبارزه را از برای بنیاد نمود . کمیت مرکزی پیراز تدقیق و توضیح برخی مسائل مستوعصصیات فعالیت حزب را تأیید کرد . کمیته مرکزی اولاً نقش حزب را مانند نیروی رهبری کننده ، طبقه کارگر متشکل ، پیروز و دشمنانیکه از متوجه شگفتی مبارزه استفاده میکند ، خواه شوه های عالی مبارزه ( مثلا اشفال موسسات ) ، خواه شوه های سنتی آن ( اعتصاب ، تظاهرات ) میتینگ های اعتراض آمیز و غیره ( تأیید کرد . بطور مثال هیئت نمایندگی کارگران از دولت خواستار ، و درصد افزایش دستمزد شد ، ۷۰ هزار اعطای برای این درخواست و در موسسات صنعتی جمع آوری شد . بدین علت اینکه صد ها هیئت نمایندگی از موسسات مختلف این قضا را مطرح کردند ، و دیکتاتوری جسارت نکرد بلافاصله دست به پیگرد و توضیح و فشار بزند ولی بعد ها به یک سری بازداشتها متوسل شد . فعالیت تبلیغاتی برای جمع آوری اعضا با وجود اینکه شرکت در آن با خطر فراوانی همراه بود ، نیروی استعداد زیست سازمان سند یگانگی طبقه روح پیگرجوی اتحاد به ملی پراختیاری جنبش کارگران میبوند عمیق حزب با مرکز و صد هرتسری را نشان داد .

( مانده از صفحه پیشین )

دموکراتها با زحم بد شد ترشد . ژنرال لیبسرفرانس صد رجهبه وسیع " که صد عده به یاد زندان بسر میبرد و بعد با قید ضمانت آزاد شد و بیاره بازداشت گردید . همچنین عددهای از اهالی و رهبری حزب کمونیست اوروگوه نیز بازداشت شدند . هر روز اخباری در باره جنايات تازه دیکتاتوری که به ترویج علیه جنبش کارگری و دموکراتیک و در درجه اول علیه حزب کمونیست اوروگوه همچنان ادامه میدهد ، انتشار مییابد . شما روزند انجان سیاسی در مارس ۱۹۲۶ ۸ هزار نفر رسید . شعار گسائی که زیر شکجه هلاک میشوند افزایش مییابد . زندگی رفاهی دان معروف خوزه ما سر راهی جنبش کارگری تروپانسی که در نتیجه شکجه صد ما شتهای دیده اند و در بیمارستان ارتش بستری شده اند و در مرکز خارجد ایست . رهبران برجسته اتحاد بهما و حزب کمونیست اوروگوه زیار و کولما و د پیر پشیمس اتحاد کمونیستی جوانان خوزه ما روپیچ از جمله کسانی هستند که اخیراً بازداشت شده اند . متجاوز از ۱۰۰ تن زن به سیاه چالهای زندان افکند شده اند که از رفتنی مد حشره ننگی جا و تجاوزات و مذاک های گوناگون رنج میبرند . همچنین رجال برجسته هتنگ ملی که پیشانی نمودر شکجه فراموش کردند و زندان ها بر سر میبرند . بنامیت گسترش همیشگی بین المللی با خک و اوروگوه رسوا شد ان این جنگها و دیکتاتوری بود ای بر روی اهالی فاشیست به تحریکات و تظاهرات و فعالیت متوسل میشوند ، اما این فعالیتها همیشه آنها کمک نمیکند که جنایات تنبها گریه ای خود را از نظر عمال اجتماعی صفتی نگاه دارند .

تانبها ، کارهای انجام شده برای تشدید فعالیت جنبش توده ای میان قشرهای دیگر مردم و در زمینه اول قشرهای میانه اهالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت . کمیت مرکزی خاطر نشان نمود که با وجود اینکه فاشیسم بر کشور حکومت میکند و با وجود اینکه ۷۰ تن از رهبران استقلال در نگاه از کار برکنار شده اند و هزاران تن از دانشجویان از دانشگاه اخراج شده اند و بطور مفصل قضا رویکرد در بریتانیا و محکوم کردن تمدد آزادی از نیروی قشورها و استادان معروف . به بائنها بیعتای زندان مقاومت کارندان سیستم آموزشی شکلهای متنوع تر و تازمتری بخود پیگیرد . از جمله جنبش همیشگی دانشجویان با خلق شیلی را باید یاد آور شد . فعالیت برای سامان دادن به کار در روستا ها ، تقویت جنبش دهقانی و استفاده از تعداد میان و امداران ( از جمله امداران بزرگ ) و دولت مشاهده میشود . فعالیت سازمانهای و هفتان خرد و با متوسط افزایش مییابد . از آنجا که فاشیسم میکشود هر جنبش توده ای را اول هر قدر هم بی ضرر جلوه کند ، فاقد رهبری گردانند ، کار در میان سازمان های مختلف که از طرف اهالی تشکیل مییابد ( از جمله انجمنهای ساکنین یک محله ، باشگاههای ورزشی و غیره ) اهمیت فراوانی کسب میکند .

ثالثاً ، مسئله وحدت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت . با وجود اینکه هرگونه فعالیت سیاسی قدغن شده است جبهه وسیع که امید و آرمان خلق است به فعالیت خود ادامه میدهد . این جبهه کمونیستها ، سوسیالیستها ، مسیحیان ، مکررات ، نامتدگان و روشنفکران ارتشیان چه رنگا رنگا عضو حزب سیاسی نیستند و رغبت متحد میکند . باید متذکر شد که در شرایط دیکتاتوری کمیته سیاسی اتحاد نمیتواند تنها عناصر نیروی خود امین را بیعتی بکند . ماطر طرفدار و مهم ترین اتحاد های ضد دیکتاتوری بود فاشیستی هستیم که هدف آن تحقق بخشیدن به برنامه جدیدی باشد که پیشنهاد میکنیم : سرنگونی رژیم دیکتاتوری ، استقرار دولت موقت از نژاد میان و افراد غیر نژادی که از سیاست خارجی مستقلی پیروی کند و برای مبارزه با بحران اقتصادی اتحاد نماید و آزادی و راتامین سازد . بدگریمین منط و برنامه ایست که تحقق آن برای سرکوبی دشمن عمده امکان فراهم آورد . برنامه ای که بتواند نیروهای سیاسی وسیع را که از دولت کنونی ناراضی هستند ولی هنوز علیه آن مبارزه میکنند متحد کند . احزاب بزرگ دموکراتیک پیروانی ، محافل معین و اسپچه به کلیهما و عناصر ملی و ترقیخواه و درون ارتش و قشرهای دیگر از جمله این نیروها هستند ولی البته توافق نظریات با شرکت در مبارزه علیه دیکتاتوری در مسئله مجزا هستند . بدینجهت ما باید بر کار خود پیشرو شکستناشم و در راه رسیدن بوحیث هم " در تاشین " وهم " در بالا " بکوشیم . سیاست وحدت تنها " در تاشین " ویا تنها " در بالا " نمیتواند وجود داشته باشد . کاررشد " سیا " سیرا کوس که سمت مخبری ایالات متحده امریکا در اوروگوه را دارد ، با مشاهده متحد و بدون پایگاه اجتماعی رژیم دیکتاتوری تلاش میکند افراد راست سنی را با هم متحد سازد تا شوه دموکراسی نیم بند برقرار سازد و بدینوسیله راست خارجی رژیم را باها را بد . این مطلب گواه بی ثباتی رژیم دیکتاتوری و ضرورت جستجوی طرق جلب هزاران مکررات که نیز نفوذ احزاب یاد شده مییابند به جبهه واحد ضد دیکتاتوری است .

رابعاً ، با وجود اینکه ژنرالهای فاشیست ارتش را آدم میکنند و بعد در ارتضیق و فشار و پهرگی ایستادند و در شکجه های وحشیانه شرکت دارند ، ما مانند گذشته از نظر مش سیاسی اصولی خود ما نسبت به نژادمان که از عوامل مهم در زندگی اجتماعی کشور هستند پیروی میکنیم . اگر چه ارتشیان نیروی عمده ساختار نظامی با دموکراتیک دولت را تشکیل میدهند ، اکثریت آنان از میان قشرهای میانه جامعه برخاسته است . دشوار میانه که در نتیجه بحران عمیق جامعه اوروگوه بدیده اند . است بر آن قابل درک و فهم است . آنان اینچهار و تنفر مردم را نسبت به تمام کسانی که امروزتاس

نظامی و برود آرد احساس نمیکند . علاوه براین تضاد های درونی ارتش هنوز به هیچوجه از بین نرفته است . بهیچین پاره ای از نظامیان منبسطه وسیع و شرکت آنان در اقدامات ملی و موکراتیک که با منافع خلق و قافله میزند نمود اهراسی از این تضاد ها است . بدین مناسبت حزب ما هم با آنستنی مینتابیم سان در لجنه و هم باقیبوست نظامی مخالف است . از لحاظ سیاسی ما نباید فعالیت خود را بر پایه بد های بخراشی در درون ارتش و ریزخیاثت و تصمیل و تردید های آن وابسته کنیم . البته باید آنها را بر حساب آورد . اما برای اینکه این بد های بخراشی به قطع پیوند ارتش با بد یکتا تری منجر نشود باید ( و این مسئله عمده است ) قدرت بیگانه دوشی طبقه کارگر و همه خلق افزایش داده شود و جبهه ضد بد یکتا تری گسترش یابد . اما باید بد های ما را با پیوند متقابل با لکتیکی آنها بررسی کنیم نه اینکه بفعل و فصل تد رنجی سائلی که در آن واحد موازات هم وجود دارد برود ازیم . پنجمین جهت فعالیت ما به خود حزب مربوط است . با وجود فشار روی بگرد های شدید حزب نیروهای عهد معود را در درون کشور حفظ کرده است . ارگانهای حزبی و ارتجعه کمیته مرکزی آن به طور منظم فعالیت میکنند . حزب در دو شو ارتزین شرایط همچنان به رهبری طبقه کارگر ادامه میدهد . المتعین بدان ضغانتیست گفتنی آن لفظ عبارت از ما در کردن قرار بود سخراست . فعالیت ما در این واقعیت که ۷۰ درصد اعضای حزب ما را گردیدند و نیروهای حزب در مرکز صنعتی عمده متمرکز هستند تسهیل میکند . نشریات صنعتی وجود آورده شده است ( ۱ ) .

یکی از نتایج فعالیت ما زمانی ما را با نظر راست در رسپتا امسال ۱۹۷۵ پنجاه و پنجمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست اوروگوئه بود . حزب تصمیم گرفت به افتخار این سالگرد . . . . . جلسه ۲۰۰ و جلسه سازمان جوانان برگزار نماید . ولی از طرف سازمانهای حزبی و سازمان جوانان ۹۰۰ جلسه برگزار گردید . در سال ۱۹۷۴ برای کمک مالی به فقرب تبلیغات عمومی را آغاز نمودیم و برای تصدوق حزب ۶۰۰ میلیون یورو به پول قدیم جمع آوردیم . اکنون فعالیت تبلیغاتی جدیدی برای کمک مالی به پایان میرسد که هدف آن جمع آوری یک ملیار و پروسا باشد . حفظ جنبه خود مای حزب کمونیست اوروگوئه ، گسترش پیوند های آن و تعیین وظائف مختلف برای همه سازمانها در سطوح مختلف کمک تنها کارهای منجزی ، بلکه همه اعضای حزب در اجرای آن شرکت داشته باشند ، برای ما از وظایف مهم بود . در ضمن حال حزب باید تضاهرات گستردهای را به سازمانها بدد .

مسئله عمده بر این ارگانهای حزب در تمام سطوح تود باری و اختیاط است . کار رهنمای حزبی در معرض خطر بزرگی هستند در درون اخیر ضرات سنگینی به ما وارد شده است . بد پنجیت برای منفرد ساختن و شکست رژیم فاشیستی ، در هم آمیزش مبارزه در درون اوروگوئه و دیگر کشورهای امریکای لاتین با جنبش وسیع همبستگی بین المللی ضروری است .

۱ - اکنون در سال ونیم است روزنامه " کارتا سماخان " بطور منظم منتشر میشود . ما نامه " آتالون اراونتا سوسین " و مجله " تریوک " ان ساپور " روزنامه اتحاد کمونیستی جوانان و غیره انتشار میداد . ما در انتشار اولین هفتگی " اتحاد ملی زحمتکشان " ارگان ما بجزاتی قدر استیون دانشجوستان و دانشگانی و دانش آموزان دبیرستانها سهم خود را ایفا میکنیم . علاوه بر این ۱۲۰ روزنامه در نوسا منتشر میشود ( این روزنامه ها بطور منظم و بوسه کمونیست ها انتشار میداد . ) در زمینه کارهای تبلیغاتی " مبارزه برای استقلال ما در یوازگانها " در گرفته است . شمارهای حزب کمونیست و اتحاد کمونیستی جوانان را که با خفا در دست نوشته شده است همیشه روی این دیوارها میخواندند .

وحدت نیروهای و موکراتیک ضد امپریالیستی ، بدین تردیدها و استراتژی عمده جنبش انقلابی در امریکای لاتین بشمار میروید . اگر این نکته را به این مطلب اضافه کنیم که سخن بر سر جبهه است که باید قویتر کرد بر این قرار گرفته و بر اتحاد کارگران در قاتان متکی باشد یعنی جبهه ای که قشرهای میانه اهالی ، ناسیونالگرا و روشنفکران و شرایط معینی محافل دیگر را در بر میگیرد در آن صورت این معنی طرح مسئله ایجاد نیروهای سیاسی و اجتماعی انقلاب در قافله میباشد . واقعیت عینی چنین است . این واقعیت مسائل مختلف ضد امپریالیستی و موکراتیکی را مطرح میکند که باید در شرایط مبارزه طبقاتی حاد آنها را حل نمود . حضور امپریالیسم قبل از امپریالیسم ایالات متحده امریکا بدان معنی است که مسئله عمده و مقدم بوسه انقلابی ما عبارت از آزادی ملی است . پاره ای بر این عقیده اند که رشد و تکامل کشورهای ما در برآه سرمایه داری غیر مستقیم و ناسالم آن به تضمین وابستگی منجر خواهد شد . اگر رشد و تقویت نیروهای تقاومت در برابر امپریالیسم در نظر گرفته شود در آن صورت ما میتوانیم با چنین نظری موافقت کنیم . ولی اگر گفته شود که چنین بوسه ای خود بخود منجر به کمب استقلال خواهد شد ، در آن صورت خطای جدی است . رشد سرمایه داری وابسته تضاد های موجود باشد بد تر میکند ولی خود بخود موجب کمب تد ریجسی استقلال برای کشورهای ما نخواهد شد .

مسئله آزادی ملی همچنان مسئله عمده است . بمقیده حزب ما در این مورد و نتیجه گیری میشود که هر دو خطا است . نخست آنکه نظریات توسعه درون در بطوره و تضاد عمده در کشورهای وابسته یعنی تضاد میان امپریالیسم و ضد امپریالیسم و تضاد میان مناسبات تولیدی ، و بازرگانشور . ایمن نظریه بطوریکه ریک ناد رست است ( ملاحظه آن در سال ۱۹۶۰ در مقاله ای تحت عنوان " مسافله انقلاب امریکای لاتین " اظهار نظر کرده ایم . عملا با استیای مواردی امپریالیسم برای کشورهای ما نمیتوانیم مسئله خارجی بلکه همچنین مسئله مناسبات تولیدی در شرایط سرمایه داری وابسته است . تکرار میکنم که این مسئله هم مسئله داخلی و هم مسئله خارجی است . بد پنجیت مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای ما مبارزه علیه الگارش زمینداران و بورژوازی کبیرا در بزرگ تفکیک ناسا بد بر است . علیه اجحافات انحصارها و مالی و قبل از همه انحصارهای مالی ایالات متحده امریکا نیروهای انقلابی واقعی به گمانه و محافل معین از بورژوازی ملی بالقوه مبارزه میکنند . حتی میان بخش از بورژوازی بزرگ که طبعاً انقلابی هم نیستند نیروهای وجود دارند که بطور عینی با امپریالیسم در تضاد میشوند . ما شاهد چنین وضعی هستیم .

از این بوسه که کوشش بر این ایجاد پایگاه اجتماعی انقلاب و ارتجعه در زمینه انجام وسیعترین اقدامات استعداده مبارزه در راه وحدت ضد فاشیستی ضد بد یکتا تری و دفاع از روشهای طبیعی تا این اندام مهم است . و بسعت اقدامات به امکان میدهد که به بعضی کردن آنها بساعت کنیم و بعضی این اقدامات بنوع خود به گسترش مقیاس آن کمک میکند .

در بین خطا عبارت از گرایش به کم بهادان به عامل ملی است . این خطا از خصوصیات تئوریمای چپ گرایانه است . مثلا سوسیولوگ چپ افراطی گ ، فرزانیک بر این عقیده است که در امریکای لاتین مسئله بر سر در هم آمیزی مبارزه ضد امپریالیستی ضد الگارش نیست ، اینجا مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داران باید سخن گفت . ولی ما نمیتوانیم در چارخا شیم اگر این نظریه درست را که به عامل رشد سرمایه داری در امریکای لاتین نمیتوان کم بهادان ، مطلق کنیم . این رشد برای خصلت بشمار انقلاب در قاره که در جریان پروساتریخی واحد و در مرحله را میگرداند شرایط عینی ایجاد کرده است . ولی بی توجهی به عامل ملی امکان نمیدهد سیستم اجتماعی کشورهای امریکای لاتین را

که ویژگی آنها در اکثر موارد رشد سرمایه داری وابسته است ، معلوم و مشخص سازیم . به بیان دیگر سخن درباره کشورهای آن است که مناسبات تولیدی سرمایه داری در آنها حکم فرماست ولی در عین حال در آنها مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری هنوز به وضوح و زکامات داری که استعمار سرمایه داری نیز در آن تشدید می شود ، موجود است . ما ناظر در پیروسه هم طی زمان هشتم : رشد سرمایه داری و تشدید فاکتورهای امریالیستی کمپوزیت خاد شدن تا ایجاد های ملی واجتماعی میگرد . بدینجهت در یکساحت قرارداد ان بورژوازی امریکای لاتین و امریالیسم امریکا و مدعی شدن که کشورهای ما باید بلا واسطه بعمل سنالك سوسیالیستی بپردازند ، یعنی بی توجهی به تئوری پراکتیک جنبش انقلابی در کشورهای امریکای لاتین که تا قبل بکسب استقلال هم آنها را فرا گرفته میباشد .

بدینجهت است که جریان زندگی بفرجهت زاریان تشویک مطالب است . در امریکای لاتین سابقه ندارد که حتی يك انقلاب هم سابق نمونه کلاسیك در آن نگاه داشته باشد بخوبی که برولتاریا و متحدین آن حاکمیت را بدست آورند ووظایف انقلاب دموکراتیک ضد امریالیستی را به انجام برسانند وراه سوسیالیسم را در پیش بگیرند . انقلاب کوبا پیر از گذار از مرحله دموکراتیک ضد امریالیستی به مرحله سوسیالیستی وارد گردید . این انقلاب برپوی عناصر انقلابی که از زمان قشربهای متوسط برداشته بودند و قبل از همه دانشجویان انجام گرفت که اکثر آرزوهای انقلابی و دموکراتیک الهام میگرفتند ، اگرچه همان زمان دارای ایدئالهای سوسیالیستی هم بودند . جنبش آنها به جنبش مارکسیستی تبدیل نشد و حزب کمونیست واحدی را که نخستین حزب مارکسیستی-لنینیستی کوبا هم به نام هیست ایجاد نمود . نقش برولتاریا مانند هر زون در این انقلاب در آخرین تحلیل مشکل و گنگان تحلی نمود : هم در زمینه سیاسی و هم ملی . پیروسه انقلابی در شیلیس بد رحلت زاری یا بنوع کلاسیك مطابق داشت ، اگرچه نیروهای پیشرو در این انقلاب از امانتداری به حاکمیت رسیدند ، در این کشور جنبه نیروهای انقلابی بسرگردگی طبقاتی گرو وجود نقش رهبری کمونیست و ارتداد با سوسیالیستها تشکیل گردید . تحولات ضد امریالیستی ضد سرمایه داری ( در چهارچوب پیروسه دموکراتیک ) انجام گرفت . اما زمانیکه سیاست تحولات سوسیالیستی پیش گرفته شد و با فوایا هم گردن زمینه برای انجام این تحولات آغاز گردید که دور تاروی داد .

انقلاب ضد امریالیستی - دموکراتیک در پروکه در آنقدر عمده را ارتش ایفا میکند و جنبه واحد هنوز ایجاد نشده است از راههای دیگر نگاه نگاشته میباشد . در این کشور میان دولت و کمونیست ها و نیروهای دموکراتیک که از دولت پشتیبانی میکنند حسن نگاه متقابل موجود است . مبارزه طبقاتی شدیدی از آنجمله میان ارتشیان در جریان است . چندی پیش ژنرال مورالن برودت بود و دولت بسه تشکیل جنبه همگانی نمود که ارتش و خلق را در خود متحد سازد .

در حال حاضر حزب ما ( مانند کمونیستهای شیلی در کشور خود ) مسئله وحدت و سمع نیرو های ضد دیکتاتوری و ضد فاشیستی را مطرح میکند . میتوان مثالهای دیگری هم ذکر نمود . ایجاد جنبه دموکراتیک آزادی ملی و باقیه استراتژیک عمده برولتاریا و حزب است . اما برای تحقیقاتن آن میتوان از یک تاکتیک دیگر برای وحدت ( مثلا ضد فاشیستی ) کمک گرفت و این وابسته بر راههای نیز باید شدن به نخستین مرحله انقلاب است .

در اخلا میگردانند احزاب کمونیست کشورهای امریکای لاتین و حوضه داریا گاریتیب ( ژرفن سال ۱۹۷۰ ) بدینمناسبت گفته شده است : اولاً ما در راه سوسیالیسم مبارز میگردیم و مبارزه در راه سوسیالیسم از مبارزه علیه امریالیسم است . در ذاتی سخن بر سر است و نیروهای انقلابی - تمام نیروهای دموکراتیک است که علیه امریالیسم مبارز میکنند . در ضمن باید بهین وحدت انقلابی

و وحدت وسیع دموکراتیک فرق نهاد ، در ضمن اینکه باید این دو را با ورنه فاکتورهای در مقابل هم قرارداد ، بلکه باید بود بالکتیکی آنها را با هم تلفیق کرد .

سوم اینکه امروز در امریکای لاتین جنبش بورژوازی ملی وجود دارد . این جنبش هنوز خلعت ضد امریالیستی ندارد ولی با امریالیسم درگیر میشود . آنها میتوانند بر حسب توسعه دامنه و تمسک مبارزات خلق و تشدید تضاد میان این بورژوازی و سرمایه داری دولتی - انحصاری امریکا موضوع ضد امریالیستی اتخاذ کنند . این جنبه مسئله استراتژی بلکه مسئله سیاست هم هست . اکنون در امریکای لاتین مقاومت در مقابل امریالیسم اوج میگرد . به معیار قاره برای تشکیل جنبه وسیع خلق هادی دولت حاکم علیه امریالیسم و فاشیسم ، امکاناتی پیدا میکند . برنامه های وسیعی که مولود واقعیت موجود است تحقق می پذیرد . کشورهای مختلف با کوبا رابطه برقرار میکنند . جنبش دفاع از ژرفنهای طبیعی و دموکراسی دامنه گسترده آن پیدا میکند . ارتباط با کشورهای سوسیالیستی و کشورهای رشد یافته برقرار میشود و استحکام می پذیرد . مبارزه علیه کانونهای فاشیسم در امریکای لاتین تشدید میگردد .

پیدا می نماید و نگاه بر حران سیاست سلطه امریالیسم امریکا در امریکای لاتین است که خود نتیجه بحران ساختار اجتماعی و اقتصادی کشورهای قاره ، تغییراتی که در جهان روی میدهد ، و تعمیق بحران عمومی میسمت سرمایه داری است . وجود حالت بحران در مناسبات میان امریالیسم و کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین درست یکی از مشخصات همان بحران عمومی میسمت سرمایه داری است .

مسائل مربوط به ایجاد جنبه ضد امریالیستی در هر کشور با در نظر داشتن شرایط خاص آن کشور مطرح میشود . حل این مسائل مستلزم و دراندیشی احزاب ما ، تبدیل آنها به نیروی سیاسی واقعی ، اجزای خلق و مشخصانند پشه های اصلی جنبه با در نظر داشتن سطح ، آهنگ و خصوصیات پیروسه های گذر این با در آن کشور میگردند ، بافتن راههای نزدیک کردن تحولات انقلابی و تحقیق بخشیدن به وظایف عمده یعنی رسیدن به وحدت توتالیته نقش رهبری طبقاتی گرو کسب متحدین هر یک از مراحل پیروسه سیاسی میباشد . بهین سبب شکستها و کامیابها را باید در نظر ارتباط متقابل دموکراتیک پیروسه های انقلابی و ضد انقلابی در قاره بررسی نمود . چنانکه لنین خاطر نشان گردانست همیشه باید رابطه میان انقلاب و ضد انقلاب را دید و رنگ کرد که این " یک جنبش اجتماعی واحدی است که سابق مذاق در روض خود نگاه میباشد " ( ۱ ) .

ارتشهای - میان نیروهای انقلابی و ضد انقلابی ( نیروهای اخیر امریالیسم امریکا رهبری میگرد ) مبارزات سرسختانه و شدیدی ادامه دارد که روز بروز تشدید میگردد . اگر ما نسبتاً روی یکی از جنبه های این مبارزه تکمیلیم به این نتیجه خواهیم رسید که در امریکای لاتین گرایش برتر گرایش بسوی فاشیسم است . اگر از نظریات خوش بینانه پیروی کنیم تنها کامیابها را خواهیم دید و این را که مبارزه دشوار و اغلب خونین است نخواهیم دید . بدین مناسبت خاد ارتشیان کردن این مطالب را دشواریت هر آرزایاند و نیز در امریکای لاتین ، بهترین عمده از همبران احزاب کمونیست کشف شده اند و همبازارتن زندگی سیاسی در سامانها با بد میگردند . این نتیجه سیاست " سیا " و پتانسیون است . زیرا هدف واقعی سیاست ابالا تشدید امریکای امریکای لاتین فاشیستی کردن این کشورها است .

اما کامیابیها هم بزرگ است و پاره ای از آنها حائز اهمیت تاریخی است. این کامیابیها عبارتند از استحکام مواضع کوبا و سوسیالیستی، تشکیل نخستین کنگره حزب کمونیست کوبا، برنامه تجدید نامه این کشور، نفع آن مانند عضو جامعه کشورهای سوسیالیستی و ستاره عامل تقویت کننده نیروهای مقاومت علیه امپریالیسم در قاره. آزادی دگرگان کامیابیها عبارتند از: ازهم پاشیدگی سازمان دول امریکائی، بحران حقوقی و سیاسی و نظامی پان امریکانیم، در حالیکه تعداد هر چه بیشتر از کشورهای با کوبا که از واغتای بین المللی آن همواره رها فزاینده است، رابطه برقرار میکنند. ایمن کامیابیها همچنین حوادثی هستند که در پورویانا ماگیدو، تشدید تضاد میان امپریالیسم و نژاد و کشورهای دگر و سیاست خارجی مثبت مکزیک و اغتای جنبش های پیروملی در اکوادور و روند وراس است. کامیابیهای مادر مقیاس قاره عبارتند از: تشکیل سازمان کشورهای امریکای لاتین بدون اپالاستند مارکس و شکست یازدهمین جلسمشاوره نمایندگان ارتشهای امریکائی که به ابتکار " سبا " ویتاگون و یازدهمین بافایشتهای برزیل، شیلی و اورگوئه دعوت شده بود. همچنین توسعه روابط میان بسیاری از کشورهای امریکای لاتین با کشورهای سوسیالیستی ( باید خاطر نشان نمود که این پنج نامظر بر طرفداری " ترسیم " نیست که هم به امپریالیسم و هم به احساس شوروی حمله میکنند. این نظریه هیچگونه وجه اشتراکی با سیاست دولی ندارد که طبق اعلامیه های خود سوسیالیستی نبوده ولی مواضع مثبت و هر چه در دستانتزلی نسبت به اتحاد شوروی اتخاذ میکنند ) . ما تنها چند نمونه از جنبه های مثبت را یاد آور شدیم. ولی این نمونه ها چنگاکی نمونه های کوبائی است.

شرایطی که در این قاره پدید آمده به تحقیق یافتن وظایف خطیری که در برابر ما قرار گرفته است مساعد میکند. بدین مناسبت ما باید نیروهای حرکت انقلاب را تقویت کنیم. برای رسیدن به کامیابی های تازه دگرگونیها، احزاب سوسیالیستی و جنبش های سوسیالیستی، نقش طبقه کارگر را بالا ببریم، سیاست اتحاد ها را فعال نمائیم و شبکه سازمانهای توده ای را تقویت کنیم. برای انجام این وظایف مهم مربوط به وحدت اتحادیه ها، سازمانهای دهقانی، جنبش خلقها و دولی که هدف فاع از منافع طبیعی آزاد بیهی و دموکراتیک و اصل خود مختاری ملی علاقه دارند، وافق وسیعی گشود میشود.

علاوه بر کامیابیهای بسیاری که در کشورهای مختلف پدید آمده، باید متذکر شد که با وجود اقدامات و جنبشها فاشیسم و نژادپرستی، اورگوئه و برزیل، گواتمالا و دگر کشورهای موفق نشده است. احزاب کمونیست قهرمان این کشورها را بنا بود سازد. مقاومت در برابر فاشیسم افزایش میابد. علاوه بر این نیروهای دیگری نیز مبارزات سیاسی می بینند و بدین تشریهای میانه، نظامیان وغیره، در محافل و ایستگاهها نیز تظاهرات شتی جریان دارد. همه اینها گواه بر کامیابیهای ما است، کامیابیهایی که حائز اهمیت سیاسی بزرگی هستند.

با اینهمه مشکلات را نیز باید یاد آور شویم. نخستین دشواری مربوط به " منطقه ای است که این حوادث در آن جریان دارد ". امریکای لاتین یکی از حساسترین مراکز اعصاب امپریالیسم امریکای شمالی است که در او تالپانه با وجود آذنی استقلال به خلقهای حاشی در نخواهد داد. مشکل دوم عبارت از اعتقاد ننگی تاریخی خود جنبش است، مثلا در مورد ضعف نسبی کار در روستاها ( با وجود اینکه تعداد روستائینان در امریکای لاتین کاهش میابد، در دهقانان همچنان متعددین تعداد طبقه کارگر و دپرومسه انقلابی تشکیل میدهند ). مشکل سوم انشعاب و اتحادیه های کارگری است. پس آند این انشعاب بویژه از آن تظاهرات منفی دارد که اکثر اتحادیه های اورگوئه و شیلی که بنابه شخص ترین معرف سازمانهای کارگری نبود و تقریبا همه بر لثا را و کارگران مزد بگیر

رادر صفوف خود متحد ساخته بودند امروز شرایط پهنائی فراهم نمیکند. مشکل چهارم عبارت از آنستکه در پروسه رشد سرمایه داری حاد ترین مبارزه طبقاتی با مبارزه با خطر جنبه دموکراتیک طبقه حاکم در میآیند. این امر از کمونیسم و دگرگان شدن توده ها میسرود و از سوی دگرگونی تولید و بخش نمیکند. مشکل پنجم آنستکه با وجود پیشگی و قهرمانی احزاب کمونیست، معتقدیم که لازم است که برای استحکام آنها کار بزرگی انجام بگیرد، تا آنها بتوانند وظایف بزرگ تاریخی را که در قاره در دستور روز قرار گرفته است به بهترین وجهی انجام دهند. در زمین حال باید وحدت و تشکرک مساعی برادرانه احزاب کمونیست و کارگری را به درجه عالی تری ارتقاء داد و به تقویت همه نیروهای سپهن پرست و دموکراتیک و قارآمد کرد.

ما مارکسیست - لنینیست ها طبقه کارگر را پیشتر از روند انقلابی امریکای لاتین در هر یک از مراحل گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم میدانیم.

نقش طبقه کارگر که از طرف مارکس، انگلس و لنین تجزیه و تحلیل شده با تجربه انقلاب در کشورهای دارای سطح معین رشد سرمایه داری تأیید شده است. این مطالب با آنکه مثلا در پاره ای از کشورهای آفریقای، با اینکه طبقه کارگر رانها تا زود ر حال پدیدایش است دولت با مستگیری سوسیالیستین مسئله راه رشد غیر سرمایه داری مطرح میکند، تضاد ندارد. سخن بر سر مسائل ویژه و دچار چوب قوانین است. اما پیشرفت بسوی سوسیالیسم بدون رشد و تکامل طبقه کارگر غیر ممکن است. لنین در این مورد هم گفت که هر چه پیشتر در این باره مطرح نشان میگرد که طبقه کارگری حاکمیت را بدست گرفته تا حد مدنی با آنکه به اتحاد بین المللی طبقه کارگر یا توده های دهقانی و نمایندگان روشنفکران و نیروهای انقلابی و دموکراتیک، میتواند به رشد و تکامل دگر کشورهای زراعه سرمایه داری مساعدت کند ( ۱ ). ولی ساختن سوسیالیسم تنها با وجود سطح معین رشد نیروهای مولد و بنا بر این طبقه کارگر امکان پذیر است.

بر لثا رپای امریکای لاتین از لحاظ تعداد بکن نیروی زبئی است. طبق آمار موجود در کشورهای ۱۰۰ میلیون فرد مزد بگیر وجود دارد که قریب ۴۰ میلیون تن آنها کارگر هستند و از این تعداد ۲۰ میلیون در رنگا های صنعتی بکار اشتغال دارند. این نیروی اجتماعی عظیمی است که در مراکز صنعتی بزرگ متمرکز شده است. پاره ای از کشورهای امریکای لاتین به سطح متوسط رشد سرمایه داری رسیده اند، همچون کشورهای این منطقه اغلب راه رشد سرمایه داری را می بینند با وجود اینکه تاکنون ها و بقیای قعیانندگی قبل از سرمایه داری، وابستگی به امپریالیسم و عقب ماندگی فنی و ضربه در آنها باقی مانده است. در این کشورها حتی شهرهای کاملا کارگری وجود دارد. دوم اینکه طبقه کارگر امریکائی لاتین دارای سن فنی مبارزه است. در آرژانتین، اورگوئه و دگر کشورهای امریکای لاتین در مقایسه با سازمانهای سندیکائی موجود آمدند. طی دهساله اخیر در کشورهای امریکای لاتین در مقایسه با دگر مناطق جهان سرمایه داری بیشترین تعداد اعتصابات و بالاترین حد تصاب شرکت کارگسزان در اعتصابات سیاسی مشاهده شده است. در سال ۱۹۶۸ در اورگوئه به مناسبت اعلام حکومت نظامی و فشار بر گورد، در عرض صد روز، ۲۰ اعتصاب سیاسی همگانی بمدت های ۲۰ تا ۴۸ ساعت برگزار گردید. در کشورهای اعتصابات ۲۰۰ ساعت همگانی به مناسبت جنگی با کوبا نیزین حمل سیاسی دگر برگزار شد. به همین طنت بود که تاکنون در پاسخ به کودتا اعتصاب همگانی ۱۰ روزه تشکیل دهمیم که در جریان آن اعتصاب کنندگان موسسات را اشغال کردند، دست به تظاهرات زدند و با اشکال دگر مبارزه ترتیب داده شد. اما بدیهی است که نقش طبقه کارگر به شرکت در جنبش اتحادیه ای و مبارزه اجتماعی محدود نمیشود. در همه کشورهای امریکای لاتین احزاب کمونیست وجود دارند. در پاره ای

از این کشورها این اجزای نعضیا سازمانهای مبارزی هستند که به کاراید لولویک و تبلیغاتی میروند  
بلکه همچنین نیروی واقعی هستند که نفوذ و اعتبار سیاسی مهم دارند. مثلا در اوروگوئه تمام و در  
برخی دیگر از این کشورها نقش ایجابی نام جنبش اتحادیه ای را کمونیستها برهبر میکنند و درست همین  
کمونیست هائی صالحی اتحادیه مبارز خود گذشتهائی بخاطر نافع زحمتکشان مبارزه کرده اند. این  
عاطلی است که لازمه نقش پیشاهنگ طبقه کارگر در روند انقلابی است.

همین پرسشی مربوط به اظهارات پاره ای از "تئوریمین ها" داده شد که طبقه کارگر  
کشورها یا امریکای لاتین هنوز به حد کافی رشد نمانده و یا برعکس از حد رشد و بلوغی که بتواند نقش همزمن  
را ایفا کند گذشته است. شاید در اینجا وجه مسئله را در نظر در اند: نخست جنبش مربوط به  
ادعای مارکس است که گروههای خرد و بورژوازی آزان اعتقاد میکنند. طبق این ادعاها  
پرولتاریا با سقیم "جوش خوردن" و در مسود طبقه حاکمه شریک است. مثلا پاره ای  
بر این عقیده اند که دهقانان و کارگران مزد بگیر روستاها به حدست ترین بخش اهالی راتشکیل می  
دهند. این نظر درست است و اما تهیدستی نشان انقلابین بودن نیست. در مورد هم پونسیدی  
باید گفت اگر بنظر مبارزه است که وضع بدین قرار نیست. در سالها اخیر و امریکای لاتین، مبارز  
پارتیزانی، جنبش پرولتاریک ارتشها و مبارزه دهقانان نشدند می شود. دانشجویان و روشنگران  
در مبارزه را دیگال تر می شوند و در این پروسه ها توده های وسیعی شرکت میکنند که گاهی زرتاشیر  
محافل بورژوازی و پرولتاریک اند و بر همه این پروسه ها در کشورهای عمده قاره نشانه ای از حضور  
و مشارکت بیگارجوی پرولتاریا مشاهده می شود. ولی اگر سخن بر سر آنستکه پرولتاریا بطور حقیقی به حد  
رشد لازم برای انقلاب رسیده مواجرب کمونیست قادر نیستند آنها را برعهده آید کنند در آنصورت  
من با چنین عقیده ای موافق نیستم.

این دور که طبقه کارگر امریکای لاتین برای انقلاب بحد رشد و بلوغ رسیده است مطلبی است  
کاملا نسبی. هنوز تمام پرولتاریا متشکل نیست. علاوه بر این پروسه انقلابی وجود عوامل بسیار دیگری  
را ضروری میسازد. بدین بحران که حد اقل میسرانجا را انقلابی باشد انقلاب نمیتواند تحقق یابد.  
اقدامات پیش ازین می تواند به بخشی از مجموعه پروسه انقلابی تبدیل شود. آنرا تصریح کند ولی خود  
این اقدامات باید متکی به پروسه های عینی باشد و در عین حال عوامل ذهنی رشد و تکامل کشور را در  
نظر بگیرد. ممکن است چنین پیش آید که قشرهای پرولتری در راه مبارزه قرار گیرند (چنانکه آنها را  
اتفاق افتاده است). واقعیت زندگی باطرح گرفته متفاوت است. شرایط آمادگی پایه های  
مادی و انقلاب در امریکای لاتین چنان است که این شرایط پروسه هائی را تصریح میکند که نیروهای  
کمزور تاریخ آنها برای نقش پیش ازین کمونیستها میسرانجا شده همیشه قادر بر هریمی آنها  
نیستند. (این زیاد مهم نیست که این موضوع با کسی افراد و اعضای حزب طبقه کارگر را بقدان وحدت  
نیروهای انقلابی عمده و با آنها یکمخاضل سیاسی در مبارزات با سقیم گرفته اند و ارتباط دارد.)

طبقه پرولتاریا و حزب آن عبارت از آنستکه در این پروسه ها شرکت کند، آنها را تشریح نماید، همکاری  
کند و با بهترین عناصر انقلابی متحد شود. نیروی ذخیره نباید به بهتر برود، زیرا آنرا در پروسه های مهم  
ناگهبر میسرانجا آنستکه پرولتاریا در برابر نیروهای انقلابی باشد. پرولتاریا این نقش را ایفا خواهد کرد.  
پیش ازین بدون این لحاظ تاریخی و نظری سیاسی کافی نیست، در مبارزات و مبارزات سیاسی روزانه  
باید این نقش را ایفا کرد. این نقش پرولتاریا و حزب آن در مبارزات مستمروانه اجرا می شود.

متحدین پرولتاریا بطور عمده معا رتبه از توده های دهقانی، قشرهای میانه بویژه دانشجویان  
روشنفکران که در امریکای لاتین نقش بزرگی ایفا میکنند. آنها فعلا نه به پروسه انقلابی پیوسته اند

و حتی ضعیف عمدت و تقویت و تکمیل صفوف گروههای پارتیزانی راتشکیل میدهند. این افشارد شرایط  
معینی میتواند بخشی از بورژوازی ملی را بد نبال خود بکشد و یا آنرا خشن کند. اما بدین ترتیب  
تنها بلوغین شغالی کافی نیست. گرایش متحدین تازه وابسته به لحظ مشخص و معین است. ملی  
با در آرد شدم که اتحاد برای مبارزه علیه دیکتاتوری اتحاد نیروهای دموکراتیک رهائی ملی مانند نیرو  
محرك انقلاب با هم فرق دارند. ممکن است اتحاد های بسیار گسترده و توافق هائی برای وحدت  
عمل بوجود آید. مثلا کمیته مرکزی حزب کمونیست اوروگوئه در سپتامبر سال ۱۹۷۰ مسئله مربوط  
به وضع داد اران از آنجمله داد اران بزرگ را که در نتیجه پی آمد های زبان با بحران سنگین  
اقتصادی علیه دیکتاتوری سازمان میکنند و قشرهای وسیعی از روستائیان را بد نبال خود میکنند. مورد  
تجزیه و تحلیل قرار داد. در چهار چوب مبارزه علیه فاشیسم ما به این تضاد ها نیز باید توجه داشت  
باشیم. بهمین علت ما در باره اتحاد ها و توافق ها و در باره اتحاد های سیاسی و از آنجمله اتحاد ضد  
فاشیستی و اشتراک نژاد مبارزه علیه دشمن عمده سخن میگوئیم. مسئله ارتشها را نیز که از آن  
سخن رفت ما در چارچوب همین مسئله بررسی می کنیم.

کارها به (پلانورم) ضد امپریالیستی و دموکراتیک که در درجه اول علیه انحصارات امپریال  
نیستی است، مسئله ملی کردن این انحصارات و بازگرداندن منابع طبیعی و دیگر ثروت ها به کشور  
را مطرح میکند. این کارها به خواسته های نیز اصلاحات ارضی را بیکال، ملی کردن مراکز بسزگر  
کشاورزی کفایتوان آنها را بدین زبان برای مجموعه اقتصاد روستایی به بخشهای کوچک تقسیم نمود.  
ملی کردن مالکیت اموال بورژوازی کس مخالف انقلاب است، احترام به مالکیت اموال بورژوازی و خسرد  
بورژوازی بطور کلی به استثنای انحصارات، دشمنان انقلاب و امپریالیست ها، تقسیم زمین بسا  
پرداخت بهای آن و مصادره آن، وابسته به شرایط مشخص، اجرای اقداماتی در دفاع و تشویق  
رشد کشاورزی و صنایع کشور، گسترش بازار داخلی، بازگشت خارجی مستقل و مشغول کردن آن، انجام  
اصلاحات در سیستم آموزشی، سیاست دموکراتیک در رشته فرهنگ و آموزش و غیره را شامل میشود.  
بطوریکه مشاهده میشود برنامه، برنامه وسیعی است. طبقه کارگر، دهقانان و همچنین انقشار  
متوسط، روشنگران و همگمانیکه خواستار رفید فرهنگ، ترقی اجتماعی، استقلال معنوی و سالا  
بردن سطح زندگی و رفاه زحمتکشان اند در تحقق یافتن این برنامه در نفعند. برای بدست با سالی  
به این هدف تشکیل دولت ضد امپریالیستی و دموکراتیک برهبری طبقه کارگر ضروری است.

بدینجی است کارها به انقلابی که با حد اقل نمونه کلاسیک انجام میگیرد با سقیم مرحله  
و بر حسب نزدیک شدن وضع انقلابی تحقق پذیرد. بدینجهت برای سرنگونی دیکتاتوری و اوروگوئه  
ما پیشاپیش از سقیم که فقط در راه اتحاد و تالیف اساسی کوشش بعمل آید. بعد از آن بوجود  
خواهد آمد تا ترتیب تقدم و تاخر آن و تالیف انقلابی که با در نظر گرفتن هدف نهائی ما با بد انجسام  
گیرند، مشخص گردد. انجام این وظایف امکان میدهد متحدین را محافظ شوند و معلوم شود تا چه وقت  
آنها میتواند متحد ما باقی بمانند. بدینگر سخن آنچه را ما طبقه و متغیر بودن اتحادها ما معنی  
معین میگرد. بدین علت فقط میتوان اعلامیه برنامه ای با کم مرحله انقلابی و کارها به سیاسی مشخصی  
را که تمام اینها نداشته باشد و بطور دقیق لحظ همزمان حاضر در آن در نظر گرفته شده باشد، تهیه  
و تدوین کرد و نه یک برنامه مشترک برای تمام کشورها.

رغورمیستی و اپورتونیستی شدت بیشتر پیدا خواهد کرد. اپورتونیست ها میکوشند نه جنبش کارگری را از مسخره اهداف انقلابی برآه رغورمیسم بکشانند. به همین سبب وظیفه رشد و تحکیم پنده حسرت در روند کار این تاجروچیت، بمنزله مسئله متفق صحیح رشد کنی و گمانی صفوف حزب در برابر انقلاب قرار گرفت.

کنگره اعلام داشت: "حزب کمونیست نیرومند و خوب سازمان داده شده است که بتواند صفی با طبقه کارگر در دهانان زحمتکش و تمام مردم زحمتکش داشته باشد و قادر باشد مردم یونان را رهبری کند و آنها را به پیروزی برساند." (۱) برای ملاحظه ضروری است. تا کید میدکد که ما میخواهیم حزب کمونیستی همانند حزب نئین بمنزله اتحاد رزمنده کمونیست های همکار سازمان و خواهم صلح طلبیت هدف غائی آن عبارت از بازسازی انقلابی جامعه یونان از طریق طبعی ساختن جریا به داری و ساختن سوسیالیسم و کمونیسم است. کنگره تاکید کرد که حزب کمونیست یونان یک حزب انترناسیونالیستی است که از اصول همبستگی پرولتری که مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" اعلام داشتند الهام گرفته است و این اصول سرچشمه نیروندی و ضامن پیروزی طبقه کارگر است. این حزب یکی از دسته های جنبش کمونیستی جهانی را تشکیل میدهد و با تمام نیروها و سازمان های انقلابی دیگر در آن مایه بندی ناگسستی دارد پرولتر در یونان ف علی - صیغی و انترناسیونالیستی خودشن با وحدتی خلل ناپذیر است (۲).

مهمترین احکام لنینی که با همی های ساختن حزب طراز یونان را تشکیل میدهد بنده بنده در این در اوضاع کنگره تکرار شده اند. این احکام برای کمونیست های یونان کاملاً معهود و مشخص بود. ولی نیروی انتقاد و تجارب خود یمن نشان داد که حزب در گذر شده می توانست بصورتیکه تا همی بسیار مهمی دست نیابد در صورتیکه در مراحل گوناگون تاریخ خود از این اصول دور نمیشد. تاریخ بسیار مایه مورد که چنین دوری و حتی اگر چنین بنظر آید که در لحظه صیغی و در اثر پدیدایش وضع مشخص و بسیار طرز بارزه در راه رسیدن به یک هدف و صیغی که صیغی ضروری و درست است، جایز نیست.

بنظر مثال اندک کن پیش از این بافتن جنگ جهانی دوم، هنگامیکه روزهای انگشت شستاری تا پیروزی بر فاشیسم باقی مانده بود و بسیاری از افراد چنین تصور میکردند که کمونیست ها پیروزی در دولت شرکت خواهند کرد، معیارها و ضوابط یکد پرش اعضا یکد به حزب مست و ضعیف شده بود. اعضای حزب در کثورتی با اکثر از هفتصد میلیون جمعیت به ۱۰ هزار نفر می رسیدند. مردم به صیغی حزب در میان مردم زبیر از مسخره سازمان ده اصلی و رهبر و مقامات طلبی صیغی با نفوذ تریسین و معتبرترین نیروی کشور امید یکنند. بسیاری از اعضای حزب قهرمانان و رنبرد با اصفا الگزان فاشیست می شنیدند و در تنا پیرو هائی که پس از جنگ جهانی دوم در گرفت یعنی در رنبرد بر طبقه ارتجاع داخلی مد اعلا طلبی انگلستان و پس از آن امپریالیست های امریکا و رنبرد بر طبقه تیدیک کشور ما به پایگاه نظامی امپریالیسم امریکا و بنا تودیر راه در مؤکرات و رنبرد و شرکت جستند. در این پیرو که طی آن در همی هزار کمونیست قهرمانان به پیشبارت رسیدند. حزب کمونیست یونان خصلت صیغی خلقی و صیغی برستانه خوب نشان داد. در همین حال تا یکسانیکه در اوج نهضت انقلابی به صفوف حزب پیوستند توانائی آنها را داشتند که آنچه از آمایش شکست، عقب نشینی و کار فرامی آستیا و یونان بر جای بماند. چنانکه مد اینم حد اخله آشکارا رتسها ی انگلستان مانع پیوستن در مؤکراتیک در کشور گردید و به جنگ داخلی

۱ - کنگره پنجم حزب کمونیست یونان (نوریه سال ۱۹۷۴) همگوار، ادار نشریات سیاسی، سال ۱۹۶۶ صفحه ۱۳۰.  
۲ - رجوع کنید به: نئین کنگره حزب کمونیست یونان (ز بیان روسی) صفحه ۱۴۰-۱۳۸.

# اتحاد کمونیست های همفکر

رولا کوکولو  
عضو پیروزی سیاسی حزب  
کمونیست یونان

مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" به انتشار یک سلسله مطالب در باره مسائل مربوط بسنده ساختن حزب توده ای مارکسیستی - لنینیستی که از شماره ۷ مجله آغاز گردیده ادامه میدهد (۱) خبرنگار مجله با رجوع به رولا کوکولو عضو پیروزی سیاسی حزب کمونیست یونان خواهش کرد در باره توضیح مسائل مربوط به ساختن حزب توده ای مارکسیستی - لنینیستی در یونان و از جمله در باره وجود کمی و انجام این وظیفه در شرایط گذار از فعالیت فیزیقی به طبعی و در باره اینکه صفوف حزب کمونیست یونان اینکه چگونه تکمیل میشود وید پر اعضای جدید و کار با آنها چگونه سازمان داده شده مطالبی بیان دارد.

مانندک صاحب این راکه بار، کوکولو بعمل آمده درج میکنیم.

برای ما کمونیست های یونان مسائل ساختن حزب توده ای مارکسیستی - لنینیستی از مسائل مهم روز است. این مسائل بلا واسطه با براتیک امروز و با وظایف جدید سازمان و بنوسازی حزب کمونیست یونان پیوسته است. سال فعالیت و رهبری کار صیغی صیغی ارتباط دارند. به همین جهت ما بلا فقه افزایان تمام آنچه را که در باره مسائل ساختن حزب توده ای در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" درج نموده ایم، ما میخواهیم یک حزب ما روز توده ای داشته باشیم که هم از لحاظ تعداد اعضا و هم از لحاظ وحدت و یکپارچگی سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی خود بر پایه تعالیم مارکسیستی - لنینیستی در باره بازسازی انقلابی جامعه نیرومند باشد.

در نئین کنگره حزب کمونیست یونان (نوریه سال ۱۹۷۴) مسئله تکمیل صفوف حزب در دست همینطور مطرح شد. اگر کنگره هنوز در رهبری کار فرامی برگزیده است، روشن بود که روز هائی فرمانروائی خوننا با تریسید و صیغی تود سالی که با تکمیل صفوف حزب اعضا جدید مربوط است در درجه اول اهمیت قرار خواهد گرفت. از یک سو حزب طبعی سالیهای دراز کار صیغی تلفات سنگین داده بود. این تلفات پیروز در هفت سال اخیر حکومت دیکتاتوری فاشیستی - نظامی زیاد نبود. پر کردن این جای خالی از ضروریات بود. پس از پایان کار صیغی برای رشد سریع حزب و افزایش تعداد سازمانهای آن مایه است آماده باشیم. از سوی دیگر تجربیات ریخی با آورده شد که در جریان فراهم شدن وضع انقلابی در کشور ما روزه میان خط مشی کمونیست ها با مشی اقدامات انقلابی با خط مشی

۱ - سلسله انتشارات در باره این موضوع با مقاله رولا کوکولو، زیر عنوان "خصلت طبقاتی حزب توده ای" آغاز گردید. "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۴ سال ۱۹۷۶.

سال ۱۹۶۶ انجاء شد. حزب کمونیست یونان غیرقانونی اعلام شد و هزاران کمونیست زندانی و بیجا اعدام گردیدند. در این جریان افراد تصادفی از حزب دور شدند، زیرا ثابت تحمل غربت و دشمن طبقاتی را نداشتند. همچنین میتوان گفت که همین عدم سختگیری بهنگام پیدایش به عضویت حزب پس از شکست در جنگ داخلی ( سال ۱۹۴۹ )، نتایج منفی فراوان در امر تجدید ساختار و تحکیم حزب در شرایط کارمخفی بیآرزو بود.

حزب کمونیست یونان ضمن کار در برطرف کردن کوششهای خود را در راستای تشکیل نظامات و نهادهای زحمتکشان زیربشرهای اقتصادی و سیاسی برای وحدت نیروهای موکراتیک کشور صرف کرد. اما در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۵۸ یعنی در زمانیکه در کمیت مرکزی وهسته اصلی رهبری حزب تعداد زیادی از افراد اپورتونیست و راستگرا رخ نمودند. رهبری حزب تصمیم گرفته بود که روند صفوف حزب کمونیست یونان و ایجاد تحکیم شبکه های سازمانهای حزبی و کمیتهها را اصلاح. مطرح نکند. سازمان های حزب کمونیست یونان در داخل کشور محل گردیده و به کمیتهها پیشنهاد شد و وارد ائتلاف نیروهای چپ ( EDA - ) بشوند. تصور میشد که آنها در انجام اعمال نفوذ خواهند کرد تا در نتیجه به کار برآید ( پلانفورم ) سیاسی طبقه کارگر گرایش پیدا کند و خواهند توانست آنرا بتدریج به یک جنبش کمونیستی تبدیل کنند.

این سیاست زبان های فراوان برای حزب داشت و کار را به اینجا کشاند که اکثر امتیاز در واقع انحلال خود بخود حزب کمونیست یونان نامید. این سیاست به I. D. A. هم که بموقع خود کارهای سازنده فراوان انجام داد و میتوانست پیش از آنها فعالیت کند زبان وارد کرد. اما پس از انحلال سازمانهای حزب کمونیست یونان، کمونیستها امکان تاثیر متمرکز و جمعی روی I. D. A. را که با آنها بهمنرو، تجربه فرار و اختیار حزب خود عطا میکردند از دست دادند. بدتر از این برخی از آنان خود تحت تاثیر ایدئولوژی های بیگانه قرار گرفته و از کمونیستهای روزنده به افراد دوری خود جویدند. گردیدند و با این ترتیب زمینه مساعدی برای پیدایش و تشدید گرایش ها که اپورتونیستی، فراهم آمد. در نتیجه طبقه کارگر در تمام زحمتکشان در برابر هجوم ارتجاع خلع سلاح شدند. نبودن سازمانهای حزبی یکی از علل بود که حزب نتوانست مقاومت و عدم راد بر برگرداند تا فاشیستی ۱۹۶۷ سازمان دهد.

بدینسان ما به تجربه مبلغ خود یقین حاصل کردیم که بی توجهی به تجربه، بی اعتنائی نسبت به دستاوردهای انترناسیونالیستی اندیشه مارکسیستی - لنینیستی و در نهایت تاریخ خود حزب حتی در زمان آموختن و انتقاد تا جاعاندازه بی نتیجه و خطرناک است. تجزیه و تحلیل تجربه گذشته حزب کمونیست یونان و از جمله اشتباهات آن و فراموش کردن تجربه احزاب برادریمان در بلافاصله پس از سقوط خونناکاملا. مجبور و مسلح شروع به انجام وظایف نوین و تجدید سازمان صفوف حزبی بکنیم. این وظایف ای بود که گذر کنیم و برپا بر حزب مطرح ساخته و در ضمن پلنوم گفته میگردید حزب کمونیست یونان ( ژانویه ۱۹۷۵ ) با توجه به شرایط تازه دقیق تر شده بود.

شدد به مبارزه طبقاتی و ائتلافی جنبش انحصاری در یونان امکان تازه ای برای جلب نامیاندگان پیشرو طبقه کارگر و تمام زحمتکشان را محرز بوجود آورد. برای تکمیل صفوف حزب ما اینک از این کسانی اعضاء جدیدی به حزب بر میگزینیم که با کمونیسم ها در راه مصالح طبقه کارگر، علیهم الله امیرالایم و انحصارها و رزمندگی بیشتر، حق کار برای همه و عملیه بالا رفتن قیمتها و این آمدن سطح زندگی زحمتکشان مبارزه میکنند. ما برای جلب افراد به حزب توجه خود را روی کارگران و دوروجه اول آنهاست که در کارخانهها کار میکنند، کارگران جوان و زنان، متمرکز کرده ایم.

ما سعی خواهیم کرد به حزب خواهیم کرد. تجربه و عمل نشان میدهند که تحقق این وظیفه جدی همانقدر موفقیت آمیز خواهد بود که سازمانهای حزبی فعال عمل میکنند. پیوند نزدیک تری با توده ها داشته باشند و مبارزه زحمتکشان بر رهبری کمونیستها نتایج بیشتری برای آنان داشته باشد. در زمره این همین مبارزه روزمره در اوضاع مردم زحمتکش است که سازمانهای حزب کمونیست یونان با اعضاء جدید تکمیل میشود.

ولی ما جنبه دیگر کار را هم در نظر داشته و فراموش نمیکنیم. سعی و کوشش برای جلب افسراد به حزب بهنجوچه بدین معنی نیست که درهای حزب بروی هر کس و هر فرد تصادفی باز است. خبر، اینطور نیست. تمام افراد تازه ای که به عضویت حزب در میآیند بدون استثنا، دوران آزمایشی را می گذرانند که طی آن روشن میشود این فرد آدمی کی و شایستگی کمونیست بودن را دارد یا نه. چگونه چنین آزمایشی بعمل میآید؟ درباره یک زن کارگر، همسر یکی از کارگران کمونیست برایتان صحبت میکنم. پس از سرنگونی خونناک این زن به رفقای شوهر خود در کارهای تبلیغاتی برای به پیشر بردن کارهای کمونیستها در پارلمان کمک کرد. پس از این وی را برای عضویت در شورای شهرداری نامزد کردند. او انتخاب شد و در واقع فعالیت شایستگی خود را نشان داد و رفقا او را بعنوان عضو آزمایشی به حزب معرفی کردند. در جلسه ای که وی را بعنوان عضو آزمایشی پذیرفتند این وظیفه را برایشان تعیین کردند که آنها در آن محل راهی اتحادیه به زنان موکرات جلب کند. پس از آنجا این وظیفه و وظایف دیگر، هنگامیکه این زن فعال به اثبات رساند که با آگاهی و ایمان به حزب روی آورد و مولاقتد است که مارکسیسم لنینیسم را واقعا فراگیرد به عضویت حزب کمونیست یونان پذیرفته شد.

این یک نمونه است. ولی راه عضویت در حزب کمونیست یونان برای همه اینها شروع نمیشود. بسیاری از اعضاء تازه حزب از سازمانهای جوانان کمونیست یونان میآیند. هزاران زن از جوانان در صفوف این سازمان الفبای مبارزه سیاسی را فرا میگیرند و باید اولوی کمونیستی آشنائی پیدا میکنند تمداد زیاد و اراضی اتحادیههای کارگران و دیگر سازمانهای توده ای که در آنجاها هم افسراد در زمره های طبقاتی آزمایشی های جدی را میگذرانند، صفوف حزب را تکمیل میکنند. ولی در این موارد هم برخورد انفرادی، معرفی و گذراندن در روزنامه ای عضویت حزب اجباری وحشی است.

این مواد اساسنامه حزب کمونیست یونان بدون انحراف در تمام سازمانهای حزبی و در هر سطحی مراعات میگردد. کمونیستها نسبت به اعضاء جدید حزب سختگیرند. اکثریت کادر یونان حزبی و فعالان حزب مکتب و شوهر مبارزه را گذرانده اند. زندانی شده اند، ۳۰ تا ۴۰ سال در تبعید وارد و گاههای کار اجباری زندان بسر برده اند. اینها کمونیستهای آید به اند. آنها از حزب در مبارزه دشوار اپورتونیسم دفا کرده اند. در اردو و گاهها زندانها و شرایط دشوار کار سختی، آنها بودند که بهنگام پیدایش اشتعاب در حزب با ایمان در محافظ حزب کمونیست یونان به منزله حزبی طراز نوین و در راه بازگشایی نگاهداشتن اصول و احکام مارکسیسم لنینیسم مبارزه کردند.

گروهی که در یونان بنام " حزب کمونیست یونان ( داخلی ) " فعالیت میکنند خود بطور مستقیم برآمد های دوری جستن از اصول لنینی ساختار حزب طراز نوین را با موجودیت و اقدامات خویش بجا آورده و میشوند. اقدامات غیرقانونی ارتداد و حزب بورژوازی در مبارزه خویش بر ضد حزب کمونیست یونان مورد استفاده قرار میدهند. این گروه اینک خود را برای برگزاری کنفرانس میکنند. در تظاهرات مربوط بهنگونه گفته شده است که آنها بدین گونه نه فقط از ایمان اعضاء " حزب کمونیست یونان ( داخلی ) " بلکه از این آن دسته از طرفداران حزب که حداقل با مواد برنامه منیم آن بطور



گلی موافق باشند برگزید میخوانند شد . یکی از رهبران این گروه در این باره میگوید در شرایط کنونی یونان " حزب کمونیست یونان ( داخلی ) " باید تنها نیروهای چپ با گرایش مارکسیستی را که همبندگام موجودیت وطنی را . . . تحت تاثیر آن قرار داشتند شامل گردید . بی شکلی این تئوریست و سازمانی با فعالیت و هدف فهای حزب سازگار است زیرا با سخگوی تاکنیک آنستوخود بوجود آورنده تاکنیک این حزب است که از جمله دربر آید های ملنگریا به ضد سوسیالیسمی وفد نیروی لیدران " حزب کمونیست یونان ( داخلی ) " و حمله های آنها به مارکسیسم - لننیزم جلوه گر میشود .

روشن است که تفرقات کاملاً متضادی را از این گروه جدا میسازد . ولی این گروه هنوز بر اتحاد و یقهای کارگران و میان جوانان و غیره اندک نفوذ و تاثیر دارد . . . ما با افشای ماهیت این جریان با یکسانگی فریب جمله های انقلابی را خواهد دید اندک کمکم نباید تئوری ویرانیک " سوسیالیسم کمونیست یونان ( داخلی ) " بپوشد خود را بگسلند .

در مبارزه در راه ایجاد حزب توده ای طبعاً ما باید شواهدی را بر خود میبینیم . در ضمن اینها فقط دشواریهای عینی که هر حزب کمونیستی که در کشورهای سرمایه داری فعالیت میکند با آنها روبرو میشود . نیست ، نیست ، برخی از اینها مشکلات ذهنی هستند . بیستوهفت سال کار غیرطبیعی نیتوانست در شیوهواستیل کاری که در حزب برقرار گردید و متوجه واقع نشود . بطور مثال ما به حوزه و جلسه عادت نکرده ایم ؛ در شرایط کار غیرطبیعی همگامها در جریان تماس های خصوصی افراد ای که در مدتی کار میزدند حل و فصل میشد . امروزه همواره وجلسات اغلب بیروح برگردان میشوند . این هم که بسیاری از کمونیستها سابقه ای در رای دارند . . . ای سابق که دشواری کار حزب کمونیستی باشد متفاو است ؛ فعالیت یکدیگر مانند در کارهای حزبی تاثیر معینی داشته است . ما باید تمام این گرایشهای منفی را که از گذشته بجا مانده است بطرف سازمانیم .

سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان که در ترمیناسال گذشته تشکیل یافت ضمن جمع بندی کار نخستین مرحله بازسازی و تجدید بنا ساختن حزب کمونیست یونان که بطور کلی با موفقیت خاتمه یافته بود ، هدف نزدیک حزب با برطرف ساختن نواقص موجود همین کرد . در مرحله تا زمیشت حزب آنچه برای ما اهمیت دارد این است که بدون گمان از گوشههایی که برای تکمیل صفوف حزب بعمل میآید ، فعالیت سازمانهای اولیه حزبی را که پرا زبانی شدن حزب ایجاد شده به بیهود بخشیم . زیرا درست در همین سازمانهای اولیه کمونیست ها ، اعضای جدید حزب پیوسته جوانان تربیت میشوند . سازمان اولیه حزبی بر پایه نخستین قدم سه حزبی مبارزه طبقاتی است که در آنجا مسائل حاد و مورد مذاکره قرار میگیرد . وظایف افراد همین میشود و انتقاد و از خود بحمل میآید . نخستین دروس مارکسیسم - لننیزم را هم در همین سازمانها میآموزند . در این سازمانها در جریان مبارزه باید تئوریک و اقلی کمونیستها را لحاظ باید تئوریک آید به میشود .

ما میخواهیم تمام سازمانهای اولیه ما به حوزه های ای زند و فعال حزب مبدل شوند . سازمان اولیه تنها نباید وظایفی را که ارگانهای بالا تریا کمیته برایش تعیین میکند انجام دهد ، آنها در همین حال ارگان آموزش ، بحث و مذاکره و حل و فصل مسائل روزانه ، در ضمن آنها باید مسائل خارج از زندگی درونی سازمان هم بپوشد . ما میخواهیم که سازمانهای اولیه ما به همواره در جریان تا حصولی باشند که مورد علاقه و توجه و زحماتشان است . و در عین کوشش برای بر آوردن شدن خواستهای آنها پیشتر امروحدت نیروهای دی موکراتیک و ضد امپریالیستی مبارزات زحمتکشان را رهبری نمود و همآهنگ سازند . یکی از ویژگیهای صده حزب توده ای لننیی را ما تطبیق خلاق تئوری مارکسیستی - لننیزمی و سوانالیسی پیش بینی علی میدانیم . ما در کار خود یک لحظه هم این نکته را از نظر درویند آریسم

کمترین بودن به بقوتی به حزب امکان میدهد تا مبارزه در راه هدف اصلی یعنی بازسازی انقلابی جامعه را با مبارزه در راه هدف فهای بینایی که در مراحل گوناگون پیشرفت روند انقلابی پیش میآید تطبیق نماید . فرا گرفتن مارکسیسم - لننیزم بالا بردن سطح آید تئوریک - تئوریک اعضای حزب با به وحدت آید تئوریک تمام کمونیست ها است . در رشته سازماندهی آموزش مارکسیستی - لننیزمی ما ناچاریم خیلی چیزها را زود شروع کنیم . در سالیهای کار غیرطبیعی چنین آموزش غرضی ما پیوسته انجام میگردد . دانشکده های مارکسیسم - لننیزم برای انقلابیون زند آنها وارد و گاههای کار اجباری نمود . در آنجا ، افراد حزبی با مواد و مطلع دانش و معلومات خود را به رفقای جوان با مدسی دادند . ولی کمونیستهایی که آزاد بودند وضع تا شب سرگرم انجام کارهای انقلابی ، اغلب وقت و شرایط لازم برای بالا بردن سطح معلومات خود را نداشتند .

ما موفق شده ایم که کمونیست ها در شهرها هفته ای یکبار در سازمانهای اولیه خود برای آموزش مارکسیسم گرد آیند . در چنین ساعات های دروس مارکسیسم مسائل آید تئوریک مورد بحث و مذاکره قرار میگیرد . این دروس را رفقای ارشدی که کاماکی تئوریک دارند رهبری میکند . ایجاد چند حوزه ها درسی منظم خارج از شهرها هنوز در شواراست . ولی در اینه این قبیل کارها با بهای تهیه کارهای لازم و ایجاد شرایط مساعد روزی روزگارش خواهد یافت .

گاهی از ما میپرسند آیا در اصرار خود برای وحدت آید تئوریک حزب بحق هستیم ؟ زیرا با اینگونه طرح کردن مسئله گویا ما آنها را که حاضرند همراه کمونیست ها در راه رسیدن به هدف سیاسی مشترک حزبی تمحیی و موکراسی صاحب طریقی ما مبارزه کنند از خود برتنام . پاسخ ما چنین است : نباید بدین مسئله اتحاد و همکاری با نیروی بیشتاز متشکل پرولتاریا با اتحاد گسترده نیرو های که در ضمن داشتن آید تئوریک گوناگون در برابر خود هدف مشترک سیاسی قرار میدهند و مبارزه مشترک شرکتی چندند اشتباه کرد .

نقود حزب ما در کورنوسساریا است . ما طرفداران فعالی داریم . کمونیست ها با آنها پیوندی به میان نزدیک دارند . گمانیکه از این پشتیبانی میکنند در سرتینگ های که حزب کمونیست یونان تشکیل میدهد و در مبارزه در راه مصالح زحمتکشان شرکتی چندند و در داخل سازمانهای توده ای نظیر اتحاد بهای کارگران و غیره کار میداند انجام میدهد . آنها اینها ندازه کمونیست هسا فعالیت میکنند ، اگرچه به طل گوناگون امروز در حزب نمیخوند . ما طرفداران آید تئوریک و دیگری هم داریم که کمتر فعال است ، آنها اغلب در جریان انتخابی نظیر فعالیت های انتخاباتی حزبی و برگزاری تودهای شرکت میکنند . ما پیوند های خود را با این بخش از افراد فعال جامعه هم استحکامی بخشیم . ما میخواهیم مبارزات پیشرو را در اختیار و اختیار در تمام سازمانهای توده ای پیوسته داخل اتحادیه های حرفه ای ( سندیکاها ) باشیم . ما میگوئیم اکثریت طبقه کارگرونده های زحمتکش را پیوسته خود به پشتیبانی از حزب کمونیست جلب کنیم . آید تئوریک کمونیستی را با آنها باید هم مبارزه در راه هدف فهای نزدیک و استراتژیک حزب و در راه دموکراسی نوین و سوسیالیسم سوق دهیم . ما بدین شکل بتدریج ارتش انقلاب را بوجود میآوریم .

در همین حال ما به شواهدی که در موکراتیک فعلاً نه ترین همکاری را پیشنهاد میکنیم . چند ای پیش کشف مرکزی حزب کمونیست یونان بدین نسبت اعلامیه ویژه ای انتشار داد . حزب نیروهای دی موکراتیک ، ضد امپریالیست و ضد انحمارها را در مبارزه در راه تحقق در گوناگونیهای پیگیر و گسترده نمود . کراتیک در کشور آزادی یونان از این با سستی امپریالیستی و از تابعیت مصالح و منافع آن به منافع انحصار های بین المللی به سود شهکار چگی فرامیخواند . حزب کمونیست کمیته فراخوانده بدین چنینسن

یکپارچگی است. بمسئولیت تاریخی خود نسبت به سرنویشت خلق ما توسط و تکامل روند انقلابی  
 یونان آگاه است .  
 ما در یک مبارزه دشوار و پدید حزب خود و سازمانهای حزبی خود را بر پایه اصول آزادیخواهی  
 شده لنینی میسازیم . ما مطمئن داریم که حزب را بدستی میسازیم و این حزب قادر خواهد بود  
 مردم را به آینده بهتری رهنمون گردد .

## ویژگیهای تحول ایدئولوژیک مائوئیسم

گبرگین گبرگینف

معاون دانشکده تئوریک  
 اجتماعی، نما صراکاد می علوم  
 بلغارستان

ایدئولوژیهای تئوریک، مائوئیسم دوم و همکارانش در بار مسائل اساسی انقلاب، دیکتاتوری  
 پرولتاریا، جنگ و صلح و آزادی ملی نسبت به دانش مارکسیستی - لنینیستی ویرانگر انقلابی عمیق  
 خفیه است. تحول مائوئیسم نه فقط مضمون آن، بلکه اشکال بوظن صفتانه ایدئولوژیستیک  
 و سیاسی و اختطای ماهیت آن جمله پرآزبهای ضد امپریالیستی رانیز بر میگیرد. به چنین تحولی  
 جز انحطاط روزافزون ایدئولوژیک و سیاسی نمیتوان نام دیگری داد.

مائوئیسم در حالت بحران دانش است که هر چه شد بدتر و عمیقتر میشود. زندگی هر چه بیشتر  
 مائوئیسم را همانند جریانی که در تمام مواضع اصولی متضاد با مارکسیسم - لنینیسم است و ازین رو  
 با خنثی شدن حیاتى خلقها، امر صلح و سوسیالیسم در تضاد میآید، افشا میکند. از زمان تصویب قانون  
 اساسی جدید جمهوری تود و ای چین در سال ۱۹۷۵، یعنی هنگامیکه مائوئیستی اعتبار  
 قانون این جمهوری را پیدا کرد، انحطاط مائوئیسم وارد مرحله نوینی گردید. رهبری کونگ یکن  
 از همصدایشان با امپریالیسم به مرحله همکاری و فعالیت مشترک با آن و دیگر نیروهای ارتجاعی گام نهاد.  
 مائوئیسم از اثر بیاری آنتی کمونیسم به یکی از انواع آن بدل شده است. واقعات هر چه مژگند تر.  
 نشان میدهد که مائوئیست ها قناعت ضد کمونیستی خود را که از مجاری دولتی و حزبی و همچنین از  
 طریق گروهها و تشعابهای که از طرف یکن در تمام کشورهای پیشرفته می شود، اصلاح میکرد در تمام  
 جریانهای روند انقلابی جهانی تشدید میکنند و گسترش میدهند. مخالفت ایدئولوژیک و سیاسی  
 با جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری در تمام مسائل عمده  
 پیشرفت کنونی. جهان و سازمان جامعه سوسیالیستی با خرابکاری در جنبش های آزادی ملی خلقها  
 و کوشش برای برگرداندن روند های انقلابی که در "جهان سوخ" در جریان است بر علیه سوسیالیسم  
 موجود، تکمیل میگردد.

در ژنوا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در یازدهمین کنگره حزب کمونیست  
 بلغارستان گفت: "انحطاط مائوئیسم به مرحله تازه ای رسیده است. مائوئیسم با نتایج کارترین  
 نیروهای امپریالیسم، فاشیسم و نازیسم و با مخالفان همزیستی مسالمت آمیز و ترقی اجتماعی  
 متحد گردید است. اقدامات مائوئیسم برای صلح و امنیت خلقها خطرات هر چه بیشتر فرا هم  
 میآورد. سیاست و ایدئولوژی رهبران کنونی یکن نسبت به مارکسیسم - لنینیسم و آرمانهای کمونیستی

مفاهیم خاصه است. حزب مارکست در مبارزه بر طبق مائوتسینگ و تارو مارکون سیاسی واید لولویسک  
آن را وظایف خود میداند (۱).

برخورد مارکسیسم - لنینیسم

مائوتسینگ بمنزله ایدئولوژی هیاتینت از جنبه ناسوسی انقلابی و نظریات بطور کلی خرد و جزو و ناسوسی  
مشحون از ناسیونالیسم و لنینیسم عقاید "طبیعی" نه "انسانی" که با اصول مائوتسینگ با جملات واد با رات  
افراطی انقلابی درباره "وفا داری" "مبارکسیسم" - لنینیسم و کمونیزم پوشانده شده است.  
این نظریه ای همگامگند و یکپارچه نیست، بلکه ملغمه ایست از افکار و اندیشه های ناسوسی که اغلب  
با هم منافات دارند. با یکی فلسفی - تئوریک آن ذهنی گزافی (سوبرژکتیویسم) است که بطرز  
شگفت آوری با متافیزیک و مسقطه درهم آمیخته شده است. این فلسفه فیرعلی در عمل به نفسی  
مقتضای نشان از قوانین عینی پیشرفت جامعه و کوشش در اقدام برخلاف قوانین عینی می انجامد.  
مائوتسینگ هاتوا نین و مولات (کاتگوری) در بالکنیک راه اشکال باور نکردنی مورد استیفساده  
قرار میدهند. در همین حال بدون هیچ شرم و آزاری از یک حکم و اصل فلسفی برای اثبات شعارهای  
کاملاً متضاد سیاسی و اهداف عمده استفاده میکنند و با آنکه وجود آنها را نادیده میگیرند. این  
حالت اخیر در شرایطی است که آن احکام و اصول برایشان سود مند نباشد. از این نقطه نظر بطور  
نویسه در کتاب های بعد در وژان ما (از رابطه تضاد اصلی) از طرف مائوتسینگ هاسی - سارتیک  
است (۲). آنها با شنیدن خواه خود از مسئله تضاد های مابین آنها ذهنی متوسل میشودند و این

- ۱ - "راپورتیچسکو دلو" ۳۰ مارس ۱۹۶۶
- ۲ - در سال ۱۹۶۰ تضاد های عمده در وژان ما را مائوتسینگ ها اینطور فرمول بندی کرده بودند:  
تضاد میان مابعداگرایی و سرمایه انحصاری، میان کشورهای امپریالیستی، میان خلقهای کشورهای  
مستعمره و نیمه مستعمره و امپریالیسم، میان کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی (زند و بنیاد  
لنینیسم و غیره، ۱۹۶۰، صفحه ۱۶)

در جهان معاصر مبارزه تضاد عظیم وجود دارد: میان خلقهای مستعده از یکسو و امپریالیسم  
و سوسیالی امپریالیسم از سوی دیگر، تضاد میان پروتاریا و جزو واری در کشورهای سرمایه داری و  
کشورهای تجدید نظر طلب (روزبونیستی)، تضاد میان کشورهای امپریالیستی و سوسیالیست  
امپریالیسم، میان خود کشورهای امپریالیستی و تضاد میان کشورهای سوسیالیستی - از یکسو  
و امپریالیسم و سوسیالی امپریالیسم از سوی دیگر.

( "Peking Review", No 16, Special Issue, 1969, P.26 )

در سال ۱۹۶۳ در همین کنگره حزب کمونیست چین تضاد های عمده در وژان ما در تضاد  
خلاصه شد: میان "ایر قدرت ها" و "مقیه جهان میان خود" "ایر قدرت ها"،

( "Peking Review", NO 35-36, 1973, P.26 )

اگر دقیق تر بگوئیم تضاد های اساسی بشکل تضاد میان "ایر قدرت ها" و پیونده اتحاد شوروی از یکسو  
و مقیه کشورهای خلقها از سوی دیگر فرمول بندی شده بود.  
مائوتسینگ هابرای مستحکوت گذاردن تضاد اساسی در وژان ماینتی گذار از سرمایه داری بنده  
سوسیالیسم یا تضاد میان سرمایه داری جهانی و سوسیالیسم جهانی از هیچ کوششی  
فرزگذازمیکنند.

تضاد ها را بحمل خود به تضاد های خارجی و داخلی، آشتی ناپذیر و آشتی پذیر، اصلی و فرعی و نظایر  
اینها سعد ودمیکنند.

مائوتسینگ از تضاد جریانهای گوناگون ایدئولوژیک و سیاسی، مکتب ها و عطل مشی افکار و اندیشه  
بعبارت میگوید. شاهان تذکرات است که به نسبت انحطاط ایدئولوژیک مائوتسینگ بعبارت گرفتن اندیشه  
های مفایر یک گروه در آن افزایش می یابد.

مائوتسینگ در رسالهای ۴ ابتدای جنگ عبوری، زبانی و شعار مانند از بدیش مارکسیسم -  
لنینیسم آفا زکرد، در همین حال هم از طریق خرافات ناسیونالیستی و فیسروشمیر میگوید. بطوریکه  
فاکت ها نشان میدهند گفته اجراهه کمینترن هم بهنگام خود این در وژان ما به مائوتسینگ در وژان  
مارکسیسم - لنینیسم نگران بود (۱). مائوتسینگ در وژان ما همکاران نزدیک وی و در نخستین سال  
های پس از پیروزی انقلاب بود و او در چین، با آنکه بسیاری از نظراتشان از روح انقلابی دانستن  
مارکسیستی - لنینیستی بدور بود، و فاداری خود را بدان اعلان میدادند. اما در آن هنگام هم  
علا اینطور بود که احکام در دست کمونیستهای در ویشد دیدن ترتیب تا خود را از دست میدادند.  
قرار میگرفت و ر حقیقت از جنبه فلسفی در ویشد دیدن ترتیب تا خود را از دست میدادند.

به نسبت زشت شدن اختلاف میان رهبری حزب کمونیست چین و جنبش کمونیستی جهانی در  
مائوتسینگ جریانهای مفایر مارکسیسم هر چه بیشتر آشکار میشد و تا بر آنرا چشم با اعمال فیسرو  
حالا و آن نیز ترس کمونیستی انقلابی می اندیشید، که به نسبت آنرا وابسته به جنگ جهانی میکند. اعتقاد  
به قدر قدرت بودن ارتش که از وژان گها و وژان گها بنا بر اینست است. تحقیق و تفسیر اقتصاد بشیوه با کونین بمنزله  
عاطل در وچ و شونینیم عظمت ناپلئونه و شونینیم عظمت ناپلئونه خانی و نیا برانها.

مائوتسینگ مفاهیم و نیا پش را هم از وژان خانه ایدئولوژی امپریالیستی بقرض میگیرد (مثلاً نظریه  
"ایر قدرت"). تبلیغات ضد کمونیستی هم بنویسه خود از تئوری مائوتسینگ استفاده میکنند. در این  
جریان اغلب تعیین اینکه کی از بدیش بیشتر بقرض گرفته است دشوار است. با وژان خود بدیش  
که میان نظریه مائوتسیتی "چینی کردن مارکسیسم" و نظریه بورژوازی "کمونیسم ملن" شباهت وجود  
دارد. اما در باره آنتی سونیتیم باید گفت در این زمینه میان موضعگیری مائوتسینگ ها و ارتجایی ترس  
نیروهای امپریالیسم تطابق کامل هست.

نگه منتهی در تحول ایدئولوژیک مائوتسینگ فعالیت شد بدید در آن بره عبوری مائوتسینگ در وچ  
برای تبیین ساختن اصول چهار کمیسیم - لنینیسم از طریق "چینی کردن" آنتست. به بهانه ظاهر  
فریب داری و زشت گرفتن ویژگیهای چین آنها کوشیدند کمونیستهای را با مائوتسینگ فیرعلی عوض کنند و برای  
ناسیونالیسم چین و شونینیم عظمت ناپلئونه خانی جیسوزی شبیه پایه و نیا ناسیونالیسم خود آوردند.  
پکن در وچ از آنرا اشتباه ارد که "اندیشه های ملن" و "مارکسیسم چینی" (۲) را به جنبش کمونیستی  
جهانی بمنزله "حد اعلازی" بسط و تکامل مارکسیسم لنینیسم در وژان معاصر تبدیل کند.

تصویرات مائوتسیتی درباره وچ و شونینیمه و مبارها و وچ این سوسیالیسم که از آنها همانند پایه  
ایدئولوژیک برای خطه سوسیالیسم موجود و استراتژی احزاب کمونیستی کلمه امپریالیسم و در راه  
گذار سوسیالیسم میاز زمینگند استفاده میشود "در" مارکسیسم چینی "مقام مبنی را حافز است.

۱ - رجوع شود به، بطور مثال، وان سین - نیم قرن موجودیت حزب کمونیست چین و عیبات مائوتسینگ  
در وچ، مسکو، نشریات سیاسی ۱۹۷۰، ص ۱۸۶-۱۸۷.

۲ - یادآور می شویم که ۲۱ اوت سال ۱۹۶۳ "تزان ژیا شو" چنین نوشت: "اندیشه های حزب  
کمونیست چین، اندیشه های مائوتسینگ در وچ و مارکسیسم چینی است."

ماوتسه دون با سو استفاده از احکام پارکمیستی مربوط به اهمیت تطابق خلق اصول سوسیالیسم در هر کشور با گاهانه ویژگیهای ملی چین را بزرگ جلوه داد، و مخترع " مدل چینی سوسیالیسم " گردید. ولی با گذشت زمان روشن شد که رهبرید مینا باقی و سایر کارکنان سوسیالیسم علمی بشرایط چین، عملاً علیه اصول بنیادی ساختمان سوسیالیسم مبارز میباشند. علاوه بر این ماوتسه با این " مدل سوسیالیسم " رانتهای خود ضد برای شرایط ویژه چین نمیدانند بلکه در تلاش آنند که آنرا بعنوان نمونه برای الگوی " سوسیالیسم حقیقی " جا بزنند.

اصل بنیادی " مدل " چینی، نفی نقش رهبری و تفکر را در ساختمان سوسیالیسم است؛ ماوتسه تنها رهبر و نظریاتری اساسی سوسیالیسم میدانند. " مدل سوسیالیسم " چینی با نفی واقعی نقش رهبری پیشتر از مارکسیستی - لنینیستی هم شخص میگردد.

درک ماوتسمیستی سوسیالیسم انترناسیونالیسم پرولتری را نفی میکند. ماوتسه با " مدل سوسیالیسم " خود را با سنن سوشلیسم پرولتری، با اندیشه های ملنگرایانه افراطی آن، مرکزیت چین، سطره جویی ( هژمونیم ) و تلاش برای تبدیل چین به " کشور درجه اول جهان " کسه سلطه خود را " برینج " قاره " برقرار خواهد ساخت مربوط میکند ( ۱ ). با نظریات ماوتسه دون در جلسه کمیسیون نظامی کمتر مرکزی حزب کمونیست چین در یازدهم سپتامبر ۱۹۵۹ گویا ویرمینی است. او گفت: ما باید کمترین را تصرف کنیم... ما کشور نیرومندی نخواهیم ساخت ( ۲ ).

ماوتسه با کمک پیوستن قطع پیوند خویش با انترناسیونالیسم پرولتری را توجیه کند. نظریه امکان ساختمان سوسیالیسم وقتی کمونیسم را بدون ایجاد دیرینای مادی و تکنیکی لازم سر هم بندی کردند. آنها نقشه های دیولوتاریستی صرفنفا کردن از چند مرحله ساختمان جامعه سوسیالیستی و جهش سریع از سوسیالیسم ناتمام به کمونیسم را پیشتر کشیدند. بعد ها مثل اینکه به مهمل و یا همون چنین نظریاتی پی برده باشند، به افراط در جهت دیگر افتادند و ساختمان سوسیالیسم را روند تصور کردند که به زمانی بی اندازه دراز و نامعین نیازمند است. چنین نظریاتی اصول سوسیالیسم علمی را بی اثر و اعتبار میکند.

این او را خواص و مسائل ارتباط جمعی ماوتسمیستی نوعی " کمونیسم سبازخانه ای " را بنیاد تبلیغ میکند. تبلیغات ماوتسمیستی تا کمسانی را که از کار گرفتن اصول سوسیالیستی نذینج بودن مصادی دفاع میکنند " پرولوازی تازه "، حامین " مانده های جامعه کهنه " و " مانده های حقوق پرولوازی " معرفی میکنند. چنانکه ما و هم دید از مینا چینی بنیادگرهای افتر از میزجی نسبت به کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی میروند.

اعلام " مدل چینی " سوسیالیسم در حقیقت فقط سرانجامی برای خیانت روز افزون ماوتسمیستی هانست به سوسیالیسم و هم پیمان شدن آنان با دشمنان سوسیالیسم موجود بود. واقعهی شمالی اخیر نشان میدهد که ایدئولوژی های یکن شبهه را با کادی ایدئولوژیک بر علیه مینستیم سوسیالیستی جهانی را از آنستی کمونیسم امپریالیستی گرفته اند. آنها در این زمینه هم خویشاوندی و نیز یکی خود را با دشمنان " باقیات سوسیالیسم پرولتر میهند و نظریات آنها رهبریهای ای برای تشدید مبارزه علیه دستاوردهای حقیقی سوسیالیسم و علیه جنبش کمونیستی و کارگری استقامت میکنند.

۱ - ماوتسه دون ایدئولوژیک و سیاسی مارکسیسم - لنینیسم. مسکو، سال ۱۹۷۴، ص ۳  
 ۲ - از مجموعه ای بنام " زندگی با اندیشه های ماوتسه دون "، پکن، ۱۹۷۷، که از طرف خون ویرین منتشر یافت.

زندگی با بنیاد رسانند که " اندیشه های ماوتسه دون " و " مدل سوسیالیستی " این پایه وی است. راست و با قانونمندی های عینی پیشرفت تاریخ و شکوهی ویرانکننده انقلاب جهانسی کالا در تمام میناشد. ماهیت بحران دائمی " اندیشه های ماوتسه دون " و نظریات آنها در عمل هم در همین است.

این بحران جنگ میکه رهبران یکن احکام پوینتیه گریهای ارتجاعی را که از زراد خانسه امپریالیسم گرفته بودند بجای مارکسیسم - لنینیسم جازند، ماوتسه با قانونمندیانه به سقوط کامل و نظمی ایدئولوژیک کشاند. بدین ترتیب ماوتسه نه فقط خود را از دایره مارکسیسم - لنینیسم خارج کرد، بلکه به برخورد و درگیری آشقی نا پذیر آن گام نهاد. سر و تحول نزولسی ایدئولوژیک ماوتسه این اندیشه لنین را که: " انحراف و بافقدان اصولیت در مسائل شورویک بویزه در دوران انقلابی سوسیالیسم باورشکستگی کامل ایدئولوژیک است ( ۱ ) تأیید میکند. به همین سبب سبیل انگاری و بالا تر از آن برخورد سازشکارانه نسبت به حمل و تحریف های ماوتسه همسا همطرازی با پشتیبانی از مقاصد مارکسیستی ضد کمونیستی آنهاست.

تشدید آنتی سوتیسم

اینک بحث اصلی سیاست خارجی ماوتسمیستی چین آنتی سوتیسم است. صحبت از نفی سیاسی در از شدتی است که با فزایندهای کنگرهای رهبر یازدهم حزب کمونیست چین وقانون اساسی جمهوری توده ای چین تثبیت شده است. این مشی اگرچه با سخنانی نظیر " وفاداری به انترناسیونالیسم پرولتری " استقامت میشود، نه فقط بعضی امتناع از مبارزه مشترک با کشورهای سوسیالیستی بر علیه امپریالیسم است، بلکه پیوستن آشکار به مواضع امپریالیسم و ارتجاع نیز میباشد.

مشی ضد شوروی رهبری یکن هم در سخوش تغییر و تحول معینی گردیده است. این مشی هم برای خود دارای مراحل و نقاط اوج و افتلاش است. بدون بررسی مسئله روحیه ضد شوروی ما و اطراف ما نیز تا انقلاب سال ۱۹۴۹، فقط با دآوریشویم که این حال روحیه تقریباً برابر از هسسال از آغاز زمانیات عادی میان اتحاد شوروی و جمهوری توده ای چین که در مجموع بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری ایجاد شده بود، بویزه بطور آشکار ناما بان گردید. پس از آنکه اختلاف نرها پرولتر کرد اول لیدر ماوتسه جبران را ابتدا و رقله اد میکردند که گویا آنها با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی جهانی فقط در برخی از مسائل استراتژی و تاکتیک مبارزه ضد امپریالیستی اختلاف های ایدئولوژیک دارند. پس از آن رهبری یکن اتحاد شوروی را " دشمن شماره یک " جنبش کارگری کمونیستی و تمام مردم جهان معرفی کرد. کار بهجت و افترا های شگرف و دروغ و بیعتان نسبت به حزب کمونیستی اتحاد شوروی و کشور اتحاد شوروی و کوششهای رها کارانه برای " توجیه و تبرئه " آنتی سوتیسم بسی بند و بار کشیده شد.

" دلیل ویران " عده ماوتسه با جعلیات در باره " قلب ماهیت " جامعه شوروی با نوع معاصرتر کینه ترسکی بود. آنها میگنند که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نیست، گویا در آنجا " اقتصاد سرمایه داری " و " سرمایه داری پرولوازی " احیا شده است ( ۲ ).

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) جلد ۱، ص ۴۵.  
 ۲ - " Peking Review " NO 35-36, P. 23.

کرد، بقره ند پهرمان عثمان کرد مودعی شد ند که "عاقبتی" پد پد آمد و در شوروی میان "عناصیر تازمبوزاری که در جامعه سوسیالیستی بوجود آمده است" میل و علاقه به "فصل حاکمیت" پیدا کرده و از این قبیل جعلیات دیگر ... مائوتسه دین در سال ۱۹۶۸ چنین گفت: "در اتحاد شوروی کنونی دیکتاتوری از نوع فاشیستی آلمان، دیکتاتوری نوع هیترری بوجود میآید" (۱) این اتهام ناروا و بیسابقه در گزارش به دهمین کنگره حزب کمونیست چین در اوت ۱۹۷۳ تکرار گردید: "گروه حاکم رولین پوتیم اتحاد شوروی ... سرمایه داری را احیا" کرد، دیکتاتوری فاشیستی را ایجاد کرد مردم ملت های گوناگون را با سارت بر درگی در آورد ... (۲)

گامی اینکه از طرف رهبران پکن برای عادی ساختن مناسبات چین با برخی از کشورهای سوسیالیستی برداشته شده (مانند تبادل سفیران، انجام مذاکرات، بستن قرارداد و مواظقتنامه و نظایر آنجا) به هیچوجه مشی ضد سوسیالیستی آنها را تغییر ندادند. به عکس مقصود اصلی از سر داشتن این گامها در درجه اول کوشش برای در مقابل هم قراردادن کشورهای سوسیالیستی و سایر انگیزش تمامآسیا بر علیه اتحاد شوروی است. از این لحاظ هم رهبری مائوتیستی با ارتجاعی ترسین معاف و مرکز امپریالیستی وحدت نظر کامل دارد.

طی نخستین دهساله پراپیروزی انقلاب توده ای جمهوری توده ای چین در پرتو همکاری برادرانه با اتحاد جماهیر شوروی و یکجانشینی و همجانبی آن، در امر پیشرفت اقتصاد و رفاه زندگی موفقیت های شایان توجهی بدست آورد. در نتیجه همکاری روزافزون چین و شوروی در آن دوران رشته های مناسباتی نظیر هواپیماسازی، اتومبیل و تراکتورسازی و رادار، یونیک و نظایر اینها که در گذشته در چین وجود نداشت ایجاد گردید. رهبران کنونی جمهوری توده ای چین در این گامها برپایه دیگری سخن میگویند. از جمله مائوتسه دین میگفت: "برای آنکه چین را به کشوری صنعتی معدل کنیم، ما باید از تجربه پیشرو اتحاد شوروی بطور جدی درس بگیریم. اتحاد شوروی چه سال است سرگرم ساختن سوسیالیسم است و تجربه این کشور برای ما ارزش فراوان دارد. ما باید تا سیمین اینهمه کارخانه های سهم زانی برای ما طرح ریخت و وسایل ساختمان آنرا آماده کرد؟ آیا این ایالات متحد و آمریکا بود؟ آیا انگلستان بود؟ خیر، آنها نبودند. فقط اتحاد شوروی به چنین کاری دستخیزند، بعلمت آنکه این کشور، بانکهای سوسیالیستی و کشور متحد با ما است" (۳). رهبران پکن امروز میگویند این حقیقت را با شاهان و رؤیایای زبان بخشد در باره "مشابرت" منافع حیاتی خلقهای جامعه کشورهای سوسیالیستی با منافع خلقهای چین از مردم چین مخفی کنند.

مائوتسه دین طی سخنرانی خود در اجلاس سالگرد شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در نوامبر سال ۱۹۵۷ با یاد آورنده که: "پس از انقلاب اکثر حکومت های شوروی که از هفتصدی در محیط دوستی با اتحاد شوروی امتناع ورزید فقط منافع واقعی مردم کشورهای چین را میسراند" (۴). اگر این سخنان را با آنی سوتیمس لحاظ کنیم، همان رهبران پکن خواهند دید بی پرسنسی در چنین مسئله مهم ویدی ای نظیر برخورد نسبت به اتحاد شوروی به کجا منجر میگردد.

شعار "اتحاد شوروی خود" که از طرف مائوتیست ها تبلیغ میشود و یکم آن جدا از جهان

- ۱ - رجوع شود به مجله "اقتصاد جهانی و مناسبات بین المللی" شماره ۱۲، سال ۱۹۷۵، ص ۳۸.
- ۲ - مائوتسه دین - در اطراف مسئله حل درست تضاد های درون خلق (بزبان روسی) - مسکو ۱۹۵۷، ص ۴۸.
- ۳ - روزنامه "پراودا" ۲ نوامبر سال ۱۹۵۷.

سوسیالیستی را تیره و توجیه میکنند و واقع به جهت گیری سیاسی اقتصاد چین در باره سرمایه داری بین المللی با تمام پیآمدهای آن استحالته پیدا کرد. گرومها که مائوتیستی با پیروی از سیاست ملترگرا با نه اقتصاد ملی جمهوری توده ای چین را از آغاز سالهای ۶۰ از امکان استفاده از تکنیکهای اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بمنظور پیشرفت اقتصاد چین محروم ساخت. سهم کشورهای سرمایه داری در تبادل بازرگانی خارجی چین در سال ۱۹۷۳، ۷۴ درصد سهم کشور های سوسیالیستی (۲) درصد بوده است.

سیاستها هنگ کشورهای جامع مائوتیستی سوسیالیستی، سیاست کفشداه مائوتیستی و اقدامات اشخاص گرانه مائوتیست ها را با طاعتی رد میکند مانع عده در راه تحقق هدف مائوتیستی استراتژیک رهبری چین است. به همین سبب مائوتیست ها مبارزه خود بر ضد کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را تشدید میکنند و میگویند وحدت آنها را از هم بپاشند و هم بپوشند یا اقتصادی سوسیالیستی را بی اعتبار سازند. پکن در نقش "حاشی" کشورهای سوسیالیستی و "مدافعت" استقلال ملی آنها در درجه اول به سازمان پیمان و شوروی تعاون اقتصادی یعنی ارگانهای جمعی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی حمله میکند.

در همین حال رهبران پکن نسبت به ناتوانی نظیر نشان میدهند و نظریه انگیزی نگران سرزنشست آتند. اینکه برخی از سفیران بیرونی در سال ۱۹۷۵ چین را عضو افتخاری ناتوان میدانند چندان هم بی اساس نبود. مائوتیست ها اتحادیه های مخالف امپریالیستی اروپا را در رشته های سیاسی، اقتصاد و فرهنگی امپریالیستی را تضعیف فرامیدهند. رهبران مائوتیست، پس از آنکه دیدند اروپا پیمان در باره سرکردگی در سیستم سوسیالیستی بر آورده نشده بهترین راه را در نقش موجودیت یعنی آن دیدند. در دهمین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در آوریل سال ۱۹۷۴ هیئت نمایندگی چین چنین اعلام داشت: "اروپا که سوسیالیستی که چند زمانی پرازیست دو جهانی موجود بود در کشور خارجی ندارد" (۱).

درک این نکته مشکل نیست که به سبب امپریالیسم و ارتجاع از رهبری مائوتیست هر چه بیشتر همانند دستیار خود در مبارزه برای بی اعتبار ساختن دستاوردهای سوسیالیسم موجود استناد میکنند. ارگان نئونفاشیستی های جمهوری فدرال آلمان آشکارا اعتراف میکند که: "پرازیست گره اخیر حزب و ریگن اروپا سرمایه داری با سودگی خیال دانست که بقای مائوتیسم در آینده ضمیم شده است. این بدان معنی است که سوتیمس هر اس از این بخود را اند هم که چنین هاروس، هازیر پرچم کونینم جهانی یکدیگر را آغوش بگیرند" (۲).

در تاریخ کثرت افراطی افتاده است که کمالات دعوی مارکسیست و سوسیالیست بودن میکنند. با حمله خصمانه خوشی به دژ مارکسیسم و سوسیالیسم از مرتجعترین ایدئولوگ های پیشی بگیرند. این نیز کمالات مائوتیست ها است خصمانه به یک کشور دیگر را طبق قانون اساسی، قانونی اعلام کرده اند بی نظیر بیسابقه است. آنی سوتیمس از طرف مائوتیست ها تاحد وظیفه بی و پهنی هر فرد چینیستین ارتقا داده شده است!

برگپای برنده

بشمار آوردن جنگ بمنزله وسیله ای برای حل اختلافها و برخورد های بین المللی از مناسبات

1 - "Peking Review", No 16, 1974, P. 6.  
2 - "Nation Europe", No 10, 1073.

ذاتی مائوئیست هاست. مائوئیست دین مدتهاست در اطراف نقش "انقلاب" اعمال زور را بر طبق جنگ فلسفه‌های میکند. او میگوید مردم را در مقابل خطر جنگ هسته ای خام کند. سلاح هسته‌ای "بهرگذازی" قلمداد میشود. اشعار مائوئیست دین که در نخستین روز سال ۱۹۷۶ در ماه پوهات چین انتشار یافت و در آنها جنگ و تهمین زمین و آسمانی که در آتش آن سوخته توصیف شده بهر همگان روشن است. او گفته مائوئیست دین نمونه اوروگونا است: "برگهای برنده ما، جنگ و دیکتاتوری است." (۱)

در سالهای ۷۰، در دورانی که اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سازمان اجتماعی مختلف میان مردم برقرار میشود، رهبران یکن هر چه آشکار تر بهیوشمانه تر خود را به منزله دشمنان مکار کاوشگر تشنج که با تب و تاب مردم چین را برای جنگ آماده میکنند و همانند مبلغین اندیشه اجتناب ناپذیری مقدم چنگ جدید جهانی، افشا می‌نمایند. مدت‌های دراز آنها میگویند تعالیم مائوئیست و عظمت طنزانه خانی خویش را استوار کنند. ولی اکنون مائوئیست مائوئیست می‌نمایند که به سیاست رسمی دولتی جمهوری توده ای چین مبدل شده است. در چین باز آرایش سلاح هسته‌ای نه فقط در زیر زمین، بلکه در فضا هم در ابعاد متوسط در اختیار دارد. سابق اطلاع خبرنگار روتنریکسن، چین هم اکنون موشک‌های با برد متوسط در اختیار دارد.

رهبری یکن در شرایط سالم شدن محسوس مناسبات بین المللی با عادت و لجاجت از مائوئیست "جنگ سرد" علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پیروی میکند و انواع گوناگون از سر-قراری صلح استوار و مناسبات حسن همجواری مناعت بعمل می‌آورد و آشکارا نیروهای ارتجاعی را کمیکوشند نتایج کنفرانس هلسینکی را به هیچ وجه مبدل سازند، حمایت میکند.

چین پیشنهاد اتحاد شوروی را مبنی بر عادی ساختن مناسبات چین و شوروی و از جمله پیشنهاد تمسک شدن در طرف با اینکه بر علیه یکدیگر هیچ نوع سلاحی، تعدادی، نموشکی و نه هسته‌ای بکار نبرند، رد کرد. هیئت نمایندگی چین در یازدهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۵ با هیچیک از قطعنامه مربوط به خلع سلاح که با اکثریت آراء تصویب رسیده اند موافقت نکرد. رهبران جمهوری توده ای چین برخلاف گرایش مائوئیست پیشرفت اوضاع بین المللی میگویند به افکار عمومی جهان چنین تلقی کنند که خدای جنگ افزایش پیدا میکند. آنها میگویند گویا در "امریکارت" بیک اندازه "کانون جنگ جهانی تازه اند." (۲)

بدین ترتیب انحطاط ایدئولوژیک و سیاسی مائوئیسم در برهه در مسائل جنگ و صلح هم که از جادو ترین مسائل دوران ما هستند بروز میکند. رهبران یکن در مبارزه بر علیه صلح و امنیت خلیقه و اقداماتی که هدف از آنها خرابکاری در روند کاهش تشنج و تدارک شده بدروانی برای جنگ است، هر چه بیشتر در لولک امپریالیسم و ارتجاع جا می‌گیرند. مائوئیست ها آماده بودند تا با تخریب صلح و ماجراجویی دیگر کشورها را به فاجعه جنگ هسته‌ای بکشاند. ولی اگر این امر تنها مربوط به آنها میبود، به همین سبب تا مین صلح و امنیت خلیقه با بد مبارزه بر علیه ایدئولوژی و سیاست مائوئیسم بیخ و بن معنی است.

مواضع ایدئولوژیک و تئوریک مائوئیست ها با فائقونندی عینی و گرایشهای عمده ترقی اجتماعی در یکجا نمیگنجد. مائوئیست یکن برهان مستقیم مبارزه خلیقه در راه صلح، آزادی ملل و سوسیالیسم است. خود زندگی بگرویه و آشکارا اینسانی افکار رواندیشه ها و اقدامات گروهی مائوئیست را به

۱ - از گفتگوی مائوئیست دین با نمایندگان محافل مطبوعات و انتشاراتی، در چهارم و پنجم سال ۱۹۵۷ - "Peking Review", No 4, 1975, P. 24.

ایشان میسراند. مائوئیسم از لحاظ تاریخی آینده ای ندارد.

تحول مائوئیسم بمنزله یک جریان ایدئولوژیک و سیاسی بار بار حقیقت را تائید میکند که در دوری جستن ارتشوری علمی مارکسیسم - لنینیسم و تحریف آن به پراتیک انقلابی زبان میسراند. منافع و مصالح سوسیالیسم جهانی و جنبش کمونیستی جماعتی ضرورت مبارزه اصولی بر علیه ایدئولوژی و سیاست مائوئیستی را که نه فقط مغایر با تعالیم مارکسیستی - لنینیستی است، بلکه در مست دشمن آنست، الزام میکند. مارکسیست ها - لنینیست ها با مقابله و مبارزه با مائوئیسم نه فقط در مورد اخلی جمهوری توده ای چین در حالت تنگنشد، بلکه چنین اندیشه ای را هم ندارند. این کشورها و جامعه کشورهای سوسیالیستی آماده خود را برای عادی ساختن مناسبات خویش با چین بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورها بطور مستقیم می‌کنند و اقصیت انکار ناپذیری در تائید این دعوی است. علاوه بر این مارکسیست ها - لنینیست ها چنین نظری ندارند که هیچ جزئی را از جنبش کمونیستی و هیچ کشوری را از سیستم سوسیالیستی جهانی "کنار بگذارند"، آنها بر این عقیده اند که اگر در یکن به سیاست بازگردند که واقعاً بر مارکسیسم - لنینیسم استوار باشد، آنوقت برای بسط و تکامل مناسبات با جمهوری توده ای چین و حزب کمونیست چین بر پایه انترناسیونالیسم پرولتری زمینه فراهم خواهد شد.



# جاننی که نثار مردم شد

زحمتگان سالواد در بهمن ماه سال ۱۹۷۵ دست صديق و رهبر خود را فاضل آگينا و اكارانزا دهرگل در اسبوين سند بگاش واحد سالواد و ره نمايند موانعی مردم در مجرای قانونگذار آری کشوره کارگرو کمونیست را از دست دادند .

آور ۲۶ سپتامبر ، شب هنگام در مرکز سان سالواد و پناهگه کی از اداره پلیس در چهارراهی که در این موقع شلوغ و پر ازدحام است بقتل رسانیدند . قاتلینی که اتومبیل آگینا در آنجا خود را مهرانه ، تعقیب میکردند ، خود را به وزارت اتومبیل اورساندند و ای بعد صدای رگبار مسلسل بگوش رسید . قاتلین شدت تیراندازی میکردند . طبق اطلاعیه بزرگ قاتلینی روی زمین مقتول لکه های باروت دید میشد . مهاجمین از عدم مراعات قانون در شهراستفاده کردند . پس از آنکه صدای تیراندازی مسلسل خاموش شد ، یکی از قاتلین بنظر همایان دادن بزندگی قربانی خود با رولورا زماشین بیرو آمد و جلوی چشم تعداد کثیری از کسانی که با توفشان کافه سرچهارراه بود ، تیر خلاص را شلیک کرد .

بغض سهرن را فاضل آگینا و اكارانزا به نمايش هر جهان آمیز همبستگی سازمانهای سند بگاشی توده ای و دموکراتیک سالواد ورود بگوشه ها با سازمان فعالیت اوسدل گردید . هزاران تن از کارگران دانشجویان ، کارمندان و دهقانان طی سه روز رخصی سی پاهان بسوی ساختمان قدر اسبوين روان بودند تا بدین ترتیب نسبت بهوی اراکند و خشم و غضب و انزجار خویش را بر علیه این قتل فجیع ابراز آورند . کارگران موسسات گوناگون سان سالواد و روسانتانا روز شنبه ۲۷ و دوشنبه ۲۸ سه تاز بهزرا تعطیل اعلام کردند . اکثریت قدر اسبوين های سند بگاشی کشور قتل ناجوا نمردانه این کارگران انقلابی را محکوم کردند . تمام این اقدامات جواب رسای مرد سالواد و ره در دشمنان و دشمنان خود بود . توده های مردم در روزها و اسف انگیزانه ۱۹۷۵ آمادگی خویش را برای ارا مبارزه بطور موثر اعلام داشتند و این تنگه را از تنگه بگذراندند که از طرف عناصر فاشیست در دستگاه دولت وارگان های سازمان امنیت بحمل محاصره بهم و هراس خود رانمید هفت . مردم سالواد و ره راتروزها بشکستل شکرانگیزی قدر دانی عشق خود راهم نسبت به یکی از سازندگان آینده صحنه ، صحنی آزاد از استعمار گران ، صحنی که او را زور میکرد و در راه آن جان سیرد ، نمايش دادند .

خبرنگار مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " موفق شد تقاضای هیئت تحریریه را به اطلاع همسر سوگوار و زویلا برتادراس برساند و شرح زندگی و مبارزه اكارانزا را برای خوانندگان مجله خواستار شود . شرحی را که وی فرستاده ما در زیر انتشار میدهم . در همین حال توجه خوانندگان را به بخشهایی از سخنرانی شفیق خورخه خاندال ، دهرگل کمیته مرکزی حزب کمونیست سالواد و ره در مراسم بگاش

سهرن کارانزا ابراد کرد جلب میکنم ، زیرا بنظر من نقطه شریعی را که درباره آن تهرمان انتشار یافته تکمیل میکند ، بلکه تصویری هم از مبارزه دلاورانه کمونیست های سالواد و ره دستمیدهد .

## چراغو همراگشتند

### زویلا برتادراس

سهرن را فاضل آگینا و اكارانزا در شهراستفاده بد نیامد . تا بهست سال با هم زندگی کردیم . را فاضل در خانواده ماربا نوآگینا و آنتونی کارانزا که ۱۴ پسر داشتند ، فرزند ششمی بود . بلافاصله پس از پایان زماندن در استان در سن ۱۳ سالگی شروع بکار کرد و شاکر نگار شد . در سال ۱۹۴۵ در کارگاه نجاری راه آهن خری گمشدلی به بلنگهائی انگلیسی بود مشغول بکار شد . سال بعد هنگامی که کارگران راه آهن این کمپانی برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار با متعصب گردند را فاضل ۱۵ ساله در جمع آوری کمک برای امتحان کنندگان از دیگران متعصب بود .

در آن روز کارگران برای کسانی که مانند را فاضل بعلت بدی وضع مالی خیلی زود مجبور بکار کردن بودند را با هم جمعید بسیار دشوار بود . یکی از شرایط مهم این بود که در نقاط و در افتاده از تهر موسسات آموزشی وجود نداشت . به همین سبب را فاضل عازم پایتخت یعنی سان سالواد و ره گردید و در آنجا در صنایع ساختمانی بنگاری مشغول شد و شب ها هم در درسهایی نقاشی و جسم سازی به مدرس خواندن پرداخت . او در سال ۱۹۵۲ در این مدرسه سازمان طراحان سالواد و ره بوجود آورد که هم آهنگها رسه را تار کرده بودند و هم کارآموزان میتوانستند عضوان باشند . او در رشته طراحی موفق بگرفتن دیپلم شد و مدرسه را تار کرد . در سال ۱۹۵۶ در ایجاد کانون دانشجویان بنام " لاماتیک " شرکت جست ، و در سال ۱۹۵۹ سازمان دانشجویی ه نوا میرا بوجود آورد . او نمایندگی این سازمان را در جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در وین بعهده داشت .

را فاضل که علاقه فراوانی بکمپنی اشتراک داشت در شهرستان ناچوینس کرد ولی پس از چند تنگه تحصیل نمود و تا وقتیکه در راهکار انقلابی اختصاص داد . چند زمانی او در فعالتهای حزب انقلابی " آریل ویم " کمونیستهای چپ را شامل میشد شرکت جست . از آنجا که این حزب مورد پیگرد مداوم بود ، او ناچار شد مخفی گردد و بطور موثری فعالیت کند .

را فاضل در سال ۱۹۶۰ به عضویت حزب کمونیست درآمد ، چون مدت ها بود خود را کمونیست میدانست . او که پیشین حاصل کرده بود فقط این حزب طی چهل سال مبارزه بهانگزاران کسانی بوده است که فکرا بپارزندگی بهترین برای مردم اند خصوصیت ابراز پذیرفت .

در تهره سال ۱۹۶۴ در نخستین گنگره حزب این عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد . در سال ۱۹۶۷ انتخابات رئیس سهری در کشور برگزار گردید . در نتیجه شرکت حزب کمونیست و نیروهای چپ در مبارزات انتخاباتی برای نخستین بار در کشور با این امکان بوجود آمد که خواستههای بنیادی ضد الیگارش و ضد امپریالیستی بطور وسیع مورد بحث و تار قرار گیرد . در این روزها را فاضل را بازداشت کردند ولی از آنجا که اوضاع سیاسی بسیار آشفته ای در کشور وجود داشت ، وی را بزودی آزاد کردند .

را فاضل به نمايشدگی از طرف اتحادیه کارگران صنایع ساختمانی در کار هفتمین گنگره قدر اسبوين

سند یگانه واحد سالواد ورکه یکی از نمریند ترین اتحادیه های کشاورزی بود شرکت کرد . اود را پسین کنگره بسمت د بفرند آسون ، مسئول بخش آموزش ، مطبوعات و تبلیغات انتخاب شد و در وره های بعدی هم سه باره این سمت برگزیده شد . رافائل این کار را با انرژی فراوان انجامید اود برای کارگران کورسهای مختلف و سخنرانی ترتیب میداد . از تیزرونامه " وحدت " ارگان قدراسیو انتشار یافت .

۱۴ سپتامبر ۱۹۲۲ عمال گارد ملی کلیسا سوسیل بتن کرده بودند بزور اخل خانه ها شدند وشوهرم را بزندان گارد ملی بردند . این زندان از قدم باخشونت سیحان اید کدر رانجامیده زندانیان اعمال میکشید بفرته است . در زندان مد عهشت روز اود دست بسته در مستراح بود راز را بهیمنای ۷۰-۹۰ سانتی متر گداشته در همین اینکه چشمهاش بسته و با نقاب پلاستیکی هم سروروش را پوشانده بودند . از آنجا اود فقط برای شکنجه و بازجویی بیرون میآوردند . روزنهم اود با هشت تن دیگر با هواپیما به نیکارا گوته منتقل کردند و آنها را به ندامت اسپرند . تا امروز هم نمیتوان سخنان بهیمنای نفیسمت کنند و رئیس جمهوری در خطاب به روزنامه نگاران که جویسای سرنوشته بازداشت شد گارد کرده بودند فراموشی کند . او گفت : " این تئیسید نیست ، فقط تئیسیر محل نیست آنجا در همین بزرگ ما این یکی مرکزی است " .

رافائل همیشه برای بقیه بود که جای یک فرد انقلابی در سرزمین اصلی اوست . او از همان اوان جوانی سرسخت وقایع بود . با راهماد رش در این خصوص با من صحبت کرده است . چهل روز پیش از تئیسید به نیکارا گوته رافائل بطور مخفی به سالواد وره بازگشت تا از نود رمایزه شرکت کند و در حزب و جنبش سند یگانه بکار رود ادامه دهد . در هم به سال ۱۹۲۳ شش ماهه پر از بازگشتش از آزاد بپاره بازداشت کردند و به نیکارا گوته تئیسید نمودند . این باز اود را به سراسلی که خیلی در ورود زحمال کشور است فرستادند . این فرد کمونیست سالواد وره ماند همیشه از همینستکی و پشتیبانی برادران هرزم خود در نیکارا گوته برخوردار گردید و هر از ۲ روز تئیسیر وطن بازگشت تا گاری را که بازداشت تئیسید متوقف کرده بود از سرگیری .

در نوامبر همان سال ۱۹۲۳ سازمان انتخاباتی برای انتخاب قریب الوقوع نمایندگان مجلس مقننه وشوراهای شهر آغاز گردید . رافائل هم که همانروز نمایندگی از طرف اتحاد ملی اپوزسیون ( ۱ ) بود در این مبارزات شرکت کرد . از ۵ نماینده ای که در مارس سال ۱۹۲۴ برای مجلس انتخاب شدند ۱۵ تن که رافائل هم یکی از آنان بود وابسته به اتحاد ملی اپوزسیون بودند . گارد مجلسی البته نمایندگان نبود . نمایندگان راستگرا که در مجلس اکثریت داشتند پیشنهاد های نمایندگان اپوزسیون را بایکوت میکردند و اجازه صحبت کردن نمیدادند . وقتی هم آنها موفق به سخنرانی در مجلس میشدند ، مطبوعات زور از درج و انتشار سخنان آنها خود داری میکردند . ولی حتی در چنین شرایطی آنها موفق شدند چند لایحه قانونی را بطرح سازند که لایحه های افزایش دستمزد کارگران و کاهش دستمزد و افزایش حقوق بازنشستگی از جمله آنها بود . در مجلس بارها صدای رافائل شنیده اند از شد . او بر علیه قانون واردات که امکانهای زیادی برای نفوذ سرمایه خارجی بکشور ایجاد میکند ، بر ضد فرقه های اشارتوری که ابلا استعداد با مرگامید هد و بر علیه تصویب و قضا رسد و بودن آزادی

۱ - احزاب دموکراتیک مسیحی ، اتحاد ملی دموکراتیک که یک سازمان چپ گراست و حزب جنبش ملی انقلابی که اگرچه حزب بزرگی نیست ولی میان روشنفکران ارغ و اعتبار فراوان دارد ، اتحاد ملی اپوزسیون را بوجود آورده اند .

های مردم سخن میگفت . زحمتکشان در سهامی رافائل نمایندده مجلس ولید رسند یگانه مدافع منافع و مصالح خود را میدیدند .

در سپتامبر سال ۱۹۲۴ رافائل بسمت دبیرکلی قدراسیون واحد سند یگانه سالواد وره سرگزیده شد . سال ۱۹۲۵ که آخرین سال زندگی او بود ، سرشار از کار و فعالیت جالب برای تحکیم وحدت جنبش اتحادیه ها ، بویژه برای بنهم پستی سه قدراسیونی بود که تعداد بیششتری از زحمتکشان را در صفوف خود متحد ساخته بودند ( ۱ ) . در ادهای ملی اتحادیه های کارگری برگزار شده در آنها برخی از اتحادیه های هم که از طرف دولت بوجود آورده شده اند شوکتی کردند ( ۲ ) . در جریان این دیدارها خواسته های مشترک کارگران کمیتوان آنها را پایه ای برای تدوین کارنامه ( پلاتفرم ) اقدامات مشترک بشمار آورد معین گردید . ایجاد کفدراسیون واحد زحمتکشان سالواد وره واقعیتی بتأیید رسید که همین روزها میباید تحقق پذیرد . دولت که از وحدت استحکام یابنده زحمتکشان بیمناک و هراسان بود کوشش فراوانی برای کاشتن تخم نفاق و پیرانندگی میان جنبش سند یگانه بنگاربرد . شوهر من روز ۲۶ سپتامبر با مبارزه شدید در راه ایجاد کفدراسیون آغاز کرد . ارتجاع در این روزها از پای درآورد . ۱۳ گلوله کالیبر بزرگ رشته زندگی انسانی را برسد که هر روز بنام اتحادیه فعالیت میبرد اذت و همیشه اتحادیه را حزب دستور میداد ادراسیکرد . زندگی رافائل یکی از زندگی های بسیاری است که در راه پیروی مردم کمشور ما فدا گردیده است . این دو زمین پوری است که ما در رافائل ، در مبارزه در راه انقلاب از دست داده است . مدتها پیش اعتصابهای چندی در دفاع از آموزگاران که بخاطر برآورده شدن خواسته های خویش مبارز میکردند ، تشکیل شد ( فوریه سال ۱۹۲۸ ) . در جریان این اعتصابها اعضای گارد ملی اسکار هیلر توما رتئیس کار انسترا برادر رافائل را کشتند . او هم کمونیست و از لیدران اتحادیه های کارگران بود .

فرزندان این ورافائل : رافائل ، دنیرا ، تانیا و گالیا پتروخود را از دست دادند . ولی آنها میدانند که اود راسحق و حقیقت جان خود را فدا کرد .

رشته زندگی رافائل را بهیمن سبب بریدند که با مطور خستگی ناپذیر بود در راه اتحاد طبقه کارگر مبارزه میکرد . جانتان با کشتن وی میخواستند از پیروشی مردم زحمتکش در راه وحدت جلوگیری کنند . اما این غیرممکن است . مردم کمشور ما هر روز بیشتر نیازمزم به مبارزه در راه آزادی کامل خویش را درک می کنند .

شهرمان خوزه - جمهوری کستاریکا

۱ - قدراسیون سند یگانه های کارگران رشته های صنایع مواد غذایی ، خیاطی ، بافندگی و قدراسیون زحمتکشان سالواد وره قدراسیون سند یگانه های متحد سالواد وره .

۲ - اتحادیه ها عضو کفدراسیون سند یگانه های کارگری اند - هیئت تحریریه .



شقیق خورشید خاندان  
د بهرگ کمیته مرکزی حزب  
کمیونسیت سالوادور

.. ورافائل آکیناد اکارانرا " چله " می نهمز با رگبار گوله‌های مسلسل جانان پست در لخته  
ای از یاد آمده که برای آنجا پوشاف خود بمنزله رهبر کارگران شتاب داشت و میکوشید کاری را که امروز  
مکن است انجام داد به‌قدر آنگذارد ...

" چله " آکیناد ابا شور و شوق و در اوجود اتحاد بهای کارگران فعالیت میکرد . زحمتکشان  
متشکل کشور خوب میدانند که وحدت جنبش آنان بگانه هدی بود که اویخواست بدن دست  
یابد و زهرامضا معتقد بود که فقط وحدت امکان میدهد از منافع حیاتی آنان بطور موثر دفاع کرد شود  
در برابر رژیم زندگی آنها بهبود حاصل کرد و در ایجاد دولت اصل توده ای سهم قاطعی داشتند .  
ماد را اینجا سوگند یاد میکنیم که بکار و کوشش رفیقان در راه وحدت جنبش کارگری و یکپارچگی  
آن در اتحاد ملل ناپدید برادرانه با جنبش دهقانان ادامه خواهیم داد .

مانند زمان بسیار شواری را میگذرانیم . ولی طعم غم کمین کشیدن های جانان چهاره باید  
ادامه پیدا کند . این مبارز رفیق همیشه پندارنی ، شایر و پیروز بر علیه سازمانهای توده ای و بی وجود  
خاروسو " نقد فاشیستی بر علیه زندگی مشروطه بی ثبات کشورهای آزادیها و دموکراتیک ناستوار ادامه  
خواهد یافت . همه ما را این روزها باید از مردانگی و غیر استوار و نزل ناپدید بر چهاره که ویژه رفیق  
رافائل آکیناد ابرد در سر بگیریم .

یکی از بهترین اشکال گرامیداشت خاطره او فراموش کردن درس دلاوری و پایداری است که او ما  
داد ، بهیژه در این هنگام که قاتلین اویخواستند ما را بترسانند ، در اراد مداخل وارد آوردند و تمام  
جنبش کارگری توده ای را بهیضاک و متزلزل کنند .  
ماد را اینجا سوگند یاد میکنیم که از آنها بپوهراس بد راه نخواهیم داد ، در مبارزه بر علیه  
فاشیسم ثابت قدم می گذشت خواهیم بود و انضباط و فعالیت روحیه بیکار جوشی خود را مضاعف  
خواهیم ساخت .

رافائل آکیناد اکارانرا در مارس سال ۱۹۷۴ به نمایندگی مجلس مقننه انتخاب شد . در آنجا  
با فروتنی ولی در کمال جدیت و با قیام خود را مانند یک انقلابی استوار و کارگری سیاستمدار انجام  
میداد . بارها اتفاق می افتاد که زحمتکشان از شهر و روستا با تقاضای حل مشکلات جدی و حیاتی  
زندگیشان به مجلس می آمدند و از خود کاغذی کا فرمایان یاد سگانه دولتی شکایت میکردند . آنها  
همیشه در سیاسی رافائل آکیناد یکی از قاطع ترین و فعال ترین مدافعان منافع خویش را می یافتند و  
همواره احساس میکردند که صدای او در مجلس صدای خودشان است .

اینکه او از طرف اتحاد ملی اپوزسیون که گسترده ترین مجمع نیروهای مردم و تاریخ کشور  
است ، به نمایندگی انتخاب شد ، از همان آغازی را بمنزله طرفدار ملیون و معتقد به وحدت تمام  
نیروهای ترقیخواه و درجه مشترک مبارز صرخی میکرد ، جنبش وحدتی شرط لازم برای دست یافتن  
به هدفهای دموکراتیک آزادی ملی و انقلابی مرحله کنونی تاریخ سالوادور است .  
رفیق رافائل در طول فعالیت خویش در مجلس مقننه وفاداری خویش را بدین خط مشی علا  
باشیات رساند . او قادر بود همیشه ، حتی میان نمایندگان افراد نیک و بد سیرت را نشان خسته و شایز  
سازد . کسانی را که با منافع استخوان با فاشیست ها و ارتجاع بخورگی مربوط اند از آنها که حتی اگر  
بمردودترین اقدامات هم رای میدادند ( محلت تعلقات سیاستمداران ) باز نشان میداد و زهرامی است

کمیته‌ها را نه بدین شکل " سو " نیت بلکه برخلاف اراد مفود برای داده اند ، کسانی را که خشم و نفرت  
کورشان کرد و منافع زحمتکشان را بطور خشونت آمیز باطل میکند . از آنها که مادر اند بحرهای  
آنها کوشش دهند ، با آنها مذاکره نکنند و توافق برنند ، کسانی را که از روی جرئت و باید ستونهای گنگان  
همانند مرتجع و آتشه می سروپا عمل میکند ، از آنها که با اندازه بسیار کمی همیشه میتوانستند افکار  
و اندیشه‌های تازه را مورد توجه قرار دهند و با جریانهایی پیروزند ی را که برسار ما میگذرد ، بررسی  
نمایند ، جدا سازند .

رافائل آکیناد اکارانرا در مجلس مقننه اصرا میوزید که میان منشی نظامیان وابسته به ارتجاع  
و امپریالیسم که نقش خائنانه و شکنجه گر خویش را ایفا میکند با کسانی که بشغل خود احترام میگذرانند  
و با اشتیاق از ارتش بمنزله زاندرم خلق خویش مخالفت میکنند و میکوشند همراه با مردم به آزادی  
و دگر سازی کشور تحقق بخشدند ، فرقی گذاشته شود .

ماد را اینجا سوگند یاد میکنیم که مانند گذشته با مرتحکم هر چه بیشتر وحدت با متحدین یل آن به  
گسترده ترین وحدت ها میان ما منبرها ، سازمانها ، گروهها و افراد اعم از کشوری و لشکری ، کسانی که  
عضو حزب اپوزسیون هستند یا نیستند ، اعضای حزب خانه ، روحانیون و مردم عادی بدین توجه  
به معتقدات فلسفی آنها ، یعنی تمام کسانی که بضرورت دفاع آزادی و حقوق سیاسی ، سند یگانی  
و شخصی افراد و ضرورت بستن راه پیشرفت فاشیسم ملون و معتقدند ، وفادار باشیم !  
ما همانند رافائل یقین داریم که وحدت جنبش کارگری و اتحاد آن با دهقانان و فعال ترین  
و متشکل ترین اتحاد قشرهای متوسط باید هسته مرکزی این وحدت گسترده دموکراتیک باشد .  
عمال واقعی این جنایت پست اعضای باند هستند که فاشیست ها با مشارکت مستقیم  
و پشتیبانی رهبری نیروهای امنیتی کارکنان و وسایل خویش را در اختیار آنها گذارده اند ، تشکیل  
داده اند .

این قبیل دستهای جانان را سازمانی رهبری میکند که از کار فرمایان و زواد و رود آنها ،  
وابستگی به خانواده های سرمایه داران بزرگ و نه افرادی که سرزنجیرشان بدست سیاست تشکیل  
گردیده است . بخش سرمایه های کلان که نظریات سیاسی افراطی را تبلیغ میکند ، سپاه مسلح  
خارجی آن و دست نشانده گانتر که در کشورها پدید آمده اند عمدترین الهام دهندگان این دستها  
و فعالیتهای تروریستی آنها هستند .

آنها عاملین اصلی قتل فجیع و خنده آمیز رافائل آکیناد ابا هستند . گفگداری سرهنگ مولینا  
( ۱ ) و این سخنان وی در محکوم ساختن توسل بزور که " از هر کجا که سرچشمه بگیرد " و " هر کس  
میخواهد باشد " در عمل با مجازات قاتلین باید نمشود . خورشید آلبرت موران کورتجو ، یکی دیگر  
از رهبران اتحاد بهای نیز سال گذشته بقتل رسید . آن موقع هم مولینا چیزی شبیه باین حرفها میگفت:  
" او قول داد در جریان قتل راجت بپگرد جدی بفرار دهد و گشت قاتلین مجازات خواهند شد و نظایر اینها ،  
اینکه پسر از یکسال معلوم شده که وده تحت پیگرد قرار دادن قاتلین حتی آنها هم نشد چه رسد باینکه  
قاتلین مجازات شوند . سرهنگ مولینا خوب میدانند که لازم نیست چیزی راجت بپگرد قرار دهد ،  
زیرا قاتلین در میان نیروهای امنیتی خود او هستند و نمیتوان بپگرد جنایت را بکسانی سپرد که خود  
مرتکب جنایت شده اند .

تا مردم سالوادور قاتلین را می نشانند : اینها همان کسانی هستند که دهقانان را دلاکاس  
بتان و ترس کالشی و حشیا نه به قتل رسانند و در تیراندازی ۳۰ ژوئیه بسوی دانشجویان شرکت

۱ - آرتور آرماندو مولینا ، رئیس جمهوری سالوادور که در سال ۱۹۷۲ بحکومت رسید . هیئت تحریریه

داشتند، آنها لازم نمیدانند خود راحتی مخفی کنند و با اونیفورم و سوا استفاده خون را از سلاح جنگی از نظر رهنیان دارند. . . سالواد و روزهای بسیاری شوری را میگذرانند، و باید بداند فاشیست ها می گمسهولیت این اوضاع با آنهاست نه به امروزی نه به دلیل ویران گوششان به هکسار نیست و آنها خود نیات جنایتکارانه خویش را حاشا نمیکنند. بگنوسیله متوقف ساختن فاشیست ها سرکوب آنان واجب است و ولید مکرراتی است که ما از زمان مردم برخاسته باشد. . .

ما خودسرمد ولی بطور قاطع و استوار مبارزه با فاشیسم ادامه میدهم، سازمانهای توده ای، رهبران آنها و فعالین سازمانها را حفظ میکنیم، آزادیهایی محدود موجود و حقوق قانونی خود را قاطعاً میگیریم و برای ایجاد چنان دولتی که مردم میخواهند آماده میشویم.

خون را قاتل آگنیاد اکارانزا، در همانان لا کاپیتا و ترس کالیس و خون دانشجویانی که در ژوئیه تبریا را ن شدند بیدار نخواهد رفت.

خسوس میگل آنجل ارناندس روخل، کارگر کارخانه "کاپری" در بزرگ سابق بخر کارخانه های صنایع مین سازی سندیکا هانیزیک از هزاران هزار افرادی بود که عصر ۲۷ سپتامبر سال ۱۹۳۶ واحد تولیدی با رافائل اکارانزا آمده بود. اندکی پس از خروج از ساختمان خدا رسید سندیکا سی واحد سالواد ویر که تابوت و جسد همسنگر او را سوار بر خاطر وجود تنگن کارگران و اقرار داده بودند، او را ربودند و چهار روز بعد ساعت بقتل رساندند. خوزه ارستوستو و آگنیاد که کارگری از فرمهای مرغداری است بخوابش مالک فرم روزاول اکتبر از طرف عمال کار ملی دستگیر شده است. آژان روز بعد خبر واثری از او نیست. دشمنان کارگران دفاع شدیدی از صاف کارگران مقاومت و مبارزه میکنند. آژان روز بعد خبر فرمان برای از هم پاشیدن سازمانهای زحمتکش را به خوزه ارستو، در بزرگ قدرامون اتحادیه های کارگران صنایع غذایی، بافندگی و خیاطی و دیگر رشته های وابسته بدانها، بخشیدند.

اینم که بر شمرده تمام رویداد های تروی را که ارتجاع علیه اتحادیه های کارگران و رهبران آنها برای انداخته در بر شمرده. هنگامی که رافائل آگنیاد اکارانزا، حرکت کنندگان در مراسم تشییع پلاکاش همراه داشتند که روی آن چنین نوشته شده بود: "وقتی انسانی را بخوا طراند پشه هایش بقتل میرانند، بدان معنی است که اند پشهها و میازرات این انسان قاتلین را تهدید می کند". سخنان بسیاری رستی است. این سخنان حکم حکومت فاشیسم و ارتجاع است که میگویند بکسک ترور خوین روزنا بودی قطعی خویش را بختایراند ازند.

نیکه ای چند بیرون کتاب "خود کشی در مکزیک" اثر کلود ژولین.

## این خود کشی نیست!

کلودی ژولین

دکتر ورشته حقوق (اتحاد شوروی)

کتاب را دکتر ما هانا "موند در پلماتیک" که در ریاست منتشر میشود و بنا بر زبان انگلیسی هم ترجمه شده (۱) میان آثار غیر مارکسیستی که به تجزیه و تحلیل واقعیت سرمایه داری معاصر اختصاص یافته بدیده غالب توجهی است. این اثر مشرف آن جریان سیاست شناسی بورژوازی است که میگوید بنسائل سرمایه داری معاصر بنا بر انتقاد و برخورد کند، عمل بیماریها یا اجتماعی را که بنان مبتلا گشته نباید وقتی امکان برای مداوا یا تشخيص آنها را راه دهد.

باید گفت که مولف این اثر را به پیچیده نمیتوان نسبت به سرنوشت سرمایه داری و مکرر استی بورژوازی لا قید و بن تفاوت دانست. برعکس این اثر از دیدگاه شخصی نوشته شده است که در نجات سیستمی که خود نقایص آن را میسازد به علاقه است. اما شاید درست بهمین علت نظریات او ارزش خاصی کسب میکند: این نظریات به طور مشخص نشان میدهد که تلاشهای ستایشگران در مکرر استی بورژوازی که میخواهند از کمحوالت بحرانی عمیق سرمایه داری را از نظر رحافل اجتماعی مخفی دارند و از سوی دیگر آن گامهای واقعی در مکرر استی را که حقا میتوانند و باید به نتایج آفرینندگی توده های مردم منسوب باشند به سرمایه داری نسبت دهند، تا جمیع ساختگی است. در واقع تنها بهر کسک میارزه تسلیهای متعدد از انقلابیون، پیکارهای طبقاتی زحمتکش، جد و جد و روحیه بیکار جوانه جنبش کارگری، اتحادیهها و همدم مکرر استی و در رجه اول کمونیستها است که معذور مکرر استی و دستاورد های اجتماعی زحمتکش در کشورهای سرمایه داری حفظ شده و حتی استحکام یافته است. بکس دیگر از خصوصیات و شاید برجسته ترین ویژگی اثر کلود ژولین در همان برخورد مسئله در مکرر استی است. برخلاف فصلهایی از آثار شورویک و شبه شورویک و باها و روسا و آثار تبلیغاتی بورژوازی مبتذل که موضوع در مکرر استی در آنها تنها به چند گراش (پلورالیسم) حق شرکت در انتخابات همگانی، سازمان دروازه پارلمانی و سایر بنیادهای سیاسی محدود میشود، مولف این اثر توجه خود را روی مسائل بنیادی اجتماعی مانند مسائل برابری تقسیم عادلانه درآمد ملی، معیارهای اشتراک طبقات و قشرهای مختلف اهالی در حل و فصل امور دولتی و در تعیین هدفهای رشد و تکامل اقتصاد و اجتماعی، در تأثیر متقابل جامعه و طبیعت و مناسبات میان نژادها و ملل و سایر دید بگرمترکز میسازد.

1 - Claude Julien, Suicide of the Democracies. London, Calder and Boyars, 1975, 272 pp. (متم چاپ انگلیسی "Le suicide des Democracies" Paris, Bernard Grasset, 1972).

در کتابهای قطب و مقاله‌های پرشمار مجله‌ها و روزنامه‌ها، سخنرانی‌های مفصلین را در پیش‌بینی و سخنگوییان روزی هفتاد و هفتاد ملاحظاتی انتقادی فراوانی در مورد این سال جنبه زندگی جامعه سرمایه داری معاصرید کرد. در اثر زولین همه این مطالب انتقاد در یک جا گردآوری شده و بصورت سیستم منظمی درآمده است. در واقع از همین رومولف به نظر نتوانسته است در روز ناخوشی از مبارزهای جزئی زندگی اجتماعی سرمایه داری که به یکمک داروهای اجتماعی متداول درمان پذیر بود و بدترین حالت قابل عمل جراحی است تشخیص دهد. تشخیصی که هنوز کتاب قرارداد آمده مشحون از احساسات چاره ناپذیری است و خودکشی و موکراسی‌های بورژوازی نامیده شده است.

بخش بزرگی از این اثر مسئله‌ها نشان دادن نهاد مفهوم "دموکراسی" یا "برابری‌های اجتماعی آشکاری که در جهان سرمایه داری معاصر موجود است تخصص داده شده است. در همین حساب فاصله میان توده‌های مردمی که بکارمندی‌ها اشتغال دارند با انحصارها، دارندگان مالکیت خصوصی بزرگ و همکسانیکه مستقیم یا غیرمستقیم در تقسیم درآمدی که بحساب استعمار زحمتکاران بدست می‌آید شرکت دارند، و نهایتاً گرایش بسوی کم شدن نادر بلکه برعکس این فاصله بطور مستمر زیادتر می‌شود.

میدانیم که تبلیغات بورژوازی بالا بودن نسبی سطح زندگی بخش عمده اهالی دربارهای از کشورهای سرمایه داری رشد یافته را بعنوان برگ برنده مورد استفاده قرار میدهند. ولی صرفنظر از اینکه این پدیده حاصل مبارزات روزمره زحمتکاران طی قرون شماری بمفهوم واقعی کلمه است و صرفنظر از اینکه این رفاه تاج و دو معنی از راه غارت نواستعماری کشورهای گیرشده بدست آمد ناست و با فقر و گرسنگی در حواشی قلمروها همبالمیست توأم است، به هیچ وجه مسئله عدم برابری در سطح زندگی مولف با استناد به دلایل گوناگون اقتصاد دان معروف امریکائی متذکر می‌شود: مردم در حالتی هم که درآمدشان با سایر امکان تا همین اندازه زندگی را بد حد ولی برابری کمتر از درآمد متوسط همبمان نشان باشد و همان اجازت دهد چیزی را که حداقل لازم برای امرامعاش کافی نامیده میشود، در آری باشند فقیر هستند (به صفحه ۳۱ کتاب رجوع کنید). تقسیم فقراتیق تعلق نژادی وطنی نیز نموده وار (تیبیک) است. مثلا در آریالا حشده امریکا در سال ۱۹۶۶ از ۲۴ میلیون و سیصد هزار نفری که بطور رسمی بخت تهیه دست اهالی بشمار آمده بودند، ۱۶ میلیون و هفتصد هزار نفری از آن درآمد از اهالی مفید پوست را در بر میگرفت. در حالی که سباهیستان، سرخ پوستان و افراد پورتوریکوسی که جز این گروه بودند، ۳۱ درصد همه اهالی غیر سفید پوست زندگی کمترین کشور سرمایه داری در آنجا را تشکیل میدادند (به صفحه ۴۰ کتاب رجوع کنید).

در این کتاب صفحانیزادی به شرح فاکت هائی در باره "دیباها" ناگزیریم به متنی اختصاص داده شده است که مبارزندان: و جدیدیت امکانات برای تحصیل، دسترس داشتن بکارهای فوق العاده در دسوارسنگین و لاغیر، داشتن موقعیت تحقیر آمیز در جامعه و عدم اعتقاد به آینده، بی آمدن پدیده‌های ناشی از بحران یعنی رکود در رشته‌های تولیدی، بیکاری و تورم که در دوران اخیر بصورت مزمن درآمده است، روی‌تشرهای تهیه دست و متوسط با سنگینی خاص فشار وارد میکند. روشن است که این تئیل اشخاص را فقروا فلاس واقعی تهدید میکند نه ورشکستگی. زولین میسرمد آسایستیم روزی می‌تواند خود را موکراتیک بنامد در حالی که چنین عدم برابری

۱- بجای است گفته شود که در سال ۱۹۷۵ رسا اعتراف میشده سطح زندگی بهتر از ۲۵ میلیون نفر در امریکا از سطح فقرا این نژاست.

آشکارا و فرقه‌های رادیکال را تحمل میکند؟ (به صفحه ۲۸ کتاب رجوع کنید). رشته مسائل دیگری که در این کتاب بررسی میشود مربوط به بی آمدهای منفی سازمان بدون برنامه و هرج و مرج تولید میسرمد است. اگرچه مولف به تعریف و تشریح مارکسیستی اقتصاد سرمایه داری میسرمد از وی وقتیکه مثلا در باره ماهیگیری‌های تجمیع بحساب و کتاب افراد در شهرهای غلام که موجب نزول کیفیت زندگی در هم فرو ریختن بنیاد رشد اقتصادی و فلیج شدن زندگی سیاسی است بشرح وسط میسرمد از، در بیت از همین موضوع سخن میگوید (به صفحات ۵۶-۵۵ ه کتاب رجوع کنید). در شهرسازی به شیوه سرمایه داری در گوناگون ناپرابری اجتماعی است. جیسی در "آباد تری"، کشورها را این لحاظ یعنی در آریالا حشده امریکا ۴ میلیون و ۱۲۸ هزار خانه فاقد لوله‌کشی آب و یک میلیون خانه فاقد حرارت مرکزی است (به صفحه ۷۳ کتاب رجوع کنید). این وضع در محدوده شهر میسرمد و در آن بخشهایی است که فقرهای اجتماعی پایین و وابستگیهای طبسی کمبود تبعیضی قرار دارند زیست میکنند.

چکمی مقصد بدبختی‌هایی است که زانیده این نوع شهرنشینی است و همینین چه کسی فقرا براف تئید بر دستاورد از منابع انسانی و طبیعی است؟ مقصدشکرکها و موسسات خصوصی هستند که باسی اعتنائی به مباحث اجتماعی با مسوم کردن برده‌ها و دریاچه‌ها و دریاها میسرمد در آمدن از توسعه صنعتی و امری عادی میداند (صفحه ۷۸). زولین خاطر نشان میکند اتحادیه‌ها با ناکارگری کم‌تعداد راه بالا بردن سطح زندگی مبارز میگردند، ناگزیر به این حقیقت پسین برده اند که تنها بالا بردن دستمزدها کافی نیست. اکنون آنرا خواستار چنان بهبود وضع زندگی هستند که تنها میتواند از طریق کاهش حد عکار، تا همین شرایط انسانی ترکان، کاهش ساعات روزگار و افزایش زمان استراحت، بهبود شرایط خانوادگی و وسائل نقلیه شهری بدست آید (ص ۷۸-۷۷). آن صفحات کتاب هم که در آنها سیستم سیاسی سرمایه داری معاصر بتفصیل مورد انتقاد قرار گرفته جالب توجه است. بطور کلی مباحثات ستایشگرانه که سیستم انتخاباتی کشورهای بورژوازی موکراتیک را بمثابة مکانیسم نمونه‌وار بیان آراء و خلق وانمود میکند، مولف این مطلب را از نظر درنمیدارد که در آن کشورها لیکه احزاب بورژوازی با برینتی بصنعت سگان حکومت را بدست میگردانند اصل نمایندگی مردم بقیه میشود و واحد در زمان و در اثر همان بی تفاوتی بخش اقدام اهالی کشور نسبت به انتخابات بدوجه صفر میسرمد. در سال ۱۹۶۸ در آریالا حشده امریکا از ۱۲۰ میلیون انتخاب کننده کسی بیشتر از ۷۳ میلیون نفر در انتخابات شهر میسرمد رای دادند. بدسترسخن ۴۷ میلیون امریکائی یعنی ۳۶ درصد مجموعه انتخاب کنندگان با سکو از حقوق مدنی خود صرف نظر کردند. طبق آمار مولف در کشورها نادره یا بختری غرب ۲۰ درصد انتخاب کنندگان از ادن رای امتناع میکنند (ص ۱۱۱).

در نتیجه مثلا نیکسون باید ستاوردن ۴۳ درصد آرا (یعنی با پشتیبانی ۲۶ درصد اهالی که به سن انتخاباتی رسیده اند) به کاخ سفید راه یافت و نتیجه همه بررسی سال ۱۹۷۳ در مورد ریود بریتانیای کبک و به بازار مشترک که در صد رای موافق رای بدست آورد عبارت از (ص ۳۶) در صد آرا! انتخاب کنندگانی بود که ثبت نام کرده بودند (ص ۱۱۵-۱۱۶).  
 علت امتناع از شرکت در انتخابات در چیست؟ اهالی کشور امیدوار نیستند که نمایندگان آینده پارلمان، تعهداتی قبل از انتخابات خود را عملی سازند. علاوه بر این در موارد بسیاری آنها ناسا گزینند که باسی را انتخاب کنند که احزاب بورژوازی به نام تحمل میکنند. پیروسی انتخابات "اقدام پیشی نیست که به یکمک آن اهالی کشور نظر خود را بیان میکنند و حکم حتی الاجرای تحقق بخشیدن به این نظرات را بدست نمایندگان خود میدهند. در حقیقت این یک اقدامی است که بوسیله آن

اهالی کنونی‌های پیشینانی از یک برنامه سازنده بدکترین زبان می‌دهند ، این پروسه پوسهلانگی برای " متوقف ساختن " نیروهای محافظه کار و ارتقای ویا کونسیس تبدیل میشود " ( ص ۱۲۲ ) . با وجود دقت کامل این مشاهدات ، مشکل بنوان با مواضع مولف کاملا موافقت کرد و این واقعیست را در نظر گرفت که نیروهای ترنجه‌آه از حقوق انتخاباتی موجود نرمانند و سیله مبارزه در راه و موکراسی و ترقی اجتماعی استفاده میکنند .

طبق بیان ژولین " جدائی " میان مرد پوینداهای سیاسی دولتگام گمبختگی افراطی گسری بودن شخصیت های سیاسی ، قتل ها ( جون ویررکندی ، مارتن لوترکنگ ، ولیدرها و اتحادیه های یازگاری در ایالات متحده امریکا ، پیرو موت در کاتانافورن ) و تحریکات و جنود پدها یکسکه با ترکشیمب ( در ایتالیا ، انگلستان ، امریکه ، فرانسه و جمهور فدرال آلمان ) همراه است ، بروز میکند ( ص ۱۲۸ - ۱۲۳ ) . در کتاب گفته میشود در مورد کشورهایی که " انتخابات همگانی " در آنها به دولت اکثریتی در حدود ۹۹ درصد می‌دهند میتوان مزاج و شوخی سخن گفت . اما از طرف دیگر اینهم کار ساده ایست که بگوئیم گوید موکراسی در کشورهای مورد احترام ایست که انتخابات به اکثریت ناچیزی کمک و پیشتر برای اداره امور کشور ضروری است منجر میگردد . ولی در این کشورها در برنامه نیست شیوه‌هایی یافته اند که از حق انتخابات همگانی بدون دادن امکان گزینش واقعی به انتخاب کنندگان ، استفاده میکنند " ( ص ۱۲۴ ) . سخن در این کتاب نمونه‌های بیشماری در گذشته است که چگونه ژولین در شرح مسائلی که باید دید میشود و پاره‌پاره سکوت در گزاره ها و هیولت مسائل به سیاست بازان بروز ژوئی امکان میده " موافقت با تحقق مشی سیاسی مورد نشان را . ا که انتخاب کنندگان حتی تصویری هم از آن ندارند ، جلب نماید .

" جذب آراء به کمک شکرهای مختلف تا خریدن مستقیم آراء " از دهنندگان نیز آنچه گفتنیست افزوده میشود . مولف ضمن محاسبه ای که چندین میلیون دلار از طرف شخصیت های سیاسی مختلف برای اشغال مقام فرمانداری و ایضاً صورت گرفته و ایالات متحده امریکا صرف شده است چنین نتیجه میگوید : " در حالیکه پول راهگشای رسیدن به مقام است و این مقام بنوبه خود موجب بدست آوردن مبلغ با هر چه بیشتری پول میگردد ، سخن گفتن از موکراسی خندناور است " ( ص ۱۳۵ ) . ژولین ضمن بررسی " جوانب گوناگون " سیستم سیاسی سرمایه داری توجه خود را به این مطلب معطوف میدهارد که در آخرین تحلیل حسابگرهای آزمندانه دارندگان مالکیت خصوصی ، که بطرف هرگونه اصول عدالت و منافع جامعه و همبهمان خود ، بدنیال منافع خویش اند ، در پس مذا هستند . ضد موکراسی قرار دارد . انحصارهای غول آسا مستوجب سرمایه گذاری را تحصیل میکنند ، آسناد در زده اول در فکر سود جویی خود هستند و ابد اعتنا و توجهی ندارند که افزایش قیمت اقسام معقول هم برابری و غیرانسانی شدن پروسه کارروایات اجتماعی روز افزون حاصل سرمایه گذاری نسا معقول است " ( ص ۱۴۵ ) .

درست از همین اشتباهی با یان نا پدید بر سود جویی است که چنین پدیده‌ها را اجتماعی خدانگاری مانند آزادی بازرگانی و حتی تحمیل انطه به خریداران موجود میآید . طی سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۶۹ تعدد در اصلاحیه دست که در بازارهای ایالات متحده امریکا فروخته شده از در میلیون و ۱۶۳ هزار در سال به شش میلیون و ۱۸۰ هزار زد و افزایش یافت . تولید کنندگان و فروشندگان اسلحه با منسلح کردن ۴۵ میلیون نفر زاید های سرمایه‌آوری بدست آوردند . نتیجه این کار افزایش روز افزون جانیگاری است ( به ص ۱۹۳ کتاب رجوع کنید ) . در ضمن باید گفت اعمال زورتنها از منبع باصلاح " با اکثریتی " آب نمخورد . اعمال زور در رجه اول زانیده " خواست قدرتمندان

پولداران در حفظ و دفاع امتیازات خویش است . این معنی از طریق فریب افکار عمومی یکسکه ، مایهجات بد و مسئولیت آنها بگرد که روزانه هزاران معنی آتی کونسیس بخورد مردم میدهند و همین جهت هم به نظر آن گنر شهرت یافته و محیط بدگمانی ترنر موجود می‌آورد ( رجوع کنید به ص ۲۳ کتاب ) . دستگام سرکوب دولت بوژوآئی . دست بدست با مایهجات زرد عمل میکند و ضننا هر اقدام آن در صورت ۱۵۰ هزار ضرورت مبارزه علیه خرابکاری توجیه میشود . بدنگم برنده های ساختنی بیدار و جنجال ضد کونسیستی که هدف آن استکدام مواضع ارتجاع است دامن زد میشود . مولف جریان کسار امریکاییهای رایاد آور میشود که در راه علیه مبارزه میکند ولی متهم شدنند که گویا قصد داشته اندست پتانگون را منفرجه سازند . او همچنین تا آخر میشود همان مردم فرانسه در سال ۱۹۱۸ را که مخافسل حاکمه فرانسه تلاش داشتند آراسو قصد ... گوایه این تحریک جوانان پاره بر به جنگ پارتیزانی و جنگ داخلی و نمودن سازند و نیز این جریان را که چگونصاً مایهجات ارتجاعی آدمکشان فاشیست را در ایتالیا تشریف میکنند و قربانیان این جنایات را " شورشی " چپ قلمداد میکنند با آور میشود . مولف اعلام میوزیر کشور جمهوری فدرال آلمان رایاد آور میشود که طی آن خواسته شده است در تمام کشور زندگی اجتماعی و از آن جمله در رشته آموزش علیه وجود کونسیست هاما رزه شود ( ص ۱ ) . در کتاب تاکید شده است که " همه جا در غرب هر کس علیه نظام موجود مخالفت کند بلا درنگ از او جانیگاری تلقی و ه با عمل کارگران که مزد و خرابی است بشمار می‌آورد " ( رجوع کنید به ص ۱۸۲ کتاب ) .

خواننده توجه دارد که اکثریت معنای که ژولین بعنوان مثال آورده مربوط به ایالات متحده امریکا است . این همنهادنی نیست زیرا در امریکا بهتر از هر کشور دیگر موکراسی یا ژورجری نقض میشود ( ص ۱ ) . این نتیجه گیری ادعاهای ستایشگران سرمایه دار را در باره اینکه رشد و تکامل آتی نظام بوژوآئی گویا موجب از بین رفتن و یا حداقل تخفیف نارسانیها و معیایب آن خواهد شد رد میکند .

درواقع هم چنین است ، بهر تقدیر ایالات متحده امریکا رشد یافته ترین کشور سرمایه دار است که از جهات بسیاری از دیگر کشورهای فرسی پیشی گرفته است . سیاست شناسان بوژوآئی همه تقریبا هم عقیده اند که " آنچه از خوب بد امروز در ایالات متحده امریکا موجود است پرازد و در معنی بسیاری دیگر کشورهای لیبروآاد موکراتیک هم که بدنیال لیدر خود پیش میروند به موازین های تبدیل خواهد شد . نظرمولف در باره این در زمان چنین است : " اگر ایالات متحده امریکا باز آمد سرانه سالانه ای سه بار بیشتر از اروپا رشد و فراوانی نعمت ، فقر و بیعدالتی اجتماعی و اشتغال فقرهای معینی از کارگران زمین میبرد و در انصورت بهر وی ازمنه آن فوق العاده هورا نگیند . اما تجربه این کشور که قبل از اروپا به دوران تکلیک ، مصرف گام گذارده همه صورتا خواهی از زمین میبرد . گسترش تولید قرا را تسهیل نیزد ، بلکه برعکس در حقیقت سماج زندگی ملی کیفیت زندگی بهترین شده است ، کارآیی و تنوع بیشتری پیدا کرده ولی فاقد هرگونه جاذبه ملاقه از طرف انسان است ، بهرامون شهرها ناسطری و ششینی پیدا کرده که به هیچوجه قابل زیست نیستند و سرانجام آلودگی آنها زنده هر زمانه سنی گذشته است . . . و اکنون اروپا هم قدم بد قدم بد نیال ایالات متحده امریکا پیش میرو ( ص ۱۵۰ ) . چنین است نظرمولف و از اختراعات ژوئی آن عوارضی بی شمار بیماری شده بدی که جامعه بوژوآئی به آن مبتلاست و مولف کتاب آنها را خاد نشان میکند . بدیهی است که این عوارضی نیاز به تعمی دارند که پوسهلان میتوان میکروب بیماری زائی را که جامعه را مبتلا کرده و همچنان مرتب این ارگانسیم

با چنانکه امید داریم در کتاب سال ۱۹۷۵ در جمهوری فدرال آلمان قانون ویژه ای بنام " قانون بر با صنعتی سازی کمال به تصویب رسیده که موجب آن گمانیکه دارای تاثرات عمیقی هستند حق کارکردن در ادارات دولتی و سیستم آموزشی را ندارند .

اجتماعی را نابود میکند، پیدا کرد. مولف در این باره چنانچه می‌پسندد؟ بقصدی بود علت عدم بهاری  
 دموکراسی "غریبهها" در آنستکه آنها هدف نهی اقتصاد را راغب بر بردن نهی اجتماعی و سیاسی  
 قرار داده اند (ص ۷۲) و بخاطر رشد اقتصاد این اصول عدالت، آزادی، برابری و برابری است  
 فراموشی سپرده شده است (ص ۹) در صورتیکه رشد دموکراسی فوق العاده میسرتر از رشد  
 اقتصاد است. هرگونه تعدی و تجاوز میان آنها باقی میماند هر دو آنها را برانگیزد (ص ۱۶۷)  
 در این باره هم مانند اربعینی از حقیقت موجود است. ولی آنها به تصحیحات جدی نیاز دارند.  
 قرن از هر چه بزیادتر گذشت که سرمایه داری بنحویه بدست میسرست اقتصادی هدف بر آوردن نیازمند بهای  
 قرب را در رضا خرگوناگون آن هیچگاه در برابر خود قرار نداده است. سرمایه داری بخاطر کسب  
 سود تولید میکند. وقتی سرمایه داری بینهنگ کالا پیش خریدارند به مرحله و نیز زندگی متحمل میشود.  
 جامعه با اصلاح مصرفی که "این نظریه کن‌نرس ویا شیوهها" منظم دولتی - انحصاری بوجود آمده  
 عبارت از دست است. این جامعه در حقیقت امرشویه و سوسله حقیقی. نظام سرمایه داری از طریق رونق  
 شنیدن منصفی به شرایط موجود باز راست. سیستم نه بخاطر ارضاء نیازمند بهای مردم، بلکه  
 بخاطر گردش و انباشت بدون وقفه سرمایه و در آخرین تحلیل بخاطر برپا بودن خود سیستم، عمل می  
 کند.

در دوران اخیر گفتمانها بسیار در سطح کارشمان و پاد و پتاهی کشورهای سرمایه  
 داری و مسائل مربوط به بحران شده اند اقتصاد، ترمیم و برود خودن سیستم از بی نظیر تشکیل  
 یافته است. این گفتمانها به منظوری تشکیل میشود؟ آیه هدف آنها را می بینیم کارگران از بیگاری و  
 فقر انزبهدستی است؟ خیر! اگر این مسائل هم تاحدودی بررسی میشود بمنزله مسائل فوری  
 در وجه مردم است. اما تا پلاشها، حسابها و وقف و تصور بزرگی بخار و صدها معطوف بدانست  
 که از نظر اول گرد و گریه معطل آید و سیستم کارفرمای خصوصی نجات داده شود.  
 مدعی ما، از روی مدافعین سرمایه داری میخواند مخالفت کند و بگوید انگیزه ها چه اهمیت  
 دارند، آیا این واقعیت میسرست است که در جامعه به اصلاح مصرفی اقتصاد متوجه مردم است؟  
 اما مسئله از این قرار است که انگیزه عامل فوری نیست، زیرا حاصلت بهره‌مانه سیستم اقتصادی ناگهانی  
 بر کلیه جوانب زندگی جامعه تاثری هلاکت بار می‌بخشد و این نکته است که گلدرویل به روشنی  
 در کتاب خود بیان داشته است. افزایش بر بند ویا مصرف که تابع سود جویی است در عمل میخواند  
 به نداشتن انسان در مصرف بی‌انجام و خواهد انجامید.

ژولین هم‌عقانه خاطر نشان میکند تعمیق نابرابری اجتماعی با اصول دموکراتیک در یکجای  
 نمیگردد، سرچشمه بدبختی هاراد آن‌ها می‌بیند که گفتمانهای "غریب" از اهداف خود منحرف شده‌اند  
 اما مفهوم "غریب" فقط سود رگسی ایجاد میکند، زیرا در این مفهوم نیروی اجتماعی زند و فاجدهای  
 قرار گرفته است. در باره سرمایه داری هم باید گفت که سرمایه داری هیچگاه برابری واقعی را به  
 هدف در برابر خود قرار نداده است. البته به استثنای آن کل کلی که این مسئله بوسیله آن از طرف  
 انقلاب بورژوازی مطرح شده بود. یعنی برابری همه در برابر قانون که فقط آزادی نامحدود را بکنار  
 خصوصی صاحبان سرمایه و امکان بدست آوردن نیروی کار آزاد بکنگ کالا از آن مفهوم میشد. این شعار  
 بیان لغزشی و ظیفه‌مدد انقلاب بورژوازی یعنی تطابق مناسبات اجتماعی با نیروهای تولیدی بود.  
 همه امثالی که بعد از آن گذشت باید به های برابری متیان بود. بدگرسی از آنجا که سرمایه داری  
 هیچگاه و بنحویه برابری اجتماعی را در برابر خود قرار نداده و منصفه‌ول آن نمیتواند در باره آن منصف  
 شود. البته نباید از نظر برداشت که در جهان سرمایه داری برخی پروسه‌های یعنی درجه‌بندی  
 است که حاصل فزونی آنها برابری منصف شرایط زندگی در چهارچوب برخی ازشرهای اهالی است.

آن آشفتگی مستعاضا سوسامان دارد شده مصرف هم به همینجا منجر میشود. فکر که برظنک ستم سرمایه  
 داری که شده برابری شده است. قشر متوسط که تعمیم پیدا نموده های خون نعمت انحصارها است  
 برابری میشود. اما همه این برابریها مسئله‌مدد یعنی از میان بردن اختلاف میان تبهیدستان و سوسرت  
 میان فقرهای متوسط و توانگران و میان تبهیدستان و فقرهای متوسط راحل نمیکند. بالعکس  
 بر این اختلاف افزود میشود. این مطلب در باره سیستم سرمایه داری باورگی و شکاف منصف میان  
 حلقه‌های رشد یافته و کم‌رشد آن بازم بیشتر صدق میکند.

عدم وقت در تشخیص علل بیماری ناگزیر بوجه عدم وقت در تهیه نسخه برای مدافعت آن میگردد.  
 وقتی که ژولین میگوید: امروز جوامع بورژوازی کم‌تر از بروز دموکراتیک است و خطر آن وجود دارد که  
 جنبه دموکراتیک آنها فراد از هر کم‌تر شود. کاملاً محق است و باید به انتقاد خود را از سیستم  
 گفتمانیهای سیاسی و بی‌عجزت تحسین نگریست. او برابری در شرایط جامعه بورژوازی را از روی خام  
 (ص ۲۱) متناهد و یا زهر خند میگوید: ایننگاهها دموکراسی به برقراری مجدد نیازمند است طبعاً  
 سوال دیگری را مطرح میکند که آیا دموکراسی اصلاً هیچگاه وجود داشته است؟ (ص ۱۰۳).  
 با این اندیشه‌مولف نمیتوان موافقت کرد که: این نکته شیوه‌های سخن‌آرایی ایجاد شده که  
 دموکراسیهای غرب با استفاده از آنها خود را از مسئولیت وجدانی خلاص کرده و بدین ترتیب صورت  
 ظاهر برابری را مسموم رافع میکنند. آنها افکارهای شدت‌مدد م رضایت را که با ناسازگاری همراه است  
 چه در گفتگو خود چه در خارج فقط تا زمانی تحمل میکنند که به امتیازات ماهوی آنان لطمه نمیزند  
 آنها با شرایط خاطر می‌بخشند "استقلال" می‌دهند این استقلال با ما را زور و نیرو کسب شده است  
 ویا آزادی را "بر سیستم‌شناسان" زمانیکه دیگر نمیتوانند از ادان آن امتناع ورزند (ص ۲۲۲).

ژولین کاملاً محق است که میگوید: "جوامع غرب بیماری است و تعنیهای این دلیل که تا بسبب  
 و کوشش انسانی را قربانی تلاش برای رسیدن به قدرت و هدف‌های کاملاً مادی کرده است. بلکه  
 از آن لحاظ نیز که آن گروه‌های (از جمله مقل روحانی) که ادعای تقدر پیشرو در قاع از حقوق  
 بشر دارند در این بخش از رسالت خود با شکست مواجه شده‌اند" (ص ۲۲۱). بالاخره با این  
 پیش‌بینی‌میتوان موافقت نکرد که اگر غرب میخواهد بزندگی مضمون تازه ای بدهد در آن صورت گانه را محل  
 عبارت از آنستکه همه امتیازات بزرگ و کوچک خود را بخاطر برابری و عدالت بیشتر، بخاطر دموکراتیک  
 واقعی که مدعای آن در زمینه اقتصاد و انسانی کردن شرایط کار تولیدی بخاطر زیاده‌ها کمتر  
 در آمد و قدرت بلکه برای ایجاد وسائل زندگی جهت‌میان نیازمند بهای انسان‌ها است.  
 کند (ص ۱۸۷).

اما صرف نظر از شعارهای کلی که منجمدی هالی فرمول بندی شده و هشدارها و (خود کتاب  
 "هشدارها" نامیده شده است) مولف پاسخ دقیق روشنی برای این پرسش ندارد: که بالاخص  
 در جگه، از چه طرفی و با چه میثاق به راه رفتن از این بحران دست یافت؟  
 چنین نسخه‌ای وجود ندارد. زیرا تاگزار می‌کنیم، تشخیص بیماری نادرست است. همه آن‌ها  
 که در کتاب آمده خود کشی" دموکراسی غرب" نیست، بلکه پروسه قانونمند و ناگزیر و نال نظام سرمایه  
 داری است. پروسه‌ای که از جانب کلاس‌های مارکسیسم - لنینیسم برصفاً تعریفی پیشگویی شده‌است.  
 پروسه‌ای که بدون انحراف و تصد و بی‌خطی عمل سرمایه داری و پیشرفت جهان نوسوسالیست منجر  
 میشود.

کلود ژولین در اثر خود عملاً از سیستم دیگری که بنحوی استوار در جهان تثبیت گشته پاد نمی‌کند.  
 از تنها آثار می‌کند که هدف وی تعقیب سیستم است، بلکه مقایسه‌واقعی موجود جهان سرمایه داری

با "اید فاکهای" آن بوده است. بدیهی است که یک چنین شیوه اظہار نظری میتواند بکاربرد شود. اما این شیوه ناگزیرند آبرو دیند را امید وید میکند و امکان دید و رنماهایی را که در برابر خلقها گشوده میشود، نعد هد. زیرا زندگی بشر با سرمایه داری بپایان نمیرسد. بلکه برعکس بسا بگفته انگلس تاریخ حقیقی بشریت بسا سوسیالیسم آغاز میگردد.

مؤلف کتاب مینویسد: "اگر موکراسی های غرب با شتاب عمل نکنند و رمعرض خطر انهد ام با پیدایش نخستین بحران قرار خواهند گرفت. بدبختانه بنظر می رسد که هم انتخاب کنندگان وهم کسانی که برای اداره کردن انتخاب شده اند با سرمایه کاری خود این شیوه خودکشی را پذیرفته اند" (ص ۱۲). چنین هشدارهایی به پیشگویی به سرانته خبیهت دارد. ولی در واقع چنین خطری بسا بپایه اساسا نیست، زیرا زوال ناگزیر موزمین سرمایه داری سیستم اقتصاد و سیاسی کبیہ برپا به سمت انسان برانسان و ملت بر ملت مبتنی است بپهچوچه یعنی اضمحلال تمدن و آن اصول و بنیاد های دموکراتیک نیست که در نتیجه مبارزات فداکارانہ با بقا کارگران و زحمتکشان بدست آمده است.

زوال سرمایه داری بمعنی زوال دموکراسی بورژوازی است که محدود و پشپا و محتوی باقیاتی و خصلتگذرانی آنرا آشکار میکند. بیاوریکه تجربه سوسیالیسم موجود تایید میکند، تنها با آغاز عهد نوین سوسیالیستی که میتواند حاکمیت واقعی خلقی را تأمین کند. دموکراسی اصیل رشد و تکامل مییابد و اید فاکهای عدالت و برابری و آزادی که بورژوازی به آنها خیانت کرد مواتون زینت بخش پرچم با بقا کارگران و زحمتکشان است، بیاوریکه ملت متحدی میباید بود.

## پس از پیروزی خلق های موزامبیک و آنگولا

خبرنگار مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" با رجال برجسته حزب و دولتی جمهوری تودنای آنگولا و جمهوری تودنای موزامبیک و اعضا رهبری جنبش آزادی ملی جمهوری افریقای جنوبی، بود زیا و نایب ملاقا سخن کرد:

سه سال پیش در مجله گفتگوی کبار رهبران سازمانهای آزادی ملی این پنج کشور بعمل آمده بود زیر عنوان "در جنبه های جنوب افریقا" درج گردید (۱). حالا دیگر مردم موزامبیک و آنگولا آزاد شده اند. اوضاع در جنوب این قاره چگونه تغییر کرده است؟ چه واثق تازه ای را مردم این منطقه باید انجام دهند؟ بدون تردید، این واثق برای کشورهای که استقلال خود را بدست آورده اند و کشورهایی که در آنها هنوز مبارزه و رزاه آزادی ادامه دارد فرق میکند. اما آنچه برای هر دو گروه کشورها مشترک است مبارزات از جنبه رفوا و نیز از جنبه به سنگری و رژیم های نژاد پرست که هنوز موجودیت خود زندگی مردم جنوب افریقا را زهر آلود میسازند و همچنین علاقه به ساختن جامعه ای نیو و بهتر. نگارنده مقاله ای که در زیر درج شده، در این باره سخن میگوید.

## بایه های حکومت مردم

آلوس برنارد ویا نیستا

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی جنبش خلق برای آزادی آنگولا (م. پ. ال. ۲۰).  
وزیر داخله جمهوری تودنای آنگولا

ارتش ما که یک ارتش خلقی تودنای است به پیروزی چشمگیری بر نیروهای تجار و کارامبرهاستی و در درجه اول بر ارتش نژاد پرستان جمهوری افریقای جنوبی که میکوشیدند سلطه نوکران امبرهاستی جنبانی را بر آنگولا تحمیل کنند، دست یافت. سرچشمه این پیروزی روشنی هدف سیاسی ما یعنی دگوسازی انقلابی جامعه، قاطعیت و اراده رزمندگان و تأمین وسایل تکنیکی ارتش خلق در سطحی عالی بود. اما آنچه مهم است این است که نیرو برای آزادی آنگولا، نبرد تمام افریقا و تمام نیروهای متفرق ایسین قاره بود. همین پشتیبانی روانی و سیاسی و مادی این نیروها و کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی و گویا این پیروزی بر نیروهای تجار و کارامبرهاستی را منک و میسر ساخت. در موضعگیری و اقدامات این نیروها سیاست انترناسیونالیسم پرولتری که از طرف آنها با و برپه گیر اعمال

میشود و بطور مشخص و کثرت جلوگیری کند. مردم آنکلا م. پ. م. ال. ت. و دولت ما این راه چنگساز فراموش نمیکند. من از پیشتر بیون کنگره بیست و پنجم حزب کومیت اتحاد شوروی، هنگام ابراز تشکر و ابراز احترام و تقدیم نامه از طرف کمیته مرکزی م. پ. م. ال. ت. و مردم آنکلا نسبت به حزب کومیت اتحاد شوروی و مردم شوروی و جامعه کمپوزهای خوشبختی، در همین مورد صحبت کردم (۶).  
 در میان امپریالیستی و بر علیه اتحاد شوروی و کوبا چارو و چال تبلیغاتی خشم آلود و زایلناک مقیاس بسیار به قیمت و افترا بر ما انداخته شد. ولی مردم کشور ما که نه در تشوری بلکه در عصبان احساس کرده اند که تجاوز امپریالیستی چیست، میدانند حق و حقیقت در کما است. در این زمینه معیار و معیار بسیار ساده است. کشورهای کمپا که کمپا کردند و هنوز هم بکنکهای خویش ادامه میدهند در میان مردم آنکلا هستند. اینها یکبار از دشمنان ما، نژاد پرستان جمهوری آفریقای جنوبی و دیگر نیروهای ارتجاعی و همچنین از بزرگان آنها در داخل کشور پشتیبانی کردند آنها در استان مزد آنکلا نیستند. ما یقین داریم که به هیچکس در جهان این حق در انقضیه است که حق همسنگی با جنس آزاد یا بیشتر ولی حق انترناسیونالیسم پرولتری را نش کند و با اقتداتش را که بر پایه این حقوق بعمل میآید، به بد و نواز جلوه دهد.

ما عقابا تا سیم که در لحظه ای که در شان میخواهند جمهوری ما را نابود کنند و جنبش ما را درهم شکنند، باید کشور سوسیالیستی بجای آنکه با مردم آنکلا که قربانی تجاوز شده بود، با شدت با امپریالیست ها و نژاد پرستان هم پناز شد که از لحاظ معنوی و مادی و از جمله با تسلیم و خافتن بیست مردم آنکلا را حمایت میکردند. ما می پرسیم: پس انترناسیونالیسم این کشور کجا است؟ تاریخ به این پرسش پاسخ خواهد داد.

بظن ما بهترین در سربواری بدست آمده عبارت از این است که در اوضاع بین المللی کومونیست تودهای مردمی که خوب سازمان یافته باشند و از طرف جنبش آزاد بیشتر ملی بیکری رهبری شوند که از پشتیبانی نیروهای مترقی جهان برخوردار باشد علیه قربانیهای فراوان قانورنده ایجاد ارتجاع داخلی و خارجی شکست وارد آورند. در باره اوضاع در بزرگشورهای جنوب آفریقا باید گفت م. پ. م. ال. ت. و جمهوری توده ای آنکلا همسنگی با تمام جنبش های آزاد یا بیشتر را در هر کجا که جریان داشته باشد از روابط درجه اول خویش بشمار می آورند.

جمهوری ما تازه با هر چه وجود نهاده است. در حال حاضر روابط سازمان دادن به آثاره امور کشور، احیای اقتصاد و سازماندهی جامعه نوپرو فایف در چرخه م است.

هدف م. پ. م. ال. ت. و برقراری سازمان توده ای و موزکاتیک است. خصلت سیستم اداری کشور را نیز همین هدف تعیین میکند. قانع کننده ترین گواه خصلت و افعال توده ای حکومت عبارتست از اختراع مورتودهای زحمتکش یعنی کارگران و دهقانان در اداره امور کشور. این اصول چگونه در باره پشتیبانی زندگی سیاسی کشور ما تحقیق می باید؟

شورای انقلابی جمهوری توده ای آنکلا قانون مسمی را در باره ایجاد حاکمیت خلق تصویب کرده است. این قانون چهره سیاسی این حکومت را مبین میکند و ساختار بسیار ساده ای برای اداره امور را پیش پا بالا در نظر میگیرد. وزارت و دستگاه های اداری داخله در حال حاضر طرح اصلاحات اداری لازم را پیش پا می بیند. اصل مرکزیت و موزکاتیک زیر بنا و پایه سیستم اداره کشور خواهد بود.

کمیسیون بخش ( محله ) سازمان اولیه حاکمیت خلق در شهرها است ( کمیسیون های محلی تود ) از این نوع هم اکنون تشکیل گردیده و فعالیت میکنند. هر کمیسیون از ۱۰ نفر تشکیل میشود. اولین

افراد از طرف جلسه عمومی تمام ساکنان بخش که به من هیجده سالگی رسیده اند انتخاب میگردد. کمیسیون یک سلمه وظایف سیاسی انجام میدهد، به نعل و فصل تمام مسائل مربوط به زندگی سیاسی اهالی که بعد از آموزش و پرورش از جمله آداب است می بردارد. کمیسیون ارگان نمایندگی در سطح بخش است، قوه اجراییه و راجه تاراد از عیزه است که رئیس آنرا کمیسیون پرورداری که مافوق بلا واسطه آمنتتیمین میکند. کمیسیون های بخش هاشترگانه کمیسیون شهرداری را انتخاب میکنند.

در روستا ها هم کمیسیون خلق از طرف افراد از ۱۸ سال بالا برگزیده میشود. کمیسیون مسئول امور اداری ( Koordinator ) را تعیین میکند. کمیسیون های روستا ها کمیسیون کسبون را انتخاب میکنند. کمیسیون شهری را وزیر دستگاه های اداری داخله تعیین میکند. چند کفون در میان کفون شهری متحد میشوند و نمایندگان کمیسیون های آنها در جلسه عمومی خود کمیسیون شهر را انتخاب میکنند. کمیسیون های شهری راجه در شهرها راجه و روستا ها وزارت و دستگاه های اداری داخله تعیین میکنند.

کمیسیون های شهرداری شهرها و روستا ها با مجمع ابالتی که انتخاب کمیسیون ابالتی را اختیار است، نمایندگی میفرستند. قوه اجراییه را در این سطح کمیسیون ابالتی که از طرف شورای انقلابی و ستا به معرفی بروی سیاسی م. پ. م. ال. ت. تعیین میشود، بعهده خواهد داشت.

سیستم اداری ما شکنج که شرح دادیم ایجاد نمیشود. در جریان ایجاد این سیستم ما از تجاری که در مناطق آزاد شده و در سالهای جنگ و زریه استقلال بدست آمده استفاده خواهیم کرد، اینک مقدمه است انجام اصلاحات اداری برای پایه فراهم آورده میشود. (۴) برای برقراری این سیستم با و کارگام کل وقت و در نظر گرفته شده است. عناصر مقدمه مانی آنرا در تمام اراضی کشور تصور میکنیم. نظام و مال و بزرگوار خواهیم آورد. آنها در جریان بهاد کردن این طرح ما با مشکل زندگی قبیله ای رو برو خواهیم شد. ۴ تمهید م. پ. م. ال. ت. برای حل این معضل پیش از هر چیز باید خود ریشه های مانده های قبیله ای را از بین ببرد از میان برداریم و برای زمین کاری باید زندگی مردم را بر پایه نوامی تولیدی از اینوسازیم. معنی و مقصود این نوامی چیست؟ باید کشاورزی را بر پایه تکنیک معاصر تجدید سازمان در هم، باید مجتمع های صنعتی در چهارچوب اقتصاد با برنامه موجود آوریم. باید مردم را با آگاهی سیاسی نوی آشنا و تربیت کنیم و آگاهی اجتماعی چنانکه میدانیم همواره متکثر کننده و مناسبی است که در سربو تولید برق قرار میگیرد. بالاخره باید آموزش و پرورش و بهداشت را در رسارسر کشور گسترش داده و در پیشرفت آنها بکوشیم. اینها یک سلسله وظایف تاریخی است که بدین ترتیب و بزرگام انجام خواهد شد.

شروعی کلا غارت شده و فقیر مایبارت رسیده است. اساسی ترین وظایف اقتصاد سیاسی رهائی کامل کشور از یخچالها و بارها، برقراری همکاری شمرخش با تمام کشورهای جهان بر پایه اصول خودر است استقلال ملی، تمامیت ارضی، عدم داخله در امور داخلی کشور و استقلال است. داشتن روابط همه جانبه با کشورهای سوسیالیستی برای ما در رجه اول اهمیت قرار دارد. رهبری کشور در این مرحله کشاورزی را پایه اقتصاد کشور و صنایع را عامل طابع کننده کردن آن به شمار می آید. پیشرفت اقتصاد ما باید طبق برنامه باشد و با نیازهای دقیق علمی تطابق کند. ولی ما

۱- آگوستینو تئوریسین جمهور جمهوری شوروی توده ای آنکلا در یک سیمتینگ تودهای را خواندند و از آغاز آوریل ۱۹۷۱ تاگید کرد که هنگام تشکیل ارگانهای حکومت خلق باید با کارگران بخش زحمتکشان تکیه کرد، خود را از داشتن استعاره و اداره روابان و عناصری که از لحاظ سیاسی ناستوارند با قاطعیت برکسار نگذارد و تدابیر قاطعی برای فهم کردن آن در سایر امپریالیسم اتخاذ نمود.

بر پایه زیربنای مادی که سرمایه داری و استعمار بر مبنای بارش نهاده اند شروع بنگاریم . مسأله  
بختی من مشکلاتی را که بویژه در مسائلمان رها در برابرمان است درنگ میکنیم . بهیچوجه ما بر آن نیستیم که  
در حال این مشکل بیک کشور های سوسیالیستی اتکا نماید .

سیستم اقتصادی جمهوری توده ای آنگولا بنا به مصلحت دوران گذار کنونی بر تعلق سه نوع  
مالکیت استوار است : دولتی ، که در آینده مالکیت اصلی خواهد شد ، بعد مالکیت تعاونی ( زکو پراتیو )  
و مالکیت خصوصی .

موسساتی که بر تالی هایجاد کرده اند همه به مالکیت دولت در میآید . بجایست یادآور شویم  
که برخی از این موسسات طهر هم قرار کارکنان فنی و مهندسان اینک بعد بستانکارانی که اداره تولید را  
بدستخود گرفته اند بکار افتاده اند . ( ۱ ) بخش دولتی در صنایع در آینده گسترش بیشتری خواهد  
یافت .

در راست تاد در روستا ها تعاونی های تولیدی ایجاد گردد . در برخی از نقاط چنین تعاونی  
هایی بوجود آورده شده که توده های دهقانان فقیر را در بر میگیرد . مزارع و کشتزارهای بزرگ کشته  
در گذشته به پرتالی ها تعلق داشت پایه مالکیت دولتی در روستا ها را بوجود میآورد . ملی کردن راضی  
در دستوری قرار دارد .

مالکیت خصوصی هم با توجه به مصالح جدید ساختن جامعه و ملت حفظ خواهد شد . مسأله  
از تصمیم های شتابزده بدوریم . اما در ضمن همان از توسعه بخش خصوصی جلوگیری بعمل میآید .

وظیفه مهم ما در زمینه سیاسی استحکام ساختار سازمانی م . پ . ا . ا . است . ایجاد شرایط برای  
تبدیل آن به یک حزب سیاسی مجهز به تئوری علمی انقلابی است .

باید گفت که متحدان توده های دهقانی و اربابان دهی است که با منافع استثمارگران یعنی  
زمینداران بزرگ ، مالکان و برخی از عناصر بورژوازی ملی و همچنین با منافع آن مخالفان زحمت‌ورز  
کند مبارزه انقلابی شرکت نکردند متضاد و آشتی ناپذیر است .

اینکه یعنی زمانی که در گساری انقلابی سیستم تولید آغاز میگردد ، به خلاف دوران که با  
کولونیا لیسیم ی چنگیدیم ، مبارزه بر علیه تمام اشکال استثمار انسان از انسان گسترش میابد و این  
مبارزه را باید با خرد سازند . باید شرکت کارگران ، توده های دهقانان و روشنفکران انقلابی را در اداره  
امور کشور تانیم کرد . زیربنای اجتماعی انقلاب را در ترقی تر نمود ، زیرا حفظ وحدت صاحبان نظر - سیاست  
متضاد در یک سازمان واحد بگریز ممکن است . امید عمومی و سیاسی برای مالاتم است که با هدیه فحسای  
انقلابی تطابق داشته باشد .

پسین سبب ما در نظر داریم کارگران توده های دهقانان را متشکل کنیم ( دهقانان در چارچوب  
تعاونی های متحد میشوند ) ، و همچنین روشنفکران را در سازمانی گرد آوریم تا بتوانیم بتدریج سازمان  
های اولیه حزبی را ایجاد کنیم . معیارهای انتخاب افراد جدی تر و مشگرترا خواهد شد و انضباط حزبی  
لازمین برقرار میگردد ( ۲ ) . بدین ترتیب این د یگروحدت توده ای از نوع جنبش آزاد پیخرف ملی نخواهد  
بود ، بلکه یک حزب طبقاتی بوجود خواهد آمد . مردم آنگولا برهبری این حزب خواهند توانست و با پیسه  
تاریخی را که در برابر خود دارند انجام دهند . ما متوجه این نکته هستیم که با دشواریهای عظیمی روبرو خواهیم  
شد ، ولی غم راسخ داریم که آنها را بر طرف سازیم .

- ۱ - در موسسات کمیسیون های کارگری بوجود آمده است . رهبری اتحاد پهلوی زحمتکشان آنگولا برای  
اعضا این کمیسیون ها مسئولیت های ویژه ای ترتیب میدهد . هیئت تحریریه
- ۲ - لوسولا را در هر کج جنبش میباید بسیاری از افراد خود را از فعالان م . پ . ا . بشمار آورد ولی فعالان  
کسانی نیستند که فقط کارت عضویت دارند ، بلکه آنها هستند که واقعاً بطور فعال و هر روز در کارهای  
م . پ . ا . شرکت میکنند . هیئت تحریریه .

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله

« مسائل صلح و سوسیالیسم » از نمایندگان احزاب  
کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:  
اتحاد شوروی ، اتریش ، اردن ، آرژانتین ، اسپانیا  
اسرائیل ، جمهوری افریقای جنوبی ، الجزیره ،  
جمهوری دموکراتیک آلمان ، جمهوری فنلاند  
آلمان ، انبوزی ، ایالات متحده آمریکا ، ایتالیا ،  
ایران ، برزیل ، بریتانیا ، صکیر ، بلغارستان ،  
بلجیوم ، یاراکوه ، یاناما ، پرتغال ، چکواکی ،  
دانمارک ، رومانی ، ژاپن ، سنگال ، سوئد ، سوئدان ،  
شیلی ، عراق ، فرانسه ، فنلاند ، فیلیپین ، قبرس ،  
سنگانادا ، کلمبیا ، لبنان ، لوساکا ، امپورک ،  
مجارستان ، مغولستان ، ونزوئلا ، هندوراس ،  
هندوستان ، یونان .

